



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

اساسات بیت المال در فقه اسلامی و قانون مالیات افغانستان (رساله ماستری)

محصل: بی بی حبیبہ سلطانی
استاد رهنما: دوکتور وزیر محمد سعیدی
سال: ۱۴۰۰ - ۱۴۴۳ هـ و



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

اساسات بیت المال در فقه اسلامی و قانون مالیات افغانستان

رساله ماستری

محصل : بی بی حبیبه "سلطانی"
استاد رهنما : دوکتور وزیر محمد "سعیدی"

سال : ۱۴۰۰ هـ ش - ۱۴۴۳ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترمه بی بی حبیبه بنت نصرالدین ID: 97-368-SH-MSF محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: اساسات بیت المال در فقه اسلامی و قانون مالیات افغانستان به روز دله شنبه تاریخ ۱۳۹۰/۹/۳ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۵ (نمره به عدد) جستاد و پنج (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالله حقیار	عضو هیات	
۳	استاد وزیر محمد سعیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

اهداء

اهداء میکنم به پدر و مادرم که من را قسمیکه کوچک بودم بزرگ ساختند و زندگی آموختند و از هیچ گونه زحمت بخاطر رسیدن من به موفقیت و یاد گرفتن دین الله دریغ نکردند.
و به تمام اساتید بزرگوام که من را در راه آموزش علم یاری رساندند و راه حق را برایم نشان دادند.
و به همه کسانی که هدف حیات خود را کوشش در راه دین، دعوت مردم از ظلمات به نور، آموختن علم دین و رساندن علم دین قرار دادند و در این راه از جان و مال خود دریغ نمی کنند.

سپاس گذاری

الحمد لله و و الصلاة و السلام رسول الله و على آله و صحبه و من و الاله.
اما بعد: رسول الله صلى الله عليه و سلم ميفرمايد " من لم يشكر الناس لم يشكر الله"
كسيكه سپاسگذاري از مردم نكند، سپاس از الله تعالى را بجا نمى آورد.

در قدم نخست سپاسگذاري ميكنم از همه كسانيكه زمينه تحصيل را به پسران و دختران اين سر زمين كه سال ها از تحصيل و تعليم به سطح عالي به دور بودند مهيا ساختند، و سپاس از اداره محترم پو هنتون سلام و تمام كارمندان آن كه با جان و دل كار ميكنند و زحمت مى كشدند و رياست محترم پوهنحي شرعيات و بورد ماستري كه اين زمينه را به طبقه اناث مهيا ساختند و بدون كدام نوع تبعيض بر خورد ميكنند و تلاش ميورزند، و يك سپاسگذاري مخلصانه از استاد رهنمايم جناب محترم استاد دوكتور وزير محمد سعیدی كه در نوشتن اين رساله با حوصله مندی كامل رفتار كردند و با نظريات عالمانه شان در اتمام اين رساله كمك های شايان كردند.

و از استادان مناقش كه اين رساله را مطالعه ميكنند خواهشمندم تا اشتباهات اين رساله را بر ملا سازند تا در غنمندی اين رساله افزوده شود.

خلاصه بحث

از مجموع و مطالب تهیه شده اساسات بیت المال در اسلام و مالیات و عواید دولت چنین خلاصه میگیریم

بیت المال اسلامی با داشتن مواد و منابع سر شار و غنی خود به بهترین وجه جواب گوی همه نیاز مندیهای جامعه بوده بشریت را بسوئی رفاه و ترقی بدون افراط و تفریط گرانی رهنمائی نموده مصالح فرد و جامعه را با ابعاد مختلف در نظر گرفته است. بیت المالیکه در ظل وسایه آن نه جامعه تقرر بوده و نه افراد، نه حاکم مستبدانه و مبدرانه در آن تصرف میکند و نه افراد در گرفتن حقوق شان مظلوم قرار میگیرند بلکه رعیت و حاکم، فقیر و ثروت مند همه با هم دست اخوت و همکاری داده جامعه مرفعه و دولت مستحکم را تشکیل میدهند که متضمن به مصالح همه آنها باشد.

چنانچه بیت المال و به عباره دیگر زیر بنای اقتصاد اسلامی همراه با اصول اخلاق اسلامی هدفش عادلانه ثروت و رفاه و آسایش مردم و هم سطح بودن زندگی زمام داران با افراد بوده توزیع نمونه ها آن را در زمان پیغمبر (ص) و خلفای راشیدین (رض) دیدیم

در سایر زمانها تا آنجائیکه مسلمانان و زمامداران به دستورات اسلام عزیز عمل کردند و از اموال بیت المال حفاظت نمودند مردم و جامعه در وضع خوبی بودند و همواره در ترقی، پیشرفت و عزت زندگی نمودند.

قوانین اقتصادی در زمان عمر بن عبدالعزیز (رض) و دوران خلفای عباسی تا حدودیکه بود، مملکت عظیم و پهناور اسلامی که از چین تا اسپانیا گسترش یافته بود بخوبی اداره میکرد احتیاج به کمکهای اجنبی و قوانین آنها نداشت بلکه دیگران به آنها محتاج بودند و از قوانین عملی میکردند.

در هر زمان مسلمانان و زمامداران، قوانین الهی را فراموش کردند به مادیات و تجملات، و تذبذب روی آوردند زندگی بر ایشان تنگ و تیره گردیده و بار ذلت بایشان سایه افکنده

فهرست موضوعات

۱	مقدمه
۲	الف: زمینه ها تاریخی بحث
۲	اهمیت و ضرورت تحقیق
۳	سبب اختیار موضوع
۷	موارد روش تحقیق
۹	فصل اول مباحث و کلیات
۹	مبحث اول اهمیت و حکمت بیت المال
۹	مطلب اول تعریف بیت المال
۹	بیت در لغت
۹	مال در لغت
۱۱	مطلب دوم اهمیت بیت المال
۱۲	مطلب سوم حکمت بیت المال
۱۳	مبحث دوم بیت المال در مسیر تاریخ
۱۲	مطلب اول بیت المال قبل از بعثت
۱۲	الف: اوضاع مورد مالی دولتها و ادارات محلی قبل از اسلام
۱۴	مهم ترین موارد مالی جزیره العرب قبل از اسلام
۱۵	مطلب دوم بیت المال در زمان پیامبر اسلام
۱۵	بیت المال در عصر پیامبر صلی الله علیه و سلم
۱۷	مطلب سوم بیت المال در زمان صحابه و تابعین
۱۷	خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و بیت المال
۱۷	خلافت عمر رضی الله عنه و بیت المال
۱۸	خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه
۱۹	خلافت حضرت علی
۱۹	بیت المال و عصر خلافت امویان
۲۰	وضیعت بیت المال در عصر خلافت عباسی ها
۲۱	مطلب چهارم بیت المال در عصر حاضر
۲۱	مبحث سوم نقش بیت المال در اسلام
۲۱	مطلب اول نقش اقتصادی
۲۱	فراهم ساری بستر های اقتصادی
۲۲	۲- عدالت اقتصادی
۲۳	۳- عوامل موفقیت و رشد جامعه در اقتصاد اسلامی

۲۳	مطلب دوم- نقش اجتماعی بیت المال
۲۴	مطلب سوم- بیت المال نقش تعاونی (در نزدیک ساختن طبقات جامعه)
۲۶	مطلب چهارم نقش بیت المال در برابری
۲۸	فصل دوم موارد بیت المال از زکات
۲۸	مبحث اول زکات
۲۸	مطلب اول-تعریف زکات.....
۲۸	تعریف لغوی زکات
۲۸	تعریف اصطلاحی زکات.....
۲۹	مطلب دوم- اهمیت و جایگاه زکات در اسلام
۳۱	مصلب سوم – حکمت ها زکات
۴۴	مطلب چهارم: ازکان و شرایط زکات.....
۴۳	شرایط و انواع زکات
۳۵	شرط زکات دهنده.....
۳۵	الف- شرطهای متفق علیه (شرطهای و جوب زکات که فقهای مذاهب در موردش با هم متفق اند)
۳۵	نیت یا قصد حین ادای زکات
۳۵	حر (ازاد بودن)
۳۵	اسلام (مسلمان بودن)
۳۵	ملکیت تام.....
۳۶	ب- شرطهای مختلف فیه
۳۶	بلوغ سن
۳۶	عقل
۳۷	شرط های و جوب رکات در اموال
۳۸	مطلب پنجم انواع زکات
۳۸	مبحث دوم اموالی که زکات در آنها واجب است و مقادیر آنها
۳۸	مطلب اول- زکات طلا و نقره و بانک نوتها.....
۴۰	مقدار رکات در طلا و نقره.....
۴۰	مقدار نصاب در بانک نوتها (پول های مروهه)
۴۱	مطلب دوم – زکات معادن و رکاز (گنج)
۴۳	مطلب سوم – زکات ثروت ها تجارته.....
۴۵	کیفیت زکات در اموال تجارت

۴۵	آیا در و سالی که تاجر از آن در تجارتش کار میگیرد زاکت واجب است
۴۶	مطلب چهارم: زکات محصولات زراعتی و میوه جات
۴۶	شرطهای زکات در محصولات زراعتی و میوه جات از نظر فقهاء
۴۸	زکات زمین ها خراجی
۵۰	مبحث سوم عشر
۵۰	مطلب اول تعریف عشر
۵۰	مطلب دوم اهمیت و فلسفه عشر
۵۱	فلسه عشر
۵۱	مطلب سوم دیدگاه ها فقهی در مورد عشر
۵۲	مطلب چهارم انواع عشر
۶۸	مطلب پنجم نقش عشر در بیت المال
۵۶	مبحث چهارم خراج
۵۶	مطلب اول تعریف خراج
۵۶	مطلب دوم هدف خراج
۵۷	مطلب سوم انواع خراج
۵۹	مطلب چهارم نقش خراج در بیت المال
۵۹	ابلاغ
۶۰	فصل سوم
۶۰	موارد بیت المال از غیر زکات
۶۰	مبحث اول صدقه
۶۱	مطلب اول تعریف صدقه
۶۱	مطلب دوم : دلیل و جوب صدقه فطر
۶۲	مطلب سوم – حکمت مشروعبیت صدقه فطر
۶۳	مطلب چهارم – حکم و شرایط و جوب صدقه فطر
۶۴	مطلب پنجم- وقت و جوب صدقه فطر
۶۵	مطلب ششم انواع صدق
۶۹	مبحث دوم خمس
۶۸	مطلب اول تعریف خمس
۶۸	مطلب دوم اهمیت و دیدگاه فقهی راجع به خمس
۶۸	مطلب سوم از چی چیز ها خمس گرفته میشود

۶۹	مطلب اول تعریف عنیمت.....
۶۹	مطلب دوم – اقسام عنیمت و حکمت آن
۷۲	مطلب سوم نقش غنیمت در رشد بیت المال
۷۳	مبحث چهارم فی
۷۱	مبحث پنجم عشر مالیات گمرکی.....
۷۴	مطلب اول مالیات.....
۷۴	هدف از تشریح مالیات.....
۷۵	مقدار مالیات
۷۷	مطلب دوم انواع مالیات دولتی در افغانستان
۷۹	فرع دوم – مالیات غیر مستقیم و محصولات.....
۸۳	مطلب سوم عشر مالیات گمرکی.....
۸۵	فصل چهارم
۸۵	مالیات
۸۵	مطلب اول تعریف لغوی و اصطلاحی بیت المال.....
۸۶	اصطلاحات مهم مالیاتی.....
۸۸	اهداف مالیات
۸۹	مطلب دوم تاریخچه مالیات در جهان و افغانستان.....
۹۱	مطلب سوم نقش دولت در جمع آوری مالیات.....
۹۲	دخالت دولت ها و مالیه عمومی
۹۲	مبحث دوم نقش مالیات در رشد اقتصاد امروز.....
۹۲	مطلب اول تاثیرات اقتصادی مالیات
۹۳	مالیات و نوسانات اقتصادی.....
۹۳	تاثیرات مالیات بر خدیداران و فروشنده و مغدار فروش کالا.....
۹۴	تاثیرات مالیات بر عرضه کار
۹۵	تاثیرات مالیاتها بر پریس انداز ها
۹۶	مطلب دوم نقش مالیات در رشد اقتصاد.....
۹۶	رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ
۹۷	توازن تر از پرداخت ها
۹۷	عدالت اقتصادی و اجتماع
۹۷	جهاات مصرف مالیات

۹۸	مطلب اول مصارف عموم اداری و اجرایی
۹۸	جزء اول انواع مصارف عمومی اداری و اجرایی
۱۰۰	جزء دوم انواع مصارف عمومی اقتصادی
۱۰۱	جزء سوم مصارف سرمایه ای
۱۰۳	جزء چهارم مصارف انتقالی
۱۰۴	مطلب دوم طبقه بندی مصارف عمومی از نگاهی دیگر
۱۰۶	جزء اول انواع مصارف یا پرداخت ها انتقالی
۱۰۶	مصارف انتقالی اجتماعی
۱۰۷	جزء دوم سرمایه گذارهای دولتی به دو گروه تقسیم میشوند
۱۰۸	انواع سرمایه گذاری ها دولتی و ساختمان اقتصادی
۱۹۱	فصل پنجم نقش غیر مسلمان در اقتصاد و بیت المال
۱۹۱	مطلب اول معنی لغوی جزیه
۱۱۰	مطلب دوم حقیقت جزیه و انواع آن
۱۱۱	مطلب سوم فلسفه جزیه
۱۱۲	مطلب چهارم چگونگی جمه آوری جزیه
۱۱۳	مطلب پنجم علت پرداخت جزیه و اسباب آن
۱۱۵	نتیجه گیری
۱۱۷	پیشنهادات

مقدمه

الحمد لله و الصلاة والسلام رسول الله و على آله و صحبه و من و الاله.

"اما بعد: رسول الله صلى الله عليه و سلم ميفرمايد" من لم يشكر الناس لم يشكر الله"

ثنا و ستايش بى پايان براى ذاتيكه انسان را با بهترين هيكل و صورت زيبا آفريده شرف و عزت داد، خليفه زمين مقرر كرد و علاوهً جهت راه يابى بيشتر بهترين پيامبران و كتابهاى مقدس را فرستاد، و دانش را نيز برايش ارزاني فرموده و قلم را به حيث خوب ترين وسيله و کوتاه ترين راه جهت رسيدن به اهداف عاليه اش در خدمت او قرار داد. درود بى پايان به روح پاك بنده مقرب و پيامبر گرامى اش محمد مصطفى صلى الله عليه وسلم آنكه پيام نجات بخش الهى را براى بشریت به ارمغان آورده و بدین وسيله شاهراه بزرگ سعادت و رستگارى را براى انسانها نشاندهى كرد. و نيز به ارواح پاك اهل بيت و پياران پاك دل وى كه در زمان حيات و بعد از وفاتش خوبترين وسيله بودند در جهت گسترش دين مقدس اسلام تا اينكه درين راه جان خود را فدا كردند و صفحات تاريخ زنده گى بشر را بنام هاى گرامى شان مزين و رنگين نمودند. و نيز درود به ارواح پاك علماي امت اسلامى كه در راه خدمت به اسلام و ابناء آن با تلاش هاى صادقانه خويش بزرگترين منابع و مراجع اسلامى را به حيث خوبترين يادگار در خدمت فرزندان اسلام قرار دارند، كه اکنون من وسايرين، در همه گفته ها و نوشته هاى خويش مرهون احسانات و زحمات آنها هستيم. و بعد: دين اسلام برنامه كامليست كه از جانب پروردگار جهان كه جوانب مختلف زندگى بشر را در نظر گرفته، و براى مشكلات آن راه حل ها، قوانين، احكام و طريقه ويژه ارائه نموده، مال و ثروت را كه خداوند جل جلاله به خدمت بشر قرار داده هم چنان در استفاده آن راه هاى مشروع را روشن نموده. مصالح عامه را در نظر گرفته بهترين قوانين اقتصاد زندگى را تشريع نموده است، چنانچه اسلام از آوان ظهورش به تأسيس بيت المال عمومى و صندوق زكات با در نظر گرفتن همه موارد آن، توجه خاصى نموده، پايه هاى آن را باوحي الهى مستحکم نموده است، زيرا اسلام ميخواهد تا براى همه افراد جامعه زندگى مناسب و آبرومندانۀ فراهم نمايد، حد اقل احتياجات اصلى زندگى آنان مرفوع باشد، برايشان معيشتى مهيا گردد كه مناسب حال ايشان بوده و به ادای فرائض و مسئوليت هاى شان كمك کرده، از شرفقر و پيامدهاى منفى آن در جامعه جلو گيرى نمايد، و بالآخره حيات جاويدانى جامعه را تضمين نموده محروميت ها را از صفحه زندگى بشر محو نمايد.

الف: زمینه های تاریخی بحث:

به اساس اهداف والا و شائسته، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در اولین گامهای تشکیل دولت اسلامی نوبنیاد برای اولین بار بیت المال را تأسیس نماید، تا مشکلات اقتصادی جامعه را از طریق آن بر چیند و راهرا برای سعادت حیات بشر به بهترین وجه آماده سازد. بیت المال در اسلام از اهمیت خاصی بر خور دار بوده و در طول تاریخ مراحل مختلف را طی نموده است قسمیکه در فصل اول مروری برگذشته موضوع بحث خواهیم نمود بیت المال و موارد آن در ابتدای اسلام نظر به حجم و تعداد مسلمانها و فراهم نبودن شرائط و به اختیار نداشتن بسیاری از موارد بیت المال بدست مسلمانها خیلی کوچک و ناکافی بود، در بسا اوقات مسلمانها و سربازان اسلام در مقابل دشمنان از نداشتن تجهیزات و اسلحه جنگی به مشکلات زیادی مواجه میشدند و پیامبر صلی الله علیه وسلم مسلمانهای ثروتمند را تشویق به پرداختن اموال شان در راه خداوند جل جلاله میکردند. و مسلمانها از طریق ثروتمندان شان اکمال میشدند، و در زمان خلافت حضرت ابو بکر رضی الله عنه تا مدتی تنگ و بستی بر مسلمانها در اوم یافت و با الآخره در اواخر خلافت ابو بکر رضی الله عنه و در طول خلافت عمر رضی الله عنه همه راه های موارد بیت المال برای مسلمانها باز شد و بیت المال به بهترین وجه اکمال گردید رفاه و ترقی را در جامعه به ارمغان آورد. وبعد از خلافت حضرت عمر رضی الله عنه و تفسیر یافتن خلفای بعدی و سیاست های آنان بیت المال فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته، میتوان خلاصه آن را در فصل اول مروری به گذشته موضوع ملاحظه نمود.

اهمیت موضوع: اید توجه داشت نمود که نقش بیت المال در رشد اقتصاد اسلامی از جایگاه ویژه برخوردار است. هرگاه بیطرفانه در عصر نبوی و خلفای راشیدن و بعدها نظر اندازی دقیق بنمائیم به خوبی دیده میشود که بیت المال نقش کلیدی را در دست گیری مردم بیچاره و بینوا بازی نموده و نگاه همگان را به خود عطف نموده بود: بگونه فشرده برخی از اهداف بزرگ ایجاد بیت المال را می توان در نقاط ذیل خلاصه نمود.

۱. جایگاه بیت المال از نظر اسلام بسا ارزنده و قابل تمجید است.
۲. بیت المال در رشد اقتصادی مردم و حمایت نظامی نقش کلیدی را ایفا میکند.
۳. شریعت اسلامی راه های گوناگون را بخاطر جمع آوری مالیات و رشد اقتصادی جامع اسلامی در نظر داشته و توجه جدی را روی بیت المال ابراز داشته است.
۴. بیت المال از همان آوان جدید خلافت اسلامی تا امروز نقش بسیار مهم را بخاطر بهبودی اقتصاد اسلامی ایفا نموده است.

۵. کمرنگی توجه مردم امروزه نسبت به بیت المال باعث رکود اقتصادی شده است.

۶. دین اسلام برنامه کاملیست که از جانب پروردگار جهان که جوانب مختلف زندگی بشر را در نظر گرفته، و برای مشکلات آن راه حل ها، قوانین، احکام و طریقه ویژه ارائه نموده، مال و ثروت را که خداوند جل جلاله به خدمت بشر قرار داده هم چنان در استفاده آن راه های مشروع را روشن نموده. مصالح عامه را در نظر گرفته، بهترین قوانین اقتصاد زندگی را تشریح نموده است، چنانچه اسلام از آوان ظهورش به تأسیس بیت المال عمومی و صندوق زکات با در نظر گرفتن همه موارد آن، توجه خاصی نموده، پایه های آن را با وحی الهی مستحکم نموده است، زیرا اسلام میخواهد تا برای همه افراد جامعه زندگی مناسب و آبرومندانه فراهم نماید، حد اقل احتیاجات اصلی زندگی آنان مرفوع باشد، برایشان معیشتی مهیا گردد که مناسب حال ایشان بوده و به ادای فرائض و مسئولیت های شان کمک کرده، از شر فقر و پیامدهای منفی آن در جامعه جلوگیری نماید، و بالأخره حیات جاویدانی جامعه را تضمین نموده محرومیت ها را از صفحه زندگی بشر محو نماید.

اسباب اختیار موضوع: گرچه در ابتداء بنده بدلیل اینکه موضوع بیت المال خیلی ها موضوع بزرگ و وسیع بود رغبت چندانی در مورد تحقیق آن نداشت و بحث آن را از وسع و توان خویش فراتر میدانست ولی به اساس اصرار محترم استاد رهنما نظر به میرمیت موضوع بالأخره به کار آن آغاز نمودم. زمانیکه جریان کار تحقیق را آغاز نمودم متوجه شدم که واقعاً خیلی موضوع وسیع بوده و مشکلات فراوانی را در رابطه به تحقیق موضوع ملاحظه نمودم و بالأخره با تفاهم با محترم استاد رهنما برابم هدایت داده شد تا در مورد نکات مهم و براننده موضوعات، بحث و تحقیق نموده از اختلافات و ذکر دلائل مذاهب بدون اینکه در تفصیل موضوع داخل شوم اختصاراً بحث نمایم مگر در جائیکه به تفصیل آن ضرورت دیده شود.

سوالهای اصلی تحقیق:

اول: اساسات بیت المال در فقه اسلام چیست؟

دوم: مهم ترین موارد بیت المال کدام ها اند؟ چهارم: مالیات چیست؟

سوالهای فرعی تحقیق:

اول: قانون مالیات در افغانستان چگونه می باشد؟

دوم: مالیات چیست؟

سوم: نقش دولت در جمع آوری مالیات چیست؟

پیشینه تحقیق: زمانیکه جریان کار تحقیق را آغاز نمودم متوجه شدم که واقعاً خیلی موضوع وسیع بوده و مشکلات فراوانی را در رابطه به تحقیق موضوع ملاحظه نمودم و بالاخره با تفاهم با برخی از دوستانم رسیدم تا در مورد نکات مهم و برآزنده موضوعات، بحث و تحقیق نموده از اختلافات و ذکر دلائل مذاهب بدون اینکه در تفاسیل موضوع داخل شوم اختصاراً بحث نمایم مگر در جائیکه به تفصیل آن ضرورت دیده شود. در جهان قبل از اسلام که از جوامع متمدن امروزی غرب هیچ خبری نبود و ساکنانش در توحش زندگی میکردند، دو امپراطور مستبد حکمفرما بود، امپراطوری روم و امپراطوری فارس بودند که انسانها را تحت سلطه و استبداد سلاطین محکوم نموده بودند و غالباً ثروت و سرمایه در انحصار عده محدود بود که همه اشراف زمین ها کشتی ها و منابع ثروت را به خود اختصاص داده، و بقیه مردم که جماعت محتاج و بیچاره بودند در پریشانی بسر میبردند و با دلسردی با دشمن خارجی بدون داشتن اختیار و اراده می جنگیدند و همیشه در انتظار تغییر و انقلاب بودند و برای رهایی خود از چنگال فقر و بردگی تنها یک راه داشتند و آن اینکه بر ثروتمندان حمله کنند و دارائی آنها را از دست شان بگیرند و در میان خود تقسیم کنند. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از آغاز هجرت مدینه به منوره رهبری دینی، سیاسی مردم و جامعه نوین اسلام را به عهده گرفت و از نخستین گامهای زعیم دولت اسلامی تشکیل بیت المال و تشریح موارد و منابع آن بود که مهم ترین این منابع عبارت از زکات، صدقات، هدایا، غنایم، جزیه، فئ و غیره بود، که همه این عواید مالی در منابع مالی بیت المال داخل گردید، تا از طریق بیت المال مصارف و نیازمندی های جامعه اسلامی و تأمین خسارات و کمبود های افراد ناتوان و تجهیز غازیان اسلام را بپردازد. در پیمان تعاون و همبستگی اسلامی، بعبارت دیگر در قانون اساسی مدینه که توسط پیامبر صلی الله علیه

وسلم تقویت شده بود، فقره و ماده ای است که به تأسیس بیت المال عمومی اشاره میکند. (اینکه مسلمانان نیاز مندی را در میان خویش تنها نمیگذارند بلکه در تقدیر و پرداخت دیت <خونبها> بگونه پسندیده با او همکاری میکنند)

خلیفه اول ابوبکر رضی الله عنه نیز به همان منهج و روش پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد جمع آوری اموال بیت المال و توزیع آن میان مستحقین عمل میکرد. عمده ترین خدمتی را که ابوبکر صدیق رضی الله عنه به دولت اسلامی انجام داده جلوگیری از ارتداد دینی قبایل عرب و تأدیب نمودن مانعین زکات (جنگ اقتصادی) بوده است. به مجردیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم وفات میکند و ابوبکر رضی الله عنه به خلافت بیعت میشود قبائلی که جدیداً به اسلام روی آورده بودند و در حقیقت از اسلام چیزی نه آموخته بودند، از یک رکن بزرگ اسلام (پرداختن زکات) انکار نمودند، ابوبکر رضی الله عنه با قاطعیت تمام علیه آنها اعلام جنگ نموده مسلمانان را به جهاد علیه مرتدین زکات امر نمود که در نتیجه پیروزمندانه ازین معضله خطرناک بیرون آمد. عصر خلافت عمر رضی الله عنه شاهد تحولات چشمگیری بود چه در ساحه نظامی، سیاسی و چه در ساحه اقتصادی درین عصر در قلمرو دولت اسلامی وسعت زیادی آمد مناطق فارس و روم بدست مسلمانان فتح شد، واردات دولت اعم از غنایم، خراج، عشور، فئ و جزیه بی حد زیاد شد، برای خلیفه وقت حضرت عمر رضی الله عنه ضرورت احساس شد تا در مورد تنظیم و احصائیه واردات و مصارف دولت تدابیری را سنجید و در همین راستا برای اولین بار بیت المال را بمنظور محافظ و نگهداشتن اموال مسلمانان بطور منظم همراه با دیوان احصائیه گیری آن پایه گذاری نمود، تا ازین طریق دخل دولت را از موارد متعدد آن احصائیه و مقادیر معارف دولت را تنظیم نماید، و در عین حال برای سربازان، والیان، و سائر کارمندان دولت معاش تعیین نموده و مصارف دیگری را برای رفاه جامعه و مردم از طریق بیت المال پیش بینی میکرد.

خلافت حضرت عثمان (رضی الله عنه) و بیت المال: جای شک و تردیدی نیست که حضرت عثمان رضی الله عنه فضائل و کارنامه های بزرگی در تاریخ اسلام دارد و لی مقررات الهی بر آن بود که بعد از خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه که در اداره و نظام خلافت با صلاحیت و قاطعیت و عدالت شهرت داشت حضرت عثمان رضی الله عنه با داشتن طبیعت رحم دلی سخاوت و گذشت زمام خلافت را بدوش گرفت تعیین شدن عثمان رضی الله عنه بعنوان خلیفه زمینه را برای فرحت طلبان و استفاده جویان مناسب قرار داد گویا که راه سهولت و آسانی بعد از گذشت دوره خلافت سخت گیرانه عمر رضی الله عنه بر والیان و

مسئولین اداری خلافت باز گردیده و آن ترس و حراسیه از خلیف روم در مورد باز پرسی داشتند از میان برداشته شد. در این تحقیق از این کتاب ها استفاده نمودم .

۱- القرآن الکریم.

۲- ابن کثیر عماد الدین، تفسیر القرآن العظیم، دار عالم الکتب للطباعة والنشر والتوزیع- طبع ۱۹۱۹م دوم ه ق- م ۱۴۱۱.

۳- ابن قدامة المعنی، دار عالم و لکتب، الرياض، طبع سوم ۱۴۱۱ه ق- م ۱۹۱۹

۴- ابن کثیر عماد الدین، البداية والنهاية، دارای حیان، القاهرة، طبع اول ۱۴۱۶ه ق- م ۱۹۹۶

۵- ابن همام محمد، فتح القدير، مكتبه حقانية، محل جنگی، پشاور پاکستان

۶- ابو محمد علی ابن احمد بن سعید بن خرم، المحلی بالآثار دارالکتب العلمیة بیورت لبنان طبع ۱۹۱۱ه ق - م ۱۴.

۸- ابو الحسن علی ابن محمد بن حبیب الماوردی، الاحکام السلطانية مكتبة الفاروقية، محله ی پشاور پاکستان.

۹- ابو زهرة محمد، تنظيم الاسلام للمجتمع، دار الفكر العربی القاهرة

۱۰- ابو الفتوح بسیونی، سعید محمد، الحرية الاقتصادية فی الاسلام و اثرها فی التنمية، دار للطباعة و النشر و التوزیع، المنصورة مجمع اول ۱۴۴۱ه ق، م ۱۹۱۱.

۱۱- ابراهیم مصطفی، المعجم الوسيط، دار الدعوة التنبول ترکیه طبع هشتم ۱۴۱۴ق، ه م ۱۹۱۱

۱۲- البارونی عیسی ایوب، الرقاية المالية فی عهد الرسول و اخفاء الراشدين، جمعية الدعوة لامية، طبابلیس، اللبنة طبع اول ۱۳۹۵ق، ه ۱۹۱۶م .

۱۳- بیان دکتور سید جان، در مان فقر از نگاه قرآن، مرکز نشراتی میوند پشاور پاکستان طبع ه ش ۱۳.

۱۴- تقوی دکتور مهدی، مبانی علم اقتصاد، مرکز آموزشی و پژوهش صنایع ایران طبع هفتم ه ش ۱۳.

۱۵- جر دکتور خلیل، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر تهران طبع ۱۳۱۴ یازدهم ه ش.

۱۶- ریاست عواید وزارت مالیه افغانستان الزحیلی دکتور و هبة، الفقه الاسلامی و ادلتة، دار الفكر دمشق
طبع سوم ۱۴-۱۵۴ م ۱۹۱۹ق،.

۱۷- السيد سابق، فقه السنة، دارالکتب العربی، بیروت لبنان طبع هشتم ۱۴۴۱ م ۱۹۱۱ق،

موارد و روش تحقیق:

چنانچه که گفته شد موضوع تحقیق پروژه هذا خیلی وسیع بوده نمیتوان آن را در همه ابعاد و جزئیات اش
تفصیلاً بحث نمود، بدین ملحوظ عموماً در مورد بحث و تحقیق موضوعات روش خلاصه و فشرده را در
نظر گرفته از داخل شدن به جزئیات و اختلافات طولانی مذاهب کنار آمده نکات مهم هر موضوع مورد
تحقیق و بررسی قرار میگیرد ندارد بحث صورت نمیگیرد مثلاً : زمانیکه از موضوع زکات که یکی
از موارد بیت المال است بحث میکنیم فقط جوانب عملی آن را از لحاظ عائد بودنش به بیت المال غور
مینمائیم نه جنبه مصرف آن را که زکات در کدام راه مصرف شود، یعنی از موضوع مصارف زکات بکلی
بحث صورت نمیگیرد و تحقیق موضوعات دیگر این پروژه نیز به همین اصل استوار است. گرچند روش
تحقیق ایجاب میکند تا هر موضوع بطور مفصل و آوردن همه جزئیات آن مورد بحث و تحقیق صورت
گیرد ولی ماخواستیم تا جوانب مهمی موضوع را بر مسلد سازیم تا یک اثر مختصر، مفید بدست آید که
برای خواص و عوام قابل استفاده باشد.

هدف تحقیق:

اول: واضع سازی بیت المال در فقه اسلام!

دوم: چگونه گی بیت المال در قانون مالیات افغانستان!

سوم: طرز جمع آوری مالیات افغانستان و نگهداری آن در بیت المال!

مشکلات تحقیق: مشکلات یکه در تحقیق به آن روبرو شدم بسیار بوده اول اینکه بسیار به مشکل توانستم
موضوع را انتخاب کنم چون تمام موضوعات قبلا از طرف محصلان دفاع گردیده بود. مشکل دیگر این
که در وطن ما کتاب خانه ها بسیار کم هستند و بعضی از کتاب های کار آمد محصلان نیست و مشکل
دیگر تحقیق این بود که بنده از جمه طبقه اناث بوده و طفل داری و یک خانواده بدوش هستم مریضی کرونا
مشکل دیگر بود که در این مدت ۲ سال تحقیق با بسیار از چالشها بیشتر از ده ها بار بازدید با استاد رهنما
کردم و تحقیق را ادامه دادم.

خطه و پلان تحقیق: موضوع یکه روی این پایانامه دوره ماستری را نوشته ام شامل چهار فصل است که هر فصل دارای مطالب علمی بوده و موضوعات به قسم واضح و عام فهم تشریح گردیده است که در هر فصل موضوع اول تعریف شده بعد اهمیت آن بیان گردیده و به عین سوال به شکل واضح تشریحات ذکر گردیده است که خواننده از آن مفهوم را به شکل کلی درک می کند.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

این فصل مشتمل بر سه مبحث می‌باشد مبحث اول: تعریف بیت المال و اهمیت آن و مبحث دوم آن بیت المال در مسیر تاریخ و مبحث سوم آن نقش بیت المال در اسلام.

مبحث اول اهمیت و حکمت بیت المال

این مبحث مشتمل بر سه مطلب می‌باشد و مطلب اول تعریف بیت المال و مطلب دوم اهمیت بیت المال ذکر شده است هر کدام آن را به طور مفصل بیان خواهم کرد.

مطلب اول تعریف بیت المال: بیت المال در لغت به مکان حفاظت از اموال، اعم از عمومی و خصوصی اطلاق می‌شود؛^۱ پس از تأسیس نهاد بیت المال، و برقراری دیوانهای اداری، بیت المال به صورت مؤسسه مالی ناظر بر درآمدها و مصارف دولت اسلامی در آمد، و از آن پس نیز، همان مالیه نظام اسلامی (یعنی زکات عشر) بود. این کلمه ترکیبی است مرکب از دو کلمه بیت و مال است.

بیت در لغت:

بیت در لغت به معنی ماوا، (جایگاه، مسکن) مأب (جای باز گشت) تعریف شده؛ مأب به مرجع و مجمع شمول به محل اجتماع افراد معنی شده است. لذا به بیت شعر، بیت گویند چون محل جمع شدن الفاظ بر وزن خاصی است.^۲

مال در لغت

مال چیزی است که مورد توجه انسان قرار گیرد، و انسان بخواهد مالک آن شود این کلمه از مصدر «میل» گرفته شده است، چون مال چیزی است که دل آدمی به سوی آن متمایل میشود.^۳ مال همان سرمایه و ثروت انسان است که در آموزه های دینی از احکام ویژه ای بر خور دار است. چیزی که به بحث ما تعلق می‌گیرد مفهوم و معنی اولی آن است که مفهوم مکان «خزانه» را افاده کند، به این اساس کلمه خزانه به

^۱ ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، جلد اول. تهران: ناشر: انتشارات دفتر تبلیغاتی اسلامی حوزه عملیه قم. ص (۲۲۴)

^۲ یوسفی احمد علی، نظام مالی اسلام، مرکز نشر پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلام طبع اول ۱۳۷۹ ه. ش. ص ۱۷۸

^۳ دکتر خلیل، فرهنگ لاروس عربی به فارسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر تهران طبع

۱۳۱۴ یازدهم ه ش

محل اطلاق میشود که در آن مال جمع آوری و نگهداری شود و خزانه عامه همان جای را میگوید که در آن اموال عامه نگهداری میشود.

بیت المال عبارت از همان مکانی است که اموال عامه مسلمانها در آن نگهداری شود مانند زکات، فی، خمس، غنایم،

ب: معنی اصطلاحی بیت المال: همانگونه که گفته شد مفهوم خزانه عام به تعبیر اهل لغت در میان مسلمانها به کلمه بیت المال اطلاق گردیده است و معلوم است که معنی اصطلاحی غالباً متضمن معنی لغوی بوده و گاهی مفهوم قرائر از معنی لغوی را در بر میگیرد. بیت المال در اصطلاح نام یکی از نهاد های تاریخی دولت اسلامی است اما امروز در زبان فارسی بیت المال به معنی هر مالی است که همه مردم در آن سهم دارند و غالباً به اموال دولتی گفته میشود. اصطلاح حقوقی تعبیر «بیت مال المسلمین» در صدر اسلام برای مکانی که در آن اموال عمومی و منقول، دولت اسلامی بکار می رفت، سپس تعبیر (بیت المال) جانشین آن شد و همان معنی را افاده کرد. به تدریج بر «اموال عمومی مسلمانان» نیز همین لفظ اطلاق شد که مشتمل بود بر وجه نقد، اشیای منقول اراضی و غیر این ها، مراد از مال عمومی، هر مالی است که در سرزمین اسلامی ملک همه مسلمانان شمرده شود بهمین اساس گفته میتوانیم که لفظ «بیت المال» و یا «خزانه عامه» به معنی اصطلاحی اش در برگیرنده معنی عام تری است نسبت به معنی لغوی آن زیرا در معنی اصطلاحی مقصود از بیت المال فقط محل نیست که در آن مال حفظ و نگهداری شود، بلکه اضافه بر آن مفهوم دیگری را نیز در بر دارد که بیانگر آن است، زیرا که بیت المال مثل یک شخصیت معنوی مستقل است که بالای جامعه حقوق معین داشته و در برابر دیگران مسئولیت دارد به این اساس بیت المال را در اصطلاح چنین تعریف نموده اند: بیت در اسلام عبارت است از همان جهت و شعبه که صلاحیت گرفتن و جمع آوری اموالی را از مردم عام دارد که پرداخت نمودن آن با لایشان لازم باشد، و خود نیز در برابر دیگران مسئول و جوابگوی ضروریات و مصالح آنها میباشد.^۶

۴ یوسف ابراهیم یوسف – النفقات العامه فی الاسلام، ص: ۱۲۸.
۵ الزاهد، أحمد. (۱۴۴۵) تاریخ الإسلامی. بیروت: ناشر مکتبه الحقایقه. ص:
۶ مرجع قبلی، ص: ۱

علماء و مجتهدین از عصر های قدیم به این عقیده بودند که بیت المال تنها به محل نگهداری مال عام اطلاق نبوده بلکه مفهوم گسترده تری را در بر میگیرد که همانا صلاحیت و استقلال آن در جمع آوری اموال از مردم عام، سپس توزیع آن در میان آنها و یا نگهداری این اموال در مواقع لزوم دیدحاکم در بیت المال می باشد.

چنانچه همه میدانیم که در عصر نبوت (صلی الله علیه وسلم) جمع آوری اموال از مسلمانها و توزیع آن در محل ضرورت به اساس مصلحت جامعه و برحسب ضرورت شان انجام میشد ولی در آن زمان محلی برای حفظ و نگهداشت اموال بعنوان بیت المال وجود نداشت، زیرا قلت مال از یکسو، ضرورت و تقاضای مردم از سوی دیگر ایجاب آنرا نمیکرد تا چنین محلی برای جمع و تخرین اموال تأسیس گردد، و در زمان بعدی در عصر حضرت ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) چنین محلی برای نگهداری مقداری از اموال در بعض اوقات تأسیس گردید، ولی در زمان حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) بیت المال رونق بیشتر یافته نقش بهتری را بر ساختار جامعه بخود گرفت و بر پایه های وسیع تری تأسیس گردید .

مطلب دوم اهمیت بیت المال :

باید توجه داشت که نقش بیت المال در رشد اقتصاد اسلامی از جایگاه ویژه برخوردار است. هرگاه بیطرفانه در عصر نبوی و خلفای راشدین و بعدها نظر اندازی دقیق بنمائیم به خوبی دیده میشود که بیت المال نقش کلیدی را در دست گیری مردم بیچاره و بینوا بازی نموده و نگاه همگان را به خود عطف نموده بود:

۱- دین اسلام برنامه کاملیست که از جانب پروردگار جهان که جوانب مختلف زندگی بشر را در نظر گرفته، و برای مشکلات آن راه حل ها، قوانین، احکام و طریقه ویژه ارائه نموده، مال و ثروت را که خداوند جل جلاله به خدمت بشر قرار داده هم چنان در استفاده آن راه های مشروع را روشن نموده. مصالح عامه را در نظر گرفته، بهترین قوانین اقتصاد زندگی را تشریح نموده است، چنانچه اسلام از آوان ظهورش به تأسیس بیت المال عمومی و صندوق زکات با در نظر گرفتن همه موارد آن، توجه خاصی نموده، پایه های آن را با وحی الهی مستحکم نموده است، زیرا اسلام میخواهد تا برای همه افراد جامعه زندگی مناسب و آبرومندانه فراهم نماید، حد اقل احتیاجات اصلی زندگی آنان مرفوع باشد، برایشان معیشتی مهیا گردد که مناسب حال ایشان بوده و به ادای فرائض و مسئولیت های شان کمک کرده، از شر

فقر و پیامدهای منفی آن در جامعه جلو گیری نماید، و بالأخره حیات جاویدانی جامعه را تضمین نموده محرومیت ها را از صفحه زندگی بشر محو نماید.^۷

۲. به اساس اهداف والا و شائسته، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در اولین گامهای تشکیل دولت اسلامی نو بنیاد برای اولین بار بیت المال را تأسیس نماید، تا مشکلات اقتصادی جامعه را از طریق آن بر چیند و راه را برای سعادت حیات بشر به بهترین وجه آماده سازد.

۳. بیت المال در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در طول تاریخ مراحل مختلف را طی نموده است قسمیکه در فصل مروری برگزیده موضوع بحث خواهیم نمود بیت المال و موارد آن در ابتدای اسلام نظر به حجم و تعداد مسلمانها و فراهم نبودن شرائط و به اختیار نداشتن بسیاری از موارد بیت المال بدست مسلمانها خیلی کوچک و ناکافی بود، در بسا اوقات مسلمانها و سربازان اسلام در مقابل دشمنان از نداشتن تجهیزات و اسلحه جنگی به مشکلات زیادی مواجه میشدند و پیامبر صلی الله علیه وسلم مسلمانهای ثروتمند را تشویق به پرداختن اموال شان در راه خداوند جل جلاله میکردند.

مطلب سوم حکمت بیت المال:

شاخصه های بیت المال عدالت اقتصادی است. بیت المال بایستی بر اساس عدالت توزیع شود تا از تکاثر و رفاه زدگی جلو گیری شود. قرآن کریم در یک اصل کلی، عدالت مداری را مربوط به جمع می داند و می فرماید (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۗ) ترجمه « ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی بر پا دارنده عدل و قسط باشید و برای خدا شهادت دهید؛ اگر چه علیه خودتان و والدین و فرزندان باشد^۸. عدالت واژه عام است و در همه ارکان زندگی جریان دارد. عدالت، واژه زیبا و گوارایی است که همه مردم آن را دوست دارند و از آن سخن می گویند. این اصل پربرکت موجب پیشرفت جامعه و سر بلندی حکومت است. رعایت عدالت در توزیع بیت المال و رسیدگی به طبقات محروم و آسیب پذیر جامعه، ایجاد توازن اجتماعی کاهش اختلاف طبقاتی و رفع تبعیض های ناروا و موهوم از اصول مهم در منابع بیت المال است. بیت المال، امانتی است در دست کار گزاران و مسئولان که بایستی احتیاط لازم را در مصرف و هزینه کردن آن داشته باشند.

^۷ یوسف القرضاوی - مشكلة الفقر و كيف عالجه الاسلام، ص ۶

^۸ ایه ۱۳۵ سوره نساء

مبحث دوم بیت المال در مسیر تاریخ:

مطلب اول بیت المال قبل از بعثت

الف: اوضاع موارد مالی دولتها و ادارات محلی قبل از اسلام

در جهان قبل از اسلام که از جوامع متمدن امروزی غرب هیچ خبری نبود و ساکنانش در توحش زندگی میکردند، دو امپراطور مستبد حکمفرما بود، امپراطوری روم و امپراطوری فارس بودند که انسانها را تحت سلطه و استبداد سلاطین محکوم نموده بودند و غالباً ثروت و سرمایه در انحصار عده محدود بود که همه اشراف زمین ها کشتی ها و منابع ثروت را به خود اختصاص داده و بقیه مردم که جماعت محتاج و بیچاره بودند در پریشانی بسر میبردند و با دلسردی با دشمن خارجی بدون داشتن اختیار و اراده می جنگیدند و همیشه در انتظار تغییر و انقلاب بودند و برای رهایی خود از چنگال فقر و بردگی تنها یک راه داشتند و آن اینکه بر ثروتمندان حمله کنند و دارائی آنها را از دست شان بگیرند و در میان خود تقسیم کنند. معمولاً در روش سلاطین امپراتوری های آن زمان طبقه منسوب به خاندان سلطنتی بقدری بامردم عادی تفاوت داشتند که جزء بشر معمولی به حساب نمی آمدند و آنقدر در عیش و نوش، و تجمل و ثروت غرق بودند که تاریخ نوین از بیان آنها عاجز است، نمونه آنها را در سلاطین عصر حاضر می بینیم. این ثروت ها، تذبذب ها همه از رنج و زحمت طبقه مستضعف به عناوین مختلف گرفته می شد: از قبیل مالیات سرانه، مالیات درآمد، مالیات اراضی، تحائف، هدایا و غیره که گفته میشود در حدود سی (۳۰) نوع مالیات در آنوقت وجود داشت حتی طبقات بالا از طبقات پائین جزیه میگرفتند و آنها را مصرف بقاء کاخها، تجملات، عیش و نوش، جنگ، کشتار و سلطه بیشتر بر ملل ضعیف میکردند. در سرزمین فارس خسرو انوشیروان اراضی را مساحت کرد و آنها را بر واحد جریب (۲۴۴ متر مربع) تقسیم ساخت و به هر جریب از کشت حبوبات یک درهم و به جریب از تاکستان هشتاد درهم خراج مقرر نمود و نیز برای هر چهار درخت خرما و هر شش درخت زیتون یک درهم مالیات مقرر داشت، و در زمینه مالیات سرانه از کلیه افراد ذکور بین بیست و پنجاه سال به نسبت درآمد سالانه دوازده و یا هشت و یا شش درهم میگرفت.^{۱۱}

۹ عبدالکریم بی آزار شیرازی- رساله نوین مسائل اقتصادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران طبع نهم سال ۱۳۱۲ ه ش، ص: ۳

۱۰ همان مرجع، ص: ۳۴

۱۱ همان مرجع، ص: ۳۴ به نقل از تاریخ طبری جلد ۱، ص: ۹۱۶

اعضای خانواده های سلطنتی و اعیان دولت از پرداخت مالیات معاف بودند و مالیات سرانه از طبقات پائین گرفته می‌شد و عملاً این مالیات نشانه پستی و حقارت اجتماعی بشمار می‌آمد، اما در جزیرت العرب بیشتر موارد و عایدات مالی مستبدان از طریق گذشتن کاروان های تجارتي بود که از شام به یمن و از یمن به شام در رفت و آمد بود، این کاروان ها از مکه عبور میکردند، کعبه و چاه زمزم کاروان های به خود جذب میکرد و کاروان ها میتوانستند در کنار آن استراحت کنند، آب بنوشند و زیارت کنند.^{۱۲}

مهم ترین موارد مالی جزیره العرب قبل از اسلام :

موارد مالی جزیره العرب به نکات ذیل خلاصه میگردد:

- ۱- مرور قافله های تجارتي میان شام و یمن ۲- مضاربت مالی تجارتي ۳- شرکت های مختلط
- ۴- درآمد از طریق قرضها و وام های ربوی ۵- انواع دیگری از استثمار گری در بخش زراعت و حرفه های محلی ۶- استثمار از طریق خرید و فروخت غلام ها و کنیزها.

خلاصه اینکه سرداران و متکبرین قریش در نتیجه اشتغال به تجارت و استفاده های نامشروع ثروتمند شدند و تعدادی از آنها به ثروت های بزرگی رسیدند و مردم ضعیف را برای حمل کار اهاله ها و باربری به خدمت خود در آوردند و همینکه خود را بی نیاز دیدند سر به طغیان بر آوردند و به عیش و نوش پرداختند و جنگ هارا براه انداختند و برای اغفال و سرگرمی مردم آنها را به پرستش بت های چوبی و سنگی، خدایان باطل و بی روح که کاری به ظلم و ستم و تجاوز آنها نداشتند مشغول کردند و خود با خیال آسوده به ربا خواری و احتکار اموال پرداختند.^{۱۳}

۱۲ جرجی، زیدان. (.) ۱۳۶۹ تاریخ تمدن الاسلام، جداول. چاپ ششم، تهران: ناشر: انتشارات الاسلامی. ص ۱
۱۳ عیسی ایوب البارنی، الرقابة المالية فی عهد الرسول و الخلفاء الراشدين، جامعة الدعوة الاسلامیه، طرابلس، اللیبیه، ج:
۶۴-۵۹، م، ص ۱۹۱۶-ه ق ۱۳۹۶: ۱.

مطلب دوم بیت المال در زمان پیامبر اسلام:

بیت المال در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم:

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از آغاز هجرت مدینه المنوره رهبری دینی، سیاسی مردم و جامعه نو بنیاد اسلامی را به عهده گرفت و از نخستین گامهای زعیم دولت اسلامی تشکیل بیت المال و تشریع موارد و منابع آن بود که مهم ترین این منابع عبارت از زکات، صدقات، هدایا، غنایم، جزیه، فئ و غیره بود، که همه این عواید مالی در منابع مالی بیت المال داخل گردید، تا از طریق بیت المال مصارف و نیازمندی های جامعه اسلامی و تأمین خسارات و کمبود های افراد ناتوان و تجهیز غازیان اسلام را بپردازد. در پیمان تعاون و همبستگی اسلامی، بعبارت دیگر در قانون اساسی مدینه که توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم تقویت شده بود، فقره و ماده است که به تأسیس بیت المال عمومی اشاره میکند. در زمان پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بیت المال از راه های متعددی جمع آوری میکرد برای مردم مصرف می کرد. اینکه مسلمانان نیاز مندی را در میان خویش تنها نمیگذارند بلکه در تقدیر و پرداخت دیت <خونبها> بگونه پسندیده با او همکاری میکنند^{۱۴}.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه منوره میان مهاجرین و انصار پیمان برادری را منعقد ساخت و با این پیمان انصار با ایثار و اخوت اسلامی نیم از خانه ها و دارایی خود را به مهاجرین تقدیم داشتند. از جمله کسانی که باهم برادر شدند، سعد بن ربیع انصاری با عبدالرحمن بن عوف بود، پس از انجام این پیمان سعد به عبدالرحمن گفت: (من بیش از همه انصار ثروت دارم که نیم از آن، برای تو باشد و دو همسر دارم، بنگر هر کدام آنها که در نظرت نیکوتر آید، او را نام ببر تا او را طلاق دهم، و چون عده اش بگذرد او را به نکاح خویش در آورد) عبدالرحمن گفت: (خداوند برایت در خانه و مالت برکت دهد بگو که با زار شما کجاست؟) همان بود که او را به بازار بنی قینفاع رهنمائی کرد و مدتی نگذشت که او صاحب مقداری روغن و کشک (قروت) گردید و به تجارت خویش ادامه داد تا آنکه روزی آمد که بر او اثر خوشبوی احساس میشد و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به وی فرمودند: (چه کاری شده؟)!! گفت بلی، ازدواج کردم، فرمود: چقدر برایش مهر قرار دادی؟ گفت: هسته از طلا (معادل پنج درهم).^{۱۵} پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بعد از عقد پیمان به انصار فرمودند: (برادران تان دارایی، اهل و بیت شان را گذاشتند و نزد شما هجرت نمودند) انصار گفتند: دارایی هایمان را

۱۴ صفی الرحمن مبارک پوری، سیرت النبی صلی الله علیه وسلم، ترجمه فارسی الرهیق المختوم، ص: ۳۴۴ و ص: ۱۵ همان مرجع، ص: ۳۴۲ و ص: ۳۴۳ و ابن کثیر عمادالدین، البدایة و النهایة دار ابي حیات، القاهرة طبع اول ۱۴۱۶هـ ق-۱۹۹۶م، ۳-۲۶۴ ج.

میان خویش و برادران مهاجرمان تقسیم میکنیم، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: آیا چاره دیگری غیر از آن بهتر نخواهد بود، انصار گفتند: چاره چیست یا رسول الله؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (آنها مردمی اند که با طرز کار و پیدا گری معرفت ندارند و بهتر است شما از آنها در کارهای باغ داری استفاده نمائید و محصولات میوه را با آنها تقسیم کنید) انصار گفتند: بلی مابه فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم موافقیم^{۱۶}. دولت اسلامی در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم با مصارف محدودی اداره میشد، زیرا که برای مأمورین و کارمندان بطور دائم در دولت معاش وجود نداشت صرف یکعده اشخاص انگشت شماری را در کارهای مخصوص در یک مقطعی از زمان به وظیفه میگذاشتند، چنانچه در وقت فرا رسیدن جمع آوری اموال زکات اشخاص معینی به این وظیفه مقرر میشدند زمانیکه اموال زکات جمع میگردد وظیفه آنها به پایان رسیده و معاش شان قطع میگردد. از جانب دیگر پیامبر صلی الله علیه وسلم در مقابل کفار و مشرکین از مسلمانان میخواستند تا با اسلحه و تجهیزات شان در میدان جهاد برآیند، اگر از صحنه جهاد چیزی را پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش به غنیمت میگرفتند آن را در میان شان تقسیم میکردند، و چنین عمل را در مورد اموال زکات نیز انجام میدادند که آن را در میان مستحقین تقسیم مینمودند. بناءً در آن زمان ضرورت دیده نمیشد تا دولت اسلامی نو بنیاد واردات و مصارف خویش را با همه جزئیاتش توسط مؤسس آن (پیامبر صلی الله علیه وسلم) تنظیم نماید بلکه یگانه مقصد رئیس دولت اسلامی (پیامبر صلی الله علیه وسلم) این بود تا اساسات دولت اسلامی را در چار چوپ شریعت و وحی الهی پایه گذاری نموده در امور مهم و ضروری دولت باندیشد و جزئیات امور را بدوش خلفای بعدی و زمامداران صالح آینده این دولت بگذارند. چنانچه در مورد بیت المال پیامبر صلی الله علیه وسلم عوائد عمده و مهم آن را تعیین نموده راه های مصارف آن را نیز نشان داده است. بنابراین همین اساس گفته میتوانیم که بیت المال به معنای موجودیت معنوی اش در اولین گامهای تأسیس دولت اسلامی بنا نمود ولی مکان مخصوص در آن زمان بعنوان بیت المال گرفته نشده بود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم بنا بر اساس ضرورت جامعه و مردم هر آنچیزیکه از طریق موارد بیت المال بدست میآوردند، برای مستحقین توزیع مینمودند و موقع آن نبود تا قسمتی از این موارد آنرا در جای مخصوص نگهداری نمایند.^{۱۷}

^{۱۶} البداية والنهاية، جلد: ۳، ص: ۲

^{۱۷} الرقابة المالية في عهد الرسول و الخلفاء الراشدين، ص: ۴۲۶ و نیز عبدالکریم بی آزار شیرازی مسائل اقتصادی، ص ۲۷۰

مطلب سوم بیت المال در زمان صحابه و تابعین:

۱- خلافت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و بیت المال: خلیفه اول ابوبکر رضی الله عنه نیز به همان منهج و روش پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد جمع آوری اموال بیت المال و توزیع آن میان مستحقین عمل میکرد. عمده ترین خدمتی را که ابوبکر صدیق رضی الله عنه به دولت اسلامی انجام داده جلوگیری از ارتداد دینی قبایل عرب و تأدیب نمودن مانعین زکات (جنگ اقتصادی) بوده است. به مجردیکه پیامبر صلی الله علیه و سلم وفات میکند و ابوبکر رضی الله عنه به خلافت بیعت میشود قبائلی که جدیداً به اسلام روی آورده بودند و در حقیقت از اسلام چیزی نه آموخته بودند، از یک رکن بزرگ اسلام (پرداختن زکات) انکار نمودند، ابوبکر رضی الله عنه با قاطعیت تمام علیه آنها اعلام جنگ نموده مسلمانان را به جهاد علیه مرتدین زکات امر نمود که در نتیجه پیروزمندانه ازین معضله خطرناک بیرون آمد. اما منابع بیت المال در زمان خلافت ابوبکر رضی الله عنه نیز همان منابعی بود که در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم تهداب گذاری شده بود و کدام منابع دیگری به آن اضافه نگردید و برای اولین بار ابوبکر رضی الله عنه خانه ای را در کنار مسکن خویش بخاطر جمع آوری اموال بیت المال در مدینه منوره تعیین نمود.^{۱۸}

۲- خلافت عمر رضی الله عنه و بیت المال:

عصر خلافت عمر رضی الله عنه شاهد تحولات چشمگیری بود چه در ساحت نظامی، سیاسی و چه در ساحت اقتصادی درین عصر در قلمرو دولت اسلامی وسعت زیادی آمد مناطق فارس و روم بدست مسلمانان فتح شد، واردات دولت اعم از غنایم، خراج، عشور، فئ و جزیه بی حد زیاد شد، برای خلیفه وقت حضرت عمر رضی الله عنه ضرورت احساس شد تا در مورد تنظیم و احصائیه واردات و مصارف دولت تدابیری را سنجید و در همین راستا برای اولین بار بیت المال را بمنظور محافظ و نگهداشتن اموال مسلمانان بطور منظم همراه با دیوان احصائیه گیری آن پیایه گذاری نمود، تا ازین طریق دخل دولت را از موارد متعدد آن احصائیه و مقادیر معارف دولت را تنظیم نماید، و در عین حال برای سربازان، والیان، و سائر کارمندان دولت معاش تعیین نموده و مصارف دیگری را برای رفاه جامعه و مردم از طریق بیت المال پیش بینی میکرد ازینکه حضرت عمر رضی الله عنه برای اولین بار دیوان های احصائیه موارد بیت المال را تأسیس نموده اکثر مؤرخین عقیده دارند که او یگانه خلیفه بود

^{۱۸} لرقابة المالية في عهد الرسول و الخلفاء الراشدين، ص: ۳۳۴

نظام دفتری و دیوان را تأسیس نموده است گرچند عده برین نظر اند که نظام دیوان از قبل وجود داشته ولی عمررضی الله عنه آن را رونق بهتر داده است.^{۱۹} بنا بر اساس روایت مؤرخین شهکاریهای را که خلیفه دوم در بخش بیت المال و موارد آن نموده است بطور خلاصه و فشرده چنین ملاحظه میکنیم.

- ۱- تأسیس بیت المال مرکزی در زمان خلافت اسلامی در مدینه منوره.
- ۲- تعیین خراج بر زارعین سرزمین های مفتوحه بعد از مساحت نمودن زمین های شان طبق نوعیت زراعت و محصولات زراعتی آنها.

- ۳- سر شماری ساکنان سرزمین های مفتوحه و تعیین جزیه (مالیات سرانه) بر اهل رومه (ملتهای غیر مسلمان که در تحت چتر اسلام به امان زندگی میکردند) بر اساس توانمندی اقتصادی این گونه افراد.
- ۴- تعیین مراکز گمرکی بخاطر جمع آوری عضو و نهادن قوانین و مقررات در مورد آن.
- ۵- تأسیس دیوان و نظام دولتی بخاطر احصائیه گیری موارد و مصارف بیت المال، و غیره اموری که سبب رشد و رفاه اقتصادی خلافت اسلامی در آن زمان گردید که گنجاندن آن را درین مبحث لازم ندیدیم.

۳ خلافت حضرت عثمان (رضی الله عنه) و بیت المال: جای شک و تردیدی نیست که حضرت عثمان رضی الله عنه فضائل و کارنامه های بزرگی در تاریخ اسلام دارد و لی مقررات الهی بر آن بود که بعد از خلافت حضرت عمررضی الله عنه که در اداره و نظام خلافت با صلاحیت و قاطعیت و عدالت شهرت داشت حضرت عثمان (رضی الله عنه) با داشتن طبیعت رحم دلی سخاوت و گذشت زمام خلافت را بدوش گرفت تعیین شدن عثمانرضی الله عنه بعنوان خلیفه زمینه را برای فرصت طلبان و استفاده جویان مناسب قرار داد گویا که راه سهولت و آسانی بعد از گذشت دوره خلافت سخت گیرانه عمررضی الله عنه بر والیان و مسئولین اداری خلافت باز گردیده و آن ترس و حراس از خلیف دوم در مورد باز پرسى داشتند از میان برداشته شد.

عثمان رضی الله عنه در سن کهن (۴۱ سالگی) بیعت شد و یگانه سبب اعتماد نمودن بر مشاورین و والیان و همکارانش که از اقارب و نزدیکانش اختیار شده بودند همانا بلند بودن عمرش بوده است و این باعث شده تا از اقارب خود در امور اداره دولت استعانت بخواد با وجدیکه آنها در وظائف شان کفایت داشتند ولی درعین حال همانگونه که لازم بود از خلیفه ترس و بیم در مواقع تحلف ورزی

^{۱۹} همان مرجع قبلی، ص: ۳۴۱-۳۴۲

شان نداشتند چنانچه والیان و مؤظفین دولت از زمان خلافت عمر رضی الله عنه از او بیم داشتند و از جزئی ترین تخلف شان تحت باز پرسسی و محاکمه قرار میگرفتند. و این نتیجه آسان گری بود که بر مسلمانان مصائب و آلام فروانی را بجا گذاشت و عثمان رضی الله عنه چه در زمان قبل از اسلام و چه بعد از مشرف شدن به اسلام شخص ثروتمندی بود که در سخاوت و ایثار نمودن آموزش در راه دعوت و خدمت مسلمانان شهرت و مقام خاصی را داشت و به خصلت بذل و عطا عادت نهفته بود طبعاً کسیکه در مال شخصی خود هیچ نوع دریغ نکند و سخاوت عادت داشته باشد چنین خصلت و طبیعت را در حالت قدرت و خلافت بدون اینکه متوجه عواقب آن گردد نیز ادامه خواهد داد و این امر باعث شد تا در میان والیان و حاکمان افراد پیداشود که از نرمیش و سخاوت عثمان رضی الله عنه سوئی استفاده نموده خلافت اسلامی را بسوئی طوفان انحرافات مالی و ارادی بکشاند و منجر به رکود اقتصادی شود و بالأخره سبب بغاوت و سرکشی عده از مردم گردیده و خلیفه مسلمانان مظلومانه به شهادت میرسد.^{۲۰}

۴- خلافت حضرت علی (رضی الله عنه) و بیت المال: بعد از شهادت حضرت عثمان (رضی الله عنه)، از جانب عده از مسلمانان حضرت علی (رضی الله عنه) ناخواسته به خلافت بیعت شد. باوجودیکه حضرت علی (رضی الله عنه) در شرائط دشوار و ماحول از هم پاشیدگی ارادات و موجودیت اختلافات میان مسلمانان ما به این مسند تکیه زد خیلی ها مشکل بعد تابگونه شایسته عدالت را در هم امور تطبیق نماید، مگر حضرت علی (رضی الله عنه) در نتیجه حریص بودنش در راه تحمیم عدالت اجتماعی حتی یکروز هم از مراقبت دقیق در امور مسلمانان و نگهداشت اموال بیت املاال غفلت نمود همواره با قاطعیت تمام از احوال و کیفیت زنده گی و رویه والیان و مسئولین دولتی و کار های اداری آنها مراقبت شدید نموده آنان را در تطبیق عدالت توحید مینمود.^{۲۱} و بزرگترین کارهای را حضرت علی (رضی الله عنه) در مسیر تقویه بیت المال انجام داده چنین خلاصه میشود.

۱- حضرت علی (رضی الله عنه) در مورد تنظیم و جمع آوری خراج و مالیات توجه بیشتر داشت بر والیان و زمامداران هدایت میداد تا خراج و مالیات را دقیقاً تحت نظر داشته باشد.

^{۲۰} الرقابة المالية في عهد الرسول و الخلفاء الراشدين، ص: ۳۹۳ ۳۹۶

^{۲۱} همان مرجع قبلی، ص: ۳۹۳ ۳۹۴

۲- در مورد حفاظت اموال بیت المال همیشه به مسئولین امور توحید به تقوی و ادای مسئولیت در برابر خداوند متعال مینمود آنها را از استفاده نا مشروع بیت المال بر حذر میداشت.

۳- در مورد مقدار خراج ومالیات مصالح رعیت را در نظر میگرفت.

۴- والیان خویش را همواره متوجه مال مالیات دهندگان میساخت زیرا که در بهبودی وضع مالیات و حال مالیات دهنده گان، بهبودی حال دیگران نهفته است و هر که دیگران به صلاح در آسائیش نمیرسند جز اینکه خراج دهند گان و مالیات دهند گان در صالح و رفاه بسر برند زیرا که مردم همه عیال و نان خوار خراج گذاران و مالیات مالیات دهندگان است^{۲۲}.

د: بیت المال و عصر خلافت امویان: در طول دوره خلافت امویان در مراحل مختلف بیت المال راه های فراز و نشیب را پشت سر گذاشت گاهی در اثر ظلم حکام، و اسراف و تبذیر آنها بیت المال و جامعه حالت بدی را بخود میگرفت و گاهی هم در نتیجه رعایت عدالت و پیروی از روش اقتصادی اسلامی جامعه و بیت المال مسلمانان به اوج رفاه و توانمندی مالی و اقتصادی رسیده بودند. چنانچه در عصر خلافت را شد عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه در سایر عدالت و با استفاده از منابع غنی بیت المال اسلامی اقتصادی جامعه و دولت را چنان رونق و ترقی بخشید که در تاریخ بشریت همانندش نگذشته حتی که نوشته اند: نمائنده وی یحیی بن سعید پس از گرد آوری زکات و خراج در نواحی افریقا فقیر و نیازمندی در آن سرزمین نیافت تا آن مالیات هارا بمصرف شان برساند، ازین رو از امیرالمؤمنین عمر بن عبدالعزیز هدایت خواست که پول ها را به چه مصرف برساند امیر المؤمنین فرمان داد تا به پول های آن هزاران برده را خریداری و آزاد کند.

ه : وضعیت بیت المال در عصر خلافت عباسی ها:

در زمان خلفای عباسی در آن موقع که جامعه اسلامی در مترقی ترین زمان هایش از کشور چین تا هسپانیا گسترش یافته بود و تمام اطراف دریای مدیترانه در زیر پرچم اسلام بسر میبردند، درین سرزمین وسیع اسلامی ملت های گوناگون از نژاد های مختلف زنده گی میکردند و نظام اقتصادی اسلام بخوبی تکافل اجتماعی این توده عظیم را تنظیم مینمود و هیچ گاه احتیاجش به قوانین غیر اسلامی و بیگانگان دیده نشد درین عصر در موارد بیت المال و اسباب رشد اقتصاد جامعه توجه عظیم صورت گرفت چه در ساحه زراعت و آبیاری و چه در میدان صفت و تجارت و چه هم در امور تنظیم اراده مالی اعم از درآمد و مصرف و صدها امور دیگر دولت و جامعه درین مرحله به توازن

^{۲۲} الرقابة المالية في عهد الرسول والخلفاء الراشدين، ص: ۲۶، و نیز عبدالکریم بی آزار شیرازی مسائل اقتصادی، ص: ۴۴-۴۶

دخل و خرج دولت عنایت فراوان می‌شود و دیوان دریافت که در آمد دولت را جمع می‌کرد از پرداخت جدا بود هر ولایت دیوان خراج خاصی داشت که تابع دیوان بغداد یا ساکره بود. دیوان ولایت دو قسمت داشت: یکی در آمد ها را می‌گرفت و دیگری بر مخارج نظارت می‌کرد و بازار در آمد را به بغداد می‌فرستاد و بیت المال بغداد بر همه دیوان ها نظارت داشت^{۲۳}.

مطلب چهارم بیت المال در عصر حاضر:

منابع در آمد بیت المال درین عصر: زکات و عشر ۲- جزیه ۳- خراج ۴- صدقات فطر ۵- مالیات کشتی رانی و ماهی گیری ۶- مالیات کشتی های تجاری %۲۴ - ۱- معادن ۱- حقوق گمرکی ۹- در آمد دار الضرب (جای سکه زدن پول و یا ضراب خانه درم سرا) ۱۴- مستغلات (عبارت از دار آمد های انجام شده ۱۱ -) مالیات ضایع (از چیز های که بیکاره شده باشد و غیره^{۲۴}.

مبحث سوم نقش بیت المال در اسلام:

مطلب اول نقش اقتصادی : یکی از بزرگترین اهداف هر دولتی، ایجاد توسعه اقتصادی و رفاه جامعه است. توسعه اقتصادی از این جهت اهمیت پیدا کرده است، که زندگی روزمره مردم متأثر از آن است و هر نوع تصمیمی که بر توسعه اقتصادی کشورها اثرگذار باشد، سریعاً در زندگی مردم خود را نشان می‌دهد. حکومت اسلامی هم از این قاعده مستثنی نبوده و لذا الله متعال برایش نظامی را ایجاد کرده است، که به واسطه آن فضای اقتصادی و معیشتی مناسبی را برای ملت و مردمش به وجود می‌آورد. بیت المال به عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصادی اسلام نقش مهمی در اقتصاد بخش عمومی اسلامی بر عهده دارد. رشد اقتصاد جامعه از طریق پیشبرد اقتصاد اسلامی، مرهون الزاماتی است که بدون آنها این امر به نتیجه مطلوب خود نمی‌رسد.

۱- فراهم سازی بستر های اقتصادی

فعالیت های اقتصادی در هر جامعه ای متأثر از فرهنگ، سیاست، اعتقادات، روابط اجتماعی و..... است در هر کشوری که بسترهای قانونی، فرهنگی و..... مهیاتر باشد، امکان بهبود فعالیت های اقتصادی بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، آماده سازی بسترهای اقتصادی، پایه و زیربنای تحقق اقتصاد سالم در یک کشور است. بنابر این بر اساس آیین مقدس اسلام و آیات و روایات موجود، میتوان به

^{۲۳} عبدالکریم بی آزار شیرازی - رساله نوین سائل اقتصادی، ص: ۵۳
^{۲۴} عبدالکریم بی آزار شیرازی رساله نوین سائل اقتصادی، ص: ۵۶-۵۳

برخی از مبانی اعتقادی و فرهنگی که در مهیاسازی بستر های اقتصادی اهمیت دارد ، اشاره کرد^{۲۵}:

۲- عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی چیزی غیر از تعادل اقتصادی است و دلیل ناکام ماندن بسیاری از تیوری های اقتصادی در جهت تامین عدالت اقتصادی، برابر دانستن مفهوم عدالت و تعادل بوده است، در صورتی که بسیاری از تعادل های اقتصادی موجب پرورش کف طبقاتی و محروم شدن عده ای از حقوق شان گردیده است.^{۲۶} فلسفه آفرینش ثروت های طبیعی این است که انسان از آن بهره برداری کند. در بینش قرآن ، انسان موظف است که توان همه جانبه خود را به کار گیرد تا از طریق چیرگی بر طبیعت، نیاز های گوناگون مادی خویش را بر آورده سازد. بنابراین این منابع طبیعی هر چند از ثروت های ملی محسوب میشود ، ولی همگان نسبت به استفاده از آنها حق دارند عدالت اقتصادی ، لازمه و جزئی از عدالت اجتماعی است و به مفهوم قسط در اسلام نزدیک تر است. عدالت اقتصادی به حق سهم بردن از ثروت ها و در امد های جامعه می پردازد و وقتی این نوع عدالت در جامعه پدید می آید که هر کس به حق خود در این زمینه دست پیدا کند ، برترین و والاترین تعریفی که میتوان در این زمینه ارایه کرد ، عدالت اقتصادی به معنای نقش آفرینی همگان در تولید ثروت ملی و بهره مندی یکایک افراد جامعه از ثروت به دست آمده است. عدالت اقتصادی ایجاب می کند هر کس به حق خود قانع باشد و از تجاوز به حقوق مالی دیگران بپرهیز ، خداوند (جل جلاله) در قرآن کریم مومنان را به رعایت اقتصادی فرمان داده است : *وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ*^{۲۷} ترجمه: وای قوم من پیمانانه و ترازو را به داد تمام دهید، حقوق مردم را کم ندهید و در زمین فساد نکنید. خداوند (جل جلاله) به اندازه نیاز انسان ها ، نیازمندی هایشان را در اختیار شان قرار داده ، اما این خود انسان ها هستند که با ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر ، فقر و بی عدالتی را پدید می آورند.^{۲۸}

^{۲۵} جعفرزاده، علی رضا، الزامات و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن کریم، چاپ اول تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۵ هـ ش ص ۴۹

^{۲۶} کرمی، محمد مهدی و نبی زاده، محمدپورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، چاپ پانزدهم، قم، انتشارات گل های قم، ۱۳۹۴ هـ ش. ص ۱۷۸

^{۲۷} ۴۱ سوره هود آیه ۷۵

^{۲۸} ابو الفتوح بسیونی، سعید محمد، الحرية الاقتصادية في الاسلام و اثرها في التنمية، دار الوفاء للطباعة و النشر و التوزيع، المنصورة مجمع اول ۱۴۰۸ هـ ق، ۱۹۸۸

۳- عوامل موفقیت و رشد جامعه در اقتصاد اسلامی

از آنجا که از منظر قرآن، عوامل رشد و شکوفایی اقتصادی محدود به فعالیت‌های مادی انسان یا امکانات مادی و ملکی صرف نیست، بلکه فعالیت های معنوی و ملکوتی انسان نیز نقش تعیین کننده دارد، بنابراین نمیتوان عوامل را در امکانات مادی و ملکی محدود کرد. بر همین اساس عوامل رشد را میتوان به دو دسته مادی و معنوی دسته بندی کرد. همچنین باید توجه داشت که برای تحقق رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی که مطلوب قرآن است، عواملی به عنوان بایسته ها و یا شایسته ها به عنوان مقتضی تام یا ناقص نقش دارد؛ چنانکه موانعی نیز وجود دارد که باید آنها را به عنوان مانع تام یا ناقص شناخت و مانع زدایی کرد. این موانع نیز به عنوان نابایسته ها و ناشایسته ها شناخته میشود و قرآن به آنها نیز اشاره کرده است. به سخن دیگر، در تحقق رشد اقتصادی واقعی باید عوامل مقتضی واجب و مستحب و نیز موانع محرم و مکروه را شناخت و بر اساس آن عمل کرد و برنامه ریزی درست ارائه داد و به کار گرفت. موفقیت در عرصه اقتصاد اسلامی، مرهون عواملی است که بدون آنها، این مهم به نتیجه نمی رسد، مهترین این عوامل، عوامل معنوی و عوامل مادی است که در ادامه با جزییات آن ها بیشتر آشنا میشویم.

مطلب دوم- نقش اجتماعی بیت المال: نقش اجتماعی بیت المال اینکه اگر دولت به رکود اقتصادی مواجه شود موجودیت بیت المال نمی ماند به رکود اقتصادی موجه شود و بزرگترین راه درآمد دولت از راه زکات میباشد که به گرفتن زکات دولتها می تواند مخارج دولتی خود را تامین نماید. زکات بعنوان نظام و برنامه بزرگ اجتماعی در اسلام جهت تأمین زندگی افراد جامعه کارهای سترگی را انجام میدهد، شایسته است که اسلام همانا عظمت و بزرگی که دارد چنین برنامه نجات بخشی از خود داشته باشد، این برنامه فراگیر عجز و ناتوانی افراد را به معالجه گرفته نیاز مندی های آنان را بر آورده میسازد، زکات در حقیقت رشته ای محکمی است میان طبقات ثروتمندان و مستمندان، آنها را با همدیگر نزدیک نموده باهم مرتبط میسازد، تضامن اجتماعی را برقرار میکند، و در سایه این نظام حاجات فقراء، مساکین و درماندگان بر آورده میگردد، دین غرامت دیدگان پرداخته میشود، بوسیله زکات ریشه های عداوت و بد امنی برچیده میشود دیگر جای برای بغض و حسد در جامعه باقی نمی ماند نیز با اموال زکات گروه مصلحین در راستای کارشان تجهیز و تشویق میشوند تا کارهای بیشتری را در زمینه انجام دهند، صلح و امنیت دائمی را برقرار نمایند، چنانچه زکات مشکلات مختلف جامعه را حل نموده و مردم را به رسیدن به

اهداف علیای انسانی یاری می رساند^{۲۹}. با روشنائی آنچه که گفته شد تأثیرات اجتماعی زکات را در نکات ذیل بحث میکنیم:

- ۱- آثار زکات در نزدیک ساختن طبقات جامعه (تکافل اجتماعی)
- ۲- آثار زکات در حل مشکلات گوناگون جامعه از قبیل مشکل فقر، بیکاری، نا امنی، بی سر پناهی، نا توانی، افلاس و ازدواج و غیره .

مطلب سوم بیت المال نقش تعاونی (در نزدیک ساختن طبقات جامعه) : با توجه به اینکه اسلام به صورت یک مکتب صرفاً اخلاقی، و یا فلسفی و اعتقادی، ظهور نکرد، بلکه بعنوان یک دین جامع و کامل که تمام نیازمندی های مادی و معنوی انسان در آن پیش بینی شده، پایه عرصه ظهور گذاشت، و نیز با توجه به اینکه اسلام توجه خاصی به حمایت از محرومان و مبارزه با فاصله طبقاتی دارد، روشن میگردد، که زکات بعنوان مهمترین منبع عایداتی بیت المال نقش ارزنده ای را درین راستا داشته است. شکی نیست که هر جامعه دارای افرادی از کار افتاده، فقیران، یتیمان بی سرپرست، معلولین و امثال آنها میباشد، که باید از طرف دولت و ثروتمندان جامعه مورد حمایت قرار گیرند، که زکات یکی از وسایل آن است. از سوی دیگر ملاحظه میشود، که قرآن کریم مسئولیت جمع آوری و توزیع زکات را بدوش ولی الامر مسمانها گذاشته، که این موضوع بیان گر این مطلب است که اسلام بعنوان یک دین کامل و دین اجتماعی اولین بر نامه اجتماعی و اقتصادی اش را برجهانیان اعلان داشته خطاب به پیامبر نموده میفرماید: **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**^{۳۰}. از دارائیهایشان زکات بگیر. (سپس مستحقین آنرا مشخص نموده میفرماید: **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ**^{۳۱}) صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن است) بمحض تلاوت هر دو آیات قرآنی به ذهن همگان این مفهوم متبلور میگردد، که جمع آوری و توزیع زکات از وظایف مهم دولت میباشد چنانچه در آیه اول کلمه (خذ) که امر به پیامبر صلی الله علیه وسلم سپس به اولیای امور به گرفتن زکات از ثروتمندان است و در آیه دوم کلمه **وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا** بخششی از زکات به کارمندان آن، گواه بر آن است که چنین اداره ای را تنها دولت میتواند تشکیل دهد و اگر قرار بود که ثروتمندان هر کدام زکات شانرا خود شان به مستحقین بدهند ضرورتی به تعیین نمودن حصه از

^{۲۹} الرقابة المالية في عهد الرسول والخلفاء الراشدين، ص ۱۲۳

^{۳۰} التوبة/ ۱۰۳ .

^{۳۱} التوبة/ ۶۰ - ۳۱

زکات به عاملین نبود بناءً توزیع آن نیز از وظایف دولت بشمار می رود. از سوی دیگر زکات در پهلوی آنکه یک فریضه اسلامی افراد جامعه است، یک فعالیت اجتماعی و دولتی نیز میباشد، ولی الامر که زمام امور جامعه را در اختیار دارد مکلف بدان است تا دقیقاً از جمع آوری و توزیع زکات نظارت کند و حتی اگر افرادی از دادن زکات ابا و رزند با استفاده از قوه اجرائیه باید از آنها زکات شان را بگیرد چنانچه خلیفه اول با مانعین زکات عمل کرد^{۳۲}. اسلام با احکام و قوانین و راه های عملی و اندرزهای تشویق کننده و بیم دهنده در مورد فریضه زکات عمل نموده تا بوسیله آن مسافه را میان طبقه ثروتمند و مستمند کم ساخته و آنها را با هم نزدیک کند، از سرکشی و طغیان سر مایه داران جلو گیری نموده سطح زندگی فقراء را بالا ببرد. زکات یکی از قوی ترین وسایل نزدیک ساختن هر دو طبقه متضاد است، کمترین چیزیکه زکات برای تحقق بخشیدن آن سعی میورزد آنست که مستمندان و بی نوایانی که از زندگی مناسبی محروم و به طعام، لباس و منزل محتاج اند نجات دهد و در نهایت سطح معیشت فقیران را ارتقا، میدهد تا به طبقه اول (ثروتمندان) نزدیک شوند و در صف آنها قرار گیرند. سید قطب شهید در زمینه چنین مینویسد: (اسلام اختلاف طبقاتی بین مردم را بد می داند که عده ای در سطح عیاشی و منعمیت به سر برند و دسته ای در سطح تنگدستی، و این تنگدستی به حد محرومیت و گرسنگی و برهنگی برسد، این گونه مردم مسلمان محسوب نمی شوند. پیامبر میفرماید: { لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ }^{۳۳}. اسلام دین اختلاف طبقاتی را زشت میداند، چون در پشت سر کینه ها و حسد های دارد که ارکان جامعه را متزلزل می سازد و چون در آن، خود خواهی و سنگدلی و حرصی است که جان و دل را فاسد می سازد و بینوایان را مجبور می کند که یا به طرف دزدی و غصب و یا به سوی ذلت و از دست دادن و فروش شرافت و عزت شان بروند و همه اینها قوانین زکات را آورده و آنرا فریضه مالی و حقی برای مستحقین قرار داده تا منتی از طرف زکات دهندگان نباشد، و برای آن در مال حدی معین کرد که همه مالداران موظف باشند در پرداخت آن شرکت کنند^{۳۴}. با این گونه می بینیم که اسلام به هدف توزیع عادلانه ثروت و نزدیک ساختن مردم با همدیگر و رفع تفاوت های گروهی در جامعه سعی می ورزد، اسلام از طریق فریضه، زکات و بر نامه های اقتصادی دیگر (فئ، غنیمت و غیره) توازن اقتصادی را در جامعه بر قرار می سازد چنانچه قرآن کریم در رابطه به توزیع فئ چنین ارشاد می فرماید:

^{۳۲} همان اثر صفحه ۱۶۲

^{۳۳} حدیث فوق در صفحه ۳۶ ترجمه و تخریح شده است.

^{۳۴} عدالت اجتماعی، ص: ۲۱۹

(مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ) .^{۳۰} آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریهها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راهماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نشود. (پیامبر اکرم نیز طبق فرمان الهی این اصل را در توزیع اموالی که از قبیله بنی نضیر مسلمانها بدست آورده بودند تطبیق نموده فقط برای مهاجرینی که از خانه و کاشانه شان بیرون کرده شده بودند تقسیم کرد، جز دو نفر از انصار که فقیر و محتاج بودند چیزی به اهل مدینه ندادند. از سوی دیگر اسلام به ملکیت فردی و تفاوت‌های ارزاق و برتری یکی بر دیگر اعتراف دارد و این بدان معنی نیست که اسلام خواهان تمرکز ثروت نزد عده ای محدودی از مردم باشد و دیگران در اوج فقر و محرومیت بسر برند، بلکه اسلام خواهان تعادل اقتصادی در جامعه است. بدین اساس زکات در اسلام برنامه ایست که بوسیله آن به فقیران دست گیری میشود، تا زمینه کار و فعالیت برایشان مساعد شود و توسط زکات آنها به پا می ایستند و بخود اعتماد میکنند، از همین جهت می بینیم که برای کسانی داده میشود که از کار عاجز بوده و یا قدرت بدست آوردن مایحتاج خود و فامیل‌های شانرا ندارند و به این ترتیب دیده میشود که زکات توازن طبقاتی را حفظ نموده جامعه را از شر کشمکش‌های بی عدالتی و محرومیت نجات داده روحیه تکافل و تضامن اجتماعی را میان مردم زنده میکند تا همه در پهلوی یکدیگر برادر وار زندگی کنند.^{۳۶}

مطلب چهارم نقش بیت المال در برابری: از نقطه نظر نظام اجتماعی در اسلام، بیت المال نه تنها تأثیرات خوبی در زدودن ریشه های فقر و نزدیک ساختن طبقه مستمند با گروه ثروتمند داشته، بلکه در پهلوی آن بسا مشکلات دیگر جامعه را حل نموده امت اسلامی را بسوی رفاه معیشتی، تحکیم اخوت اسلامی، تکافل اجتماعی و تأمین امنیت کشانده است، لذا نکات ذیل را در رابطه به آثار زکات در حل مشکلات جامعه مطرح می نمایم:

الف- استقلالیت بیت المال: همه میدانیم، که بیت المال زکات از بیت المال عمومی استقلالیت کامل داشته و به هیچ صورتی به آن خلط نمی شود، از اینرو زکات با استقلالیتی که دارد، با توجه به جهت های مشخص مصارفش، بخش‌های مهمی از مشکلات جامعه را حل میکند.

ب- اگر به مدارک عایداتی زکات توجه کنیم در خواهیم یافت که عایدات مالی زکات سرمایه قابل توجهی

^{۳۰} الحشر/ ۷.

^{۳۶} الرقابة المالية في عهد الرسول و الخلفاء الراشدين، ص ۱۲۳

را تشکیل میدهد که عبارت از (۲,۵٪) سرمایه کل امت اسلامی میباشد و این مقدار غیر از زکات حیوانات و حاصلات زراعتی است که اینها نیز به حساب خود جایگاه ویژه ای دارند. حالا اگر ما با خود یک محاسبه مختصری داشته باشیم و فرض کنیم که در یک کشوری که از چهل میلیون نفوس آن اقلای یک میلیون آن زکات بپردازند چه مقدار سرمایه را تشکیل خواهد داد، سپس حاصل ضرب را با تعداد اغنیاء همه مسلمانهای جهان ضرب کنیم مقدار آن به چند خواهد رسید؟ بدون شک اگر مسلمانها حکومتی داشته باشند و این حکومت طبق بر نامه ای که اسلام برایشان آورده است، عمل کنند زکات را از ثروتمندان امت اسلامی جمع آوری نموده و در راه مصالح آن بمصرف برسانند، هیچ مشکلی بر سر راه مسلمانها باقی نخواهد ماند، چنانچه در گذشته ها تاریخ اسلام آنرا ثابت نموده است. ج- با این سرمایه بزرگ میتوان اکثر مشکلات جامعه چون فقر، بیکاری، ناتوانی، افلاس، مسکن، ازدواج و غیره را حل کرد، که با استفاده از این سرمایه میتوان کار خانه های را تأسیس نموده و آنرا به ملکیت قشر فقیر قرار داد و در آن افراد بیکار و بی سرنوشتی را مصروف کار نموده منافع و عواید مالی آنرا در مصالح فقراء مساکین یتیمان و محصلین محتاج بمصرف رسانید. و در اینجا این نظریه نیز مطرح می شود که باید با بخشی از این سرمایه (اموال بیت المال) بطور بلاعوض برای افرادی که پیشه و کسب دارند ولی قدرت خریداری وسایل پیشه خویش را ندارند باید وسایل و لوازم کسب شان تهیه گردد و در زمره آنها دهاقین و زارعینی که به وسایل و لوازم زراعتی ضرورت دارند نیز شامل اند و حتی کسانی که توانائی و تجربه خوبی در کشاورزی دارند ولی زمین صالح الزراعت در اختیار ندارند، حکومت اسلامی مکلفیت دارد تا با استفاده از اموال بیت المال زمینهای بایر را اصلاح نموده و به خدمت چنین افراد مسلکی بیکار بگذارد، زیرا با چنین روش از یکطرف افراد بیکار بکار افتاده میزان تولید و ۲۱ در آمد در جامعه افزایش می یابد و از سوی دیگر جامعه از بیکاری افراد و قلت مواد اولیه نجات می یابد که در نتیجه اثرات منفی و ناگواری که فقر و بیکاری از خود بجای می گذارد محو میگردد که در نتیجه جامعه از امنیت و سلامتی کامل بر خوردار میگردد. در صورتیکه در بیت المال زکات توانمندی دیده شود نظریات علماء احناف بر آن است که با استفاده از این سرمایه باید برای بی سرپناهان مسکن تهیه شود و برای جوانانیکه قدرت پرداخت مالی ازدواج را ندارند مصارف ازدواج و نفقه عیال شان پرداخته شود و اگر از این مدرک و مدارک دیگریکه مصلحتی در آن باشد مدیون میشوند، دین شان پرداخته شود و از افلاس نجات داده شوند. و بدین ترتیب دیده میشود که اگر نظام جمع آوری و توزیع زکات بصورت درست و عادلانه تطبیق شود و قضایای مطرح شده فوق باهمه جزئیاتش مراعات گردد، دیگر جای برای موجودیت مشکلات متذکره باقی

نخواهد ماند، و بدون تردید در کمترین مدت همه مشکلات جامعه در سایه این نظام حل میگردد. اسلام با وجود آنکه با تشریح فریضه زکات، مشکلات بنیادی جامعه را حل نموده ولی به آن اکتفا نکرده است بلکه در کنار آن، نظام صدقات اختیاری، کفارات، نذرها، وقف، خراج، جزیه، خمس غنیمت، فئ و غیره را جهت رفاه و ترقی جامعه لازم دانسته تا هیچ مشکلی در جامعه باقی نمانده همه ای امت در یک فضای سعادت مند زندگی کنند.

فصل دوم

موارد بیت المال از زکات

موارد بیت المال در اسلام یک بحث بسیار واسیع میباشد اما از آنجاییکه زکات بحث مهم آنرا تشکیل می دهد در اینجا خواستم یک فصل را مختص در باره موارد بیت المال از زکات قرار داده و مورد بحث و بررسی قرار بدهم تا از این طریق مشکلات اهل علم حل شود.

مبحث اول- زکات

مطلب اول- تعریف زکات:

۱- **تعریف لغوی زکات:** واژه زکات مصدر «زکا» به معنی رشد و افزون شدن است هرگاه چیزی زیاد گردد گویند: «زکا الشيء» و اگر کسی به اصلاح رو آورد و نیکو کند در موردش همین واژه را به کار می برند از اینرو کلمه (زکات) در لغت در برگیرنده معانی برکت، رشد، افزون شدن، پاکی و اصلاح میباشد^{۳۷}. و در لسان العرب آمده است: در اصل زکات در لغت در بر گیرنده مفاهیمی چون: پاکی، رشد و زیاده شدن، برکت و ستودن است و همه این معانی در قرآن و حدیث به کار رفته است^{۳۸} لذا مال تفکیک شده از رأس المال را بدان جهت زکات می نامند که موجب زیاد شدن و مصوون ماندن آن از آفات می گردد. چنانچه الله متعال میفرماید: **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا**^{۳۹}. (از اموال آنان صدقهای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی).

تعریف اصطلاحی زکات: فقهای اسلام زکات را به عبارات مختلف تعریف نموده اند و در این بحث

^{۳۷} إبراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبد القادر، محمد النجار. المعجم الوسيط. تحقيق: مجمع اللغة العربية، الناشر: دار الدعوة ج: ۱، ص: ۳۹۶.

(مکتبه شامله اصدار سوم)

^{۳۸} محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصری. لسان العرب. دار صادر، بیروت، ج: اول، باب (زکا)، ج: ۱۴، ص: ۳۸۵. (مکتبه شامله اصدار سوم)

^{۳۹} بة/۱۰۳.

کوتاه مجال نقل همه این عبارات و تعریفات شان را نداریم، به تعریف امام قرضاوی فقیه و دانشمند معاصر اسلام و تعریف یکی دیگری از دانشمندان اکتفا می‌کنیم. (زکات عبارت از حقی است که الله متعال در اموال مسلمانان برای فقرا، مساکین و همه کسانی که قرآن کریم از آنها به عنوان مستحقین زکات یاد کرده فرض و مقرر نموده است، تا به شکرانه نعمت الله متعال وجهت تقرب به او و تزکیه و تطهیر خود و مال خویش به ادای آن پردازند^{۴۰}) دانشمند دیگری زکات را چنین تعریف نموده است: (زکات عبارت است از خارج کردن پاره‌ای از دارائی، تا بقیه با برکت الهی رشد و نمو کند و در جات صاحبش را بلند نماید و مال را از حرام و صاحبش را از صفات مذموم پاک گرداند)^{۴۱}. پس زکات از یکطرف عبادت مالی و از جانب دیگر و جیبه اجتماعی است چنانچه زکات یگانه سبب طهارت نفس از بخل و منبع جلب محبت و دوستی میان فقرا و ثروتمندان است. پرداخت زکات انسان را یاری می‌کند تا بتواند خود را برای رسیدن به صفات و اخلاق نیکو آماده سازد. این عمل در واقع از خود گذشتن و ایثار است که نتایج و تأثیرات مثبت و سازنده آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملاً محسوس است.

مطلب دوم- اهمیت و جایگاه زکات در اسلام: در اهمیت و جایگاه زکات همین کافی است، که از جمله امور ممیز شرک و اسلام و مرز بین کفر و ایمان معرفی شده است، طوری که الله تعالی میفرماید: قَانِ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَاِذْ وَأَنْتُمْ فِي الدِّينِ.^{۴۲} (پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند در این صورت برادران دینی شما می‌باشند). این آیه مبارکه پرداختن زکات را شرط ورود به دین و جماعت مسلمانان دانسته است. چنانچه آیه دیگری از کلام الله عدم پرداخت زکات را از مواصفات بارز مشرکین شمرده و در ردیف منکرین روز رستاخیز قرار داده است: وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ^{۴۳}. (و وای بر مشرکان همان کسانی که زکات نمیدهند و آنان که به آخرت نیاورند). چنانچه قرآن کریم دستور اجتناب و دست برداشتن از قتال با مشرکین را منوط به سه شرط قرار داده است که سومین آن پرداختن زکات میباشد: فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَعِدُّوا لَهُمْ كُلَّ مَرٍّ صَدٍّ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَذَلُوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۴۴} (پس چون ماههای حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید

^{۴۰} یوسف القرضاوی. فقه الزکاه. ج: ۲، ص: ۶۳

^{۴۱} عبدالکریم بی آزار شیرازی. رساله نوین مسایل اقتصادی، ص: ۷۶

^{۴۲} التوبه/ ۱۱

^{۴۳} فصلت ۶-۷

^{۴۴} التوبه/ ۵

و به محاصره درآورد و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است). بدین ترتیب هرگاه مشرکین سه شرط ذیل را تکمیل نمودند میتواند موجبات انصراف مسلمانان از قتال را فراهم سازند، یکی توبه از شرک، دوم اقامه نماز سوم پرداخت زکات. در حقیقت، تقارن همیشگی بین نماز و زکات در آیات کریمه قرآن، خود دلالت بر اهمیت و جایگاه اساسی آن را داشته و به عنوان اصل و رکن دین و احکام اسلامی مشخص شده است. در احادیث متعددی نیز آمده است که زکات از ارکان خمسة اسلام است و اساس اسلام بر آن استوار میباشد، از جمله به این حدیث اکتفا میکنیم: {بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ^{۴۵}}. (اسلام بر پنج امر بنا یافته است، گواهی دادن بر اینکه معبودی جز الله وجود ندارد و محمد بنده و پیامبر اوست و بر پاداشتن نماز و دادن زکات و حج بیت الله و روزه ماه رمضان). در واقع مفهوم بنیادی يك نهاد بر چند رکن، بدین معناست که حذف و انعدام یکی از این ارکان، تمهیدات تخریب اصل بنا را باعث خواهد شد. یعنی زکات از جمله اصول و مبانی اسلام است که با نبودن آن، اصل بنا و کیان اسلام در معرض تخریب و نابودی قرار خواهد گرفت. البته، هدف از این مطلب مهمتر شمردن یکی از رکنها بر بقیه را ندارد و ترتیب ذکر این رکنها در احادیث مذکور نیز به این جهت نبوده است، آنچه حائز اهمیت است، این است که زکات از جمله ارکان دین است و از جایگاه بلندی در اسلام برخوردار میباشد. از طرف دیگر، در احادیث و آثار شرعی پیامدها و عقوبات دنیوی و اخروی امتناع ورزیدن از زکات بقدری توجه شده است که اهمیت آن را چند برابر میگرداند، پیامبر میفرماید: {ما منع قوم الزكاة إلا ابتلاههم الله بالسنين}.^{۴۶} (هیچ قومی از پرداخت زکات امتناع نورزید الا اینکه الله تعالی آنها را به قحطی و گرسنگی مبتلا و دچار میکند). منذری (رحمه الله) راویان حدیث را ثقه دانسته و شیخ البانی در رابطه به صحت حدیث میگوید: در مجموع این حدیث که از طرق مختلف روایت شده و شواهدی هم به صحتش دلالت میکند، بلا شک به صحیح بودنش حکم میشود^{۴۷}.

ومی فرماید: {مَنْ أَعْطَاهَا مُؤْتَجِرًا فَلَهُ أَجْرُهَا وَمَنْ مَنَعَهَا فَإِنَّا آخِذُوهَا وَشَطْرَ مَالِهِ}. (اگر کسی بقصد قربت و ثواب اقدام به پرداخت زکات نماید به اجر و پاداش خود میرسد، اما اگر کسی از پرداخت زکات امتناع ورزد ما زکات و نصف مال او را میگیریم).

^{۴۵} صحیح مسلم، ج: ۱، ص: ۳۴.

^{۴۶} رواه الطبرانی في الأوسط ورواه ثقات والحاكم والبيهقي في حديث إلا أنهما قالوا: (ولا منع قوم الزكاة إلا حبس الله عنهم القطر). وقال الحاكم صحیح علی شرط مسلم

^{۴۷} محمد ناصر الدین الألبانی، السلسلة الصحيحة، ج: ۱، ص: ۱۰۶، لترغيب والترهيب

حاکم این حدیث را " صحیح الإسناد " دانسته و ذهبی با وی در صحت این حدیث موافق است، البانی آنرا حسن گفته است^{۴۸}. با توجه به این حدیث و احادیث دیگر، در صورت امتناع افراد از دادن زکات، با قهر و زور از آنان اخذ خواهد شد یا حتی در صورت اقتضا به جریمه مالی، اجرائی تعزیرات و در وقت لزوم دید اولیای امور، علیه آنان اقدام بجنگ خواهد شد، البته در ارتباط به جریمه مالی میان علما اختلاف نظر وجود دارد که تفصیلات آن را در مباحث بعدی ذکر خواهیم نمود.

مطلب سوم - حکمت های زکات: حکمت های زکات را میتوان در نکات ذیل خلاصه کرد:

۱- یکی از معانی زکات طهارت است و ادای زکات عملاً به طهارت درونی فرد ثروتمند از بخل نفرت انگیز می پردازد، زیرا بخل یگانه آفت روانی مؤثری است که میتواند انسان را به ریختن خون و پامال نمودن آبرو و خیانتهای بزرگ ملی و ادار سازد و هر فرد جامعه که به آن گرفتار شود رستگار نمی شود. چنانچه پروردگار میفرماید: (وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^{۴۹} (و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشانند که رستگارانند).

۲- از طرف دیگر زکات باعث طهارت نفس فقیر از حسد و بدخواهی نسبت به برادر ثروتمندش میگردد، زیرا لازمه بخشش و نیکی انعطاف قلب انسان است همانطوریکه محرومیت یک طرف و بهره مندی طرف دیگر موجب لبریزی قلب محرومان از خشم و کینه میباشد و با پرداختن زکات این مشکل اجتماعی بر داشته می شود^{۵۰}.

۳- زکات باعث پاک شدن و طهارت مال می شود چون وقتیکه حق کسی دیگری به مال تعلق گرفت آن را آلوده می سازد و تازمانی که حق مزبور از آن جدا نگردد این آلوده گی باقی خواهد ماند چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: {إِذَا أَدَّيْتَ زَكَاةَ مَالِكَ فَقَدْ أَذْهَبْتَ عَنْكَ شَرَّهُ}. (آنگاه که زکات مالیت را پرداختی، حقیقتاً شر و آفت آن را از خود زدودی).

این حدیث را ابن خزیمه (رحمه الله) در صحیحش و حاکم مختصراً روایت نموده و آنرا صحیح موافق با شرط مسلم گفته است^{۵۱}.

^{۴۸} إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ج: ۳، ص: ۲۶۴

^{۴۹} الحشر / ۹.

^{۵۰} فقه الزکاة، ۲، ص: ۳۲۷

^{۵۱} محمد ناصر الدین الالبانی، صحیح الترغیب والترهیب، مکتبة المعارف - الریاض، ج: ۱، ص: ۱۸۲

۴- زکات باعث مصونیت کل جامعه چه ثروتمند و چه مستمند است، زیرا عدم توجه به حقوق فقراء و بینوایان باعث تفرقه، کشمکش، فتنه و تباهی در میان اقشار جامعه گر دیده و موجب قهر و غضب پروردگار بر آنها می شود، چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: { داووا مرضاکم بالصدقة وحصنوا أموالکم بالزکاة }.^{۵۲} (مریضان تان را با صدقه مداوا کنید و اموال تان را با دادن زکات محفوظ دارید). البانی این حدیث را در سلسله احادیث ضعیف آورده آنرا جداً ضعیف پنداشته است.^{۵۳} ثروتمندان خیلی به این مصونیت احتیاج دارند تا خویشستن در امن و امان زندگی کنند و ثروت های شان از آفات محفوظ بماند .

۵- گذشته از طهارت و پاکی، زکات در بر دارنده رشد و فزونی است، رشد شخصیت و موجودیت معنوی فرد ثروتمند، انسانی که از دارائی و دستاورد خود به دیگران خیر می رساند. در واقعیت بر نفس اماره و شیطان غلبه یافته است، این همان رشد نفسانی و تزکیه معنوی است که در این آیه مبارکه بر آن اشاره شده است: (طَهَّرْهُمْ وَتُزَكِّهِمْ بِهَِا).^{۵۴} (به وسیله آن (زکات) پاک و پاکیزه شان سازی).
۶- چنانچه زکات باعث رشد شخصیت فقیر میگردد، چون هنگامی که او مقدار اموالی از زکات را از جامعه غم خوارش در یافت می کند، خود را در جامعه فرد هرزه و بی اهمیت احساس نمی کند، تا در نتیجه این احساس منفی از درون به تباهی و نابودی کشانیده شود، بلکه برعکس جامعه اسلامی برای نجاتش از گیرماندن بتنگنای اقتصادی و سقوط شخصیتش، سعی میکند، تا دستش را بگیرد و به پای خودش باسد - چو استاده ای دست افتاده گیر- اسلام برای هر فرد تحت فرمانش از راه های مختلف و با مسایل گوناگون رفاه و آسایش می خواهد و او را در معرض اوج کرامت انسانی و شرافت آدمی قرار میدهد، از این جهت میبینیم ، که اسلام جهت حفظ آبرو و عزت شخص فقیر در اصل تسلیم دادن زکات توسط ثروتمندان را تشریح نموده است، تا در نتیجه فقیر و گیرنده زکات در برابر دهنده زکات خود را حقیر و او را نسبت به خویش برتر احساس نماید، بلکه آن را به عنوان حق خود از دولت در یافت می کند، تا کوچکترین لکه ای بر شخصیتش وارد نشود، بناءً پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بعنوان پیشوای جامعه اسلامی از جانب الله تعالی مأمور به جمع آوری زکات شده است، الله متعال در مورد میفرماید: (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً)^{۵۵}

^{۵۲} أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردي الخراساني، أبو بكر البيهقي، السنن الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، دار كتب العلمية، بيروت - لبنان الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م ، ج: ٣، ص: ٣٨٩.

^{۵۳} محمد ناصر الدين الألباني، السلسلة الضعيفة، مكتبة المعارف - الرياض، ج: ٧، ص: ٤٩٣.

^{۵۴} التوبة/١٠٣

^{۵۵} التوبة/١٠٣

از اموال آنان صدقهای (زکات) بگیر) اما در مواقعی که امت از داشتن حکومت اسلامی و یا نظام اقتصاد اسلامی برخوردار نباشند، ثروتمندان میتوانند زکات شان را مستقیماً به فقرا تحویل دهند، اما در این صورت قرآنکریم آنها را از منت گذاری و ناراحت کردن نیازمندان هنگام تسلیم دهی زکات شدیداً برحذر داشته میفرماید (قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ)^{۵۶}.
(گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندى آنان) بهتر از صدقهای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بنیاز بردبار است).

۷- همانطوریکه یک معنی زکات رشد و نمو است حقیقتاً سبب رشد مال و اضافه شدن برکت در آن می شود، شاید بعضی ها از این سخن تعجب کنند و آن را بعید بدانند، چون زکات در ظاهر چیزی از مال می کاهد و چگونه ممکن است که عامل ازدیاد و افزایش آن باشد؟ اما آگاهان خوب می دانند، که در پشت این کاهش ظاهری یک افزایش حقیقی و جود دارد، افزایش در مجموع ثروت جامعه، و حتی افزایش در مال شخص توانگر، زیرا این مبلغ پرداخته شده از طریق دیگری دانسته یا ندانسته به صورت چند برابر به او برمیگردد، اگر یک نگرش عمیق به مسأله داشته باشیم می بینیم که یک دینار در دست فردی که دلها برای محبت او می تپند و زبانها ثناگویش هستند، خیلی قویتر و فعالتر از چندین دیناری است که در اختیار یک شخص بخیل و خودبینی است که همه چیز را به خود منحصر ساخته و به دیگران بهره ای نمی رساند^{۵۷}.
طوری که شاعر می گوید: عقل خود بین غافل از بهبود غیر # سود خود بیند نبیند سود غیر وحی بیننده سود و صلاح همه # وزنگاهش سود و بهبود همه دقیقاً تعبیر اقتصادی که زکات را باعث رشد و نموی مادی و معنوی افراد و جامعه دانسته است، برگرفته از آیات ذیل کلام الله می باشد:
{ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ }^{۵۸}. (و هر چه را انفاق کردید عوضش را او میدهد و او بهترین روزی دهندگان است). و میفرماید: { الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَسَادِ شَاءَ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ }^{۵۹}. (شیطان شما را از تهیدستی بیم میدهد و شما را به زشتی و اماندارد؛ و (لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش میدهد، و خداوند گشایشگر داناست).
نیز میفرماید: { مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ }^{۶۰} (و آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزوننیافتگانند [و

^{۵۶} البقره / ۲۶۳.

^{۵۷} فقه الزکات. ج: ۲، ص: ۳۲۷.

^{۵۸} السبا / ۳۹.

^{۵۹} البقره، ۲۶۸.

^{۶۰} روم / ۳۹.

مضاعف میشود) در این فرصت نباید علاوه بر تأثیر علل و عوامل شناخته شده نقش عنایت الهی را در جریان این جایگزینی و افزایش نادیده گرفت، الله متعال از فضل خویش به هر کس که بخواهد میدهد او ذاتی است که فضل و بخشایش عظیمی دارد^{۶۱}.

۸. زکات به عنوان یکی از منابع رفاه و ترقی جامعه اسلامی برای زدودن فاصله میان ثروتمندان و مستمندان و تحکیم اخوت اسلامی میان طبقات مختلف می باشد، زیرا که اسلام به عنوان یگانه دینی که فطرت انسانی را تأیید نموده همواره در صلاح و رشد آن کوشیده و در اصل، مالکیت فردی ناشی از یک عامل مشروع را پذیرفته و به این احساس انسانی که او را خواستار تملک و رقابت و ذخیره سازی می نماید پاسخ داده است ولی این بدان معنی نیست که ثروتمندان را در از دیار ثروت شان و مستمندان را در شدت فقر و تیره روزی رها نماید در نتیجه فاصله میان این دو طبقه بیشتر گردد و ثروتمندان قشری باشند که زندگی شان در برج های آسمان خراش باشند و فقرا همان طبقه و مردمی باشند که می باید در مخروبه ها به حالت فلاکت بار و محرومیت جان سپارند، بلکه اسلام با تشریح احکام مالی چون زکات، اخلاق اقتصادی ثروتمندان را تهذیب نموده و برای محو فاصله میان این ها و آنها توصیه های ماندگاری را بجا گذاشته است^{۶۲}.

۹- و بالأخره زکاة وسیله است برای ادای شکر پروردگار در مقابل نعمت ثرواتی که الله تعالی به تسخیر انسان در آورده است .

مطلب چهارم : ارکان و شرایط زکات : رکن زکات عبارت است از کشیدن و جدا نمودن پاره از نصاب مال و پائین دادن حق ملکیت مالک از همان پاره مال و سپردن به تصرف و ملکیت فقیر و یا تسلیم نمودن آن به امام (حاکم) و یا مصدق (مسئول جمع آوری زکات)^{۶۳}

شرایط و انواع زکات : شرطهای زکات در دو بخش قابل تحقیق است، یکی از آن شرطهای که مربوط به شخص مکلف است (شرط های زکات دهنده) و بخش دیگر آن شرطهای است که مرتبط به مال و ثروت میشود (شرط های وجوب زکات در اموال)^{۶۴} اینک هر دو بخش این مبحث در مطالب جداگانه ذیل بیان میگردد:

^{۶۱} فقه الزکاة، ج: ۲، ص: ۳۲۸.

^{۶۲} رساله نوین مسایل اقتصادی، ص: ۴۸

^{۶۳} البدائع، ج: ۲، ص: ۳۹ و الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۷۳۷، ص: ۲

^{۶۴} بدائع الصنائع، ج: ۲، ص: ۴.

-**شرطهای زکات دهنده:** زمانی که در رابطه به شرطهای وجوب زکات به متون و مآخذ فقه اسلامی مراجعه کنیم، طوری در می یابیم که فقهای مذاهب در مورد تعدادی از این شرطها اتفاق نظر دارند و در رابطه به شمار دیگری آن اختلاف نموده اند، بنا بر این نخست شرطهای متفق علیه و آنگاه شرطهای مختلف فیه را بحث خواهیم نمود :

الف- شرطهای متفق علیه(شرطهای وجوب زکات که فقهای مذاهب در موردش با هم متفق اند):

۱- نیت یا قصد حین ادای زکات: فقهای مذاهب متفق اند که نیت در ادای زکات شرط صحت آن است به اساس حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که میفرماید: {انما الاعمال بالنیات} متفق علیه. (نتایج همه اعمال به اساس نیت هاست). حدیث فوق را شیخ البانی صحیح دانسته است^{۶۶}. چون ادای زکات همانند نماز و فرا یض دیگر اسلام از اعمال تعبدی است، که بر همه مکلفین فرض گردیده، لزوماً حین بجا آوردن آن نیت ادا شرط صحت آن دانسته شده است، تا با نیت کردن، میان فرض و نفل فرق شود. فقهای مذاهب در مورد نیت به تفصیل بحث نموده اند که در اینجا محل بحث ما نمی باشد.

۲- حر (آزاد بودن): معکوس آن عبد (برده بودن) است، کسانی که آزاد نیستند به اتفاق همه مذاهب فقهی، زکات بالایشان واجب نمی باشد، زیرا آنها استقلال و صلاحیت ملکیت را ندارند و زمام امورشان در دست شان نبوده و همه دار و مدار شان در ملک آقایان شان می باشد، بنا بر این از دیگر فقهاء حر بودن در وجوب زکات از شروط وجوب آن دانسته شده است^{۶۷}. از اینکه نظام بردگی فعلاً مصداقی ندارد، از جزئیات آن بحث نمی کنیم.

۳- اسلام (مسلمان بودن): اساساً زکات بر کافر لازم نیست چون زکان عبادت مالی است و زکات دهنده را پاک می سازد، و شخص کافر از اهل طهارت و پاکی نمی باشد، اما در مورد شخص مرتد آیا زکات بر ذمه اش واجب است یاخیر؟، دانشمندان مذاهب فقهی نظریات مختلفی در مورد دارند، که تفصیلات آن در کتب فقهی ملاحظه گردد^{۶۸}.

۴- ملکیت تام: (شخص مالک از هر لحاظ بر ثروتش تسلط داشته و کاملاً در اختیارش باشد) به این اساس زکات بر مال گم شده و مال مصادره و ضبط شده توسط دولت، و دینی که مدیون از آن منکر شده و دائن کدام شاهدهی بر اثبات آن نداشته باشد و همچنان مال دفن شده در صحرا و جای نامعلوم و غیره اموالی

^{۶۵} الجامع الصحیح المختصر، باب کیف کان بدء الوحي، ج: ۱، ص: ۳..

^{۶۶} محمد ناصر الدین الالبانی. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه. ج: ۹، ص: ۲۲۷

^{۶۷} فتح القدیر ج: ۳، ص: ۴۶۱ و الهدایه شرح البدایه ج: ۱، ص: ۹۲.

^{۶۸} همان مآخذ، همان صفحه

که مالک آن در ملکیت و تصرف بر آن بطور کامل تسلط نداشته باشد، زکات واجب نیست.
ب - شرطهای مختلف فیه:

۱- بلوغ سن: شرط بلوغ را در وجوب زکات فقط فقهای حنفی مطرح نموده اند، باسناد قول ایشان، زکات بر افراد نابالغ واجب نمی باشد، از دیدگاه آنها اگر سرپرست اطفال نابالغ با سرمایه ایشان تجارت کند، پرداختن زکات از همجو سرمایه مستحب است، آنها نیز افزوده اند که در مالهای که زکات با حولان حول واجب میگردد، بلوغ از آغاز سال اعتبار دارد، به این معنی که اگر طفلی در وسط سال به سن بلوغ برسد بالای زکات واجب نیست^{۶۹}. اما دیدگاه جمهور مذاهب بلوغ را در وجوب زکات شرط نمی دانند، ایشان طوری که زکات را بر افراد بالغ فرض میدانند همانطور بر افراد نابالغ نیز لازم میدانند و علمای معاصر نیز قول جمهور را به دلایل ذیل راجح دانسته اند:
"ألا من ولي يتيما له مال فليتجر فيه ولا يتركه حتى تأكله الصدقة" امام ترمذی رحمه الله میگوید: (در اسناد این حدیث مقال است چون مثنی بن الصباح در حدیث ضعیف شناخته شده است) و شیخ البانی نیز آنرا ضعیف گفته است^{۷۰}. جمهور میگویند: در ادای زکات مواسات فقرا نهفته و به اداکننده آن اجر و ثواب داده میشود، که یتیمان نیز به آن نیاز دارند، از جانبی هم مصالح فقرا و برآوردن حاجات شان، تحصن اموال، تزکیه نفس و ثروت، تمرین ایتم به اعمال سخاوتمندی و جوانمردی و سایر حکمت های عملی زکات تطابق دارد^{۷۱}.

۲- عقل: طوری که در مورد شرط بودن بلوغ در وجوب زکات گفته شد شرط بودن عقل نیز از نظر فقهای حنفی ضروری است از دیدگاه آنها زکات در مال مجنون و اجب نبوده و شخص مکلف باید در تمام سال عاقل باشد، الا اگر جنون عارضی باشد (در مدت کوتاهی پیش آید)، در این صورت کدام خللی در وجوب زکات وارد نمی شود، اما جمهور فقهاء سلامتی عقل را شرط ندانسته زکات را در اموال مجانین نیز لازم می دانند^{۷۲}. البته دیدگاه جمهور در رابطه به وجوب زکات در اموال افراد نابالغ و مجنون نظر به دلایلی که ارایه نموده اند، از نظر باحث راجح می باشد، چون در این دیدگاه از یک طرف منفعت فقرا در نظر گرفته شده و از جانب دیگر زکات حق مال است نه مالیات سرانه که بر غیر مکلف واجب نباشد،

^{۶۹} بدائع الصنائع، ج: ۲، ص: ۴.

^{۷۰} إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ج: ۳، ص: ۲۵۸.

^{۷۱} المغنی، ج: ۲، ص: ۶۲۱.

^{۷۲} کشاف القناع، ج: ۲، ص: ۱۹۵.

علاوه بر آن دلیل جمهور از حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم گرچه از لحاظ سند ضعیف است، اما از نظر مقاصد شریعت اسلامی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

- شرط های وجوب زکات در اموال: لزوماً هر فرد مسلمان از ثروت های که در ملکیتش قرار دارد و بر آن مدتی بیشتر از یک سال سپری شده و به حد نصاب شرعی رسیده باشد، زکات آنرا بپردازد، خواه این اموال برای تجارت باشد و یا جهت اغراض دیگری، از قبیل خریداری خانه، زمین، موتر و سایر ثروت های که اندوخته باشد. دانشمندان فقه اسلامی شرط های وجوب زکات را در اموال طور ذیل دانسته اند:

۱- بودن مال از اجناسی که زکات در آنها از جانب شرع واجب گردیده که مجموعاً از دیدگاه فقهایی سلف شش صنف میباشند: دینار و درهم (طلا و نقره) و یا پول های مروج که جاگزین آنها در عصر حاضر می باشد، معادن، رکاز (کنز)، مال التجارت، محصولات زراعتی (سبزی و میوه جات) و مواشی (حیوانات اهلی)، اما نظریه فقهی معاصر مواردی را از مستجدات عصر نوین، بر آن افزوده اند، از قبیل: حقوق و درآمدهای رسمی و آزاد، درآمدهای از دارایی های عقاری، چون اجاره ساختمانها، منازل تجارتي، رهائشی و غیره.

۲- مالک بودن نصاب شرعی و یا قیمت آن: طوریکه گفته شد نصاب زکات مقداری از مال و ثرتی است که هر گاه شخصی مالک آن گردد، از نظر شریعت اسلامی غنی و ثروتمند بحساب می آید و زکات بر عهده اش لازم میگردد. در مورد مقادیر نصاب شرعی در مباحث آینده به تفصیل بحث میشود.

۳- حولان حول (گذشت سال): هر گاه شخصی مالک نصاب گردد وقتی زکات بالایش واجب میشود که یک سال قمری از مالک شدنش بگذرد به این معنی که همان ثروت بنصاب رسیده اش در طول یک سال

کامل در ملکیت شخصی اش بوده باشد و حولان حول در همه اموال غیر از اجناس کشاورزی از قبیل سبزیجات و میوه جات، شرط میباشند، اما وقت وجوب زکات در محصولات زراعتی و میوه جات زمان به ثمر رسیدن و حاصل گیری آنها است.

۴- اضافه بودن نصاب مملوکه از دین (قرضداری) و حاجات اصلی شخص و فامیلش، به این معنی که زکات زمانی بالای شخص مکلف واجب میگردد، که کاملاً از دین فارغ بوده و همه ضروریات اصلی و ما یحتاج اولیه خود و فامیلش را تکمیل کرده باشد، علاوهً مالک نصاب شرعی نیز شده باشد، اما اگر شخصی مالک نصاب شده باشد، اما بر ذمه اش دینی است و یا بخشی از ضروریات اصلی اش نا تکمیل بوده و او به تهیه آن نیاز به همه و یا حصه ای از این اموال دست داشته اش دارد، با ادای دین و خریداری

ضروریاتش از مقدار نصاب شرعی کاسته می شود، در این صورت زکات بالایش لازم نیست.^{۷۳}
۵- تملیک (مال زکات را به ملکیت مستحق در آوردن): یکی از شرطهای صحت ادای زکات به ملکیت در آوردن مال زکات به مستحقین آن است، بنا بر این باید زکات به شخصی داده شود که اهلیت تصرف را داشته باشد، از این جهت زکات برای مجنون و طفل داده نمی شود مگر شخصی از اولیای آنها مال زکات را وکالتاً برایشان قبض نماید.^{۷۴}

مطلب پنجم انواع زکات

معمولاً قرآنکریم جز از چند مورد در رابطه به زکات بتفصیل بحث ننموده، شرائط، مقادیر و همه احکام و مسایل فرعی آن را موکول به سنت نبوی نموده است، چون قرآنکریم در همه موارد کلیات موضوع را اجمالاً اشاره نموده و تفصیل آن را به عهده سنت قولی و فعلی پیامبر گذاشته است و در رابطه به زکات نیز با بکار بردن یک کلمه عام که عبارت از کلمه اموال است، مسؤلیت بعدی را به دوش پیامبر و زمامداران می سپارد، چنانچه میفرماید: خذ من اموالهم صدقة^{۷۵}. (از اموال آنان صدقه‌های (زکات) بگیر). نیز میفرماید: وَالَّذِينَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ^{۷۶} در اموال ایشان حق مقرر است برای سوال کننده و تنگدست. (اما سنت نبوی آیات وارده را تفسیر کرده، مسایل آن را بطور مفصل با همه احکام و جزئیاتش بیان نموده است. بنا بر این فقهای اسلام با استفاده از آیات قرآنکریم و ارشادات نبوی مالهایی را که زکات در آن ها واجب است، پنج چیز میدانند. نقدین (طلا و نقره)، معادن و رکاژ (کنز)، اموال تجارتي، محصولات زراعتی و میوه جات، مواشی (گاؤ، شتر، گوسفند). اما در عصر نوین، که با ظهور ثروت های متنوع و فرآورده های طبیعی و دستاوردهای بشری انواع دیگری از ثروت ها در کنار اموال معروف ششگانه، توسط دانشمندان معاصر اسلام تشخیص و مقادیر زکات یکا یک آنها تعیین گردیده است. خواستیم تا در این بحث گذرا احکام مهم همه اموالی را که زکات در آنها لازم است طور فشرده بحث کنیم.

مبحث دوم اموالی که زکات در آنها واجب است و مقادیر آنها:

مطلب اول – زکات طلا و نقره و بانک نوتها: دلایل وجوب: فرض بودن زکات در طلا و نقره به دلایلی از قرآن، سنت و اجماع ثابت است. ۱- قرآن کریم: م: وَالَّذِينَ يَكْتِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي

^{۷۳} رد المحتار علي در المختار: ج: ص: ۷- ۸

^{۷۴} لبدايع الصنائع، ج: ۲، ص: ۳۹.

^{۷۵} التوبه/ ۱۰۳

^{۷۶} المعارف/ ۲۴- ۲۵

سَبِيلَ اللَّهِ. فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ عَلَيْهِمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَنُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ فَدُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ.^{۷۷} (و کسانی که زر و سیم را گنجینه میکنند و آن را در راه خدا هزینه نمکنند ایشان را از عذاب دردناک خبر ده، روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگذارند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند] این است آنچه برای خود اندوختید پس [کیفر] آنچه را مانندوختید بچشید). وجه استدلال: در آیه فوق خبر از وعید به عذاب شدید به کسانی داده شده است، که طلا و نقره را گنجینه میکنند و زکات مفروض یا ه را نمی پردازند، معمولاً چنین وعید سخت در مورد کسانی داده می شود که کفر ورزیده اند و مرتکب گناه کبیره شده اند.

۲- سنت نبوی: { ما من صاحب ذهب و لا فضة لا یودی منها حقها الا اذکان یوم القیامة صفحت له صفاح من نار فاحمی علیها فی نار جهنم فیکوی بها جنبه و جبینه و ظهره کلما بردت اعیدت له فی یوم کان مقداره خمسين الف سنة حتی یقضی بین العباد فیری سبیلہ اما الی الجنه و اما الی النار }^{۷۸}

(هیچ دارنده طلا و نقره ای نیست که حقی در آن بر ذمه اش لازم شده و او آنرا ادا نکرده باشد، مگر این که با فرا رسیدن روز قیامت، برایش از کوره های آتشین پهن کرده می شود و در محوطه آتش جهنم از استقامت پهلو، پیشانی و پشتش داغ کرده می شود، هرگاه اندکی سرد شود، باز به همان درجه نهایی حرارت بازگردانیده می شود و این همان روزی است که اندازه آن برابر با پنجاهزار سال است و این عذاب تا آنگاه ادامه می یابد که در میان بندگان فیصله شود، آنگاه سر نوشتش یا به جنت و یا به دوزخ رهنمایی می گردد).

۳- اجماع امت: دانشمندان همه مذاهب بر فرضیت زکات در طلا و نقره اجماع نموده اند برابر است که سکه باشد و یا غیر سکه بشرط اینکه مقدار مملوکه آن به حد نصاب رسیده و حولان حول (گذشت سال) شده باشد، علاوه بر آن از دین فارغ بوده مال مملوکه از حاجات اصلی اش اضافه باشد.^{۷۹}

نصاب طلا و نقره: علماء جز حسن بصری و طاؤس متفق اند بر اینکه نصاب طلا بیست دینار (مثقال) و نصاب نقره دو صد در هم است، مگر این دو دانشمند در مورد نصاب نقره با جمهور علماء اختلاف نظر دارند.^{۸۰} البته جمهور به تأیید قول شان به حدیث ذیل استدلال نموده اند: { ولا فی أقل من عشرین مثقالاً من

^{۷۷} التوبه ۳۴-۳۵

^{۷۸} مسلم حیصص، ج: ۳، ص: ۷۰، المكتبة اشمله الا صدار الثالث

^{۷۹} فتح القدیر، ج: ۳، ص ۶۰

^{۸۰} یوسف القرضاوی - فقه الزکات، ج: ۱، ص: ۲۴۶-۲۶۱ و الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲، ص: ۷۵۸-۷۶۰

الذهب شيء ولا في أقل من مائتي درهم شيء}.^{۸۱} (در کمتر از بیست مثقال از طلا و کمتر از دوصد درهم نقره) چیزی (زکات) لازم نیست). شیخ البانی در رابطه به سند حدیث فوق میگوید: (گر چه این حدیث از لحاظ سند ضعیف است، اما باعتبار شواهدی که دارد، حکم به صحتش می شود).^{۸۲} اما در مورد مقدار و وزن نصاب شرعی طلا و نقره موافق به وزن امروزی دکتور یوسف قرضاوی بعد از بحث و تحقیق و ذکر اختلافات در مورد، به این نتیجه رسیده است که نصاب نقره به وزن فعلی (گرام) برابر است با $244 \times 915 = 22,095$ گرام و نصاب طلا به وزن فعلی برابر است با $25,4 \times 2415 = 61,371$ گرام.

مقدار زکات در طلا و نقره: مقدار زکات در نقدین (طلا و نقره) ربع عشر یعنی ۲،۲ است اگر شخصی مالک دو صد درهم شود و همه شرائط وجوب زکات کامل باشد، بالایش پنج درهم از نقره زکات فرض میگردد، همچنان در بیست دینار از طلا نصف دینار لازم میشود. زکات پول مروجه (بانگ نوتها): در جهان امروزی چیزیکه توسط آن در همه ممالک جهان تبادل، خرید و فروش صورت می گیرد همانا پول های رایج و بانک نوت های است که هر دولت در محدوده حاکمیت و کشور خویش آنرا اختیار نموده و معامله باسکه های طلا و نقره را تحریم نموده است. **مقدار نصاب در بانک نوتها (پول های مروجه):** اساساً مقیاس و معیار نصاب پولهای مروجه همانا نصاب شرعی که در طلا و نقره ذکر شده است، میباشد، اما در زمان فعلی که تحولات چشمگیری در عرصه اقتصادی و سطوح زندگی مردم به میان آمده است، کدام یکی از آنها مقیاس قرار داده شود طلا یا نقره، تا با استعدادهای اقتصادی مردم سازگار و مصالح فقرا و سایر مستحقین زکات برآورده شود، در مورد نظریات مختلفی از دانشمندان معاصر آمده است. از اینکه در مورد بحث طولانی وجود دارد و بحث ما حوصله نقل همه این اقوال را ندارد ناگزیر بطور فشرده قول راجح و اصلح علمای معاصر را بیان میکنیم. زمانی که نظریات دانشمندان را در مورد به دقت مطالعه نموده و ابعاد مختلف موضوع را بررسی نماییم، به این نتیجه می رسیم که قول راجح و برتر آن است که گفته اند: در مقیاس زکات پول های مروجه عصر حاضر باید طلا معیار قرار داده شود، چون مستوای سطح زنده گی مردم بلند رفته و ارزش نقره نسبت به زمان های گذشته پایین شده، بنابر آن معیار قرار دادن نقره در نصاب پول های مروجه عصر حاضر مطابقت ندارد، از جانب دیگر نصاب طلا معادل نصاب شتر، گاو و گوسفند است و نصاب نقره در

^{۸۱} علی بن عمر ابو الحسن الدار فطنی البغدادی؛ سنن الدار فطنی، ج: ۲، ص: ۹۳، تحقیق: عبدالله هاشم یمانی، دار المعرفه- بیروت، ۱۳۸۶ هـ - ۱۹۶۶ م.

^{۸۲} ارواء الغلیل فی تخریج احادیث منار السبیل، ج: ۳، ص: ۲۹۲.

زمان کنونی معادل آنها نیست^{۸۳}. تعیین و تثبیت نصاب پولهای مروجه: قبلاً تذکر دادیم که نصاب طلا به اساس معادله با ۲۴ دینار که در نصاب طلا اصل پنداشته می شود، بالغ به ۱۵ گرام وزن امروزی میشود، حالا دیده شود که یک گرام طلا بنرخ فعلی مثلاً به پول افغانی چند است، گیریم که قیمت یک گرام طلای خالص (۲۵۴۴ افغانی x ۱۵ گرام طلا = ۲۱۲۵۴۴ افغانی به این معنی که اگر شخصی بعد از تکمیل همه دیون و حوایج اصلی اش مالک (۲۱۲۵۴۴) افغانی گردد و یک سال قمری از سرش بگذرد زکات بالایش واجب است و اما مقدار زکات در بانگ نوتها همان مقداری است که در مورد زکات طلا و نقره ذکر شد یعنی ربع عشر (۲،۵۲). از هر صد هزار (۲۵۴۴) افغانی، مثلاً نصاب پول مروجه (۲۱۲۵۴۴) افغانی است (۲،۵ x ۵۳۱۲ = ۱۳۱۲۵) افغانی زکات پرداخته میشود.

مطلب دوم - زکات معادن و رکاز (گنج) :

دلایل وجوب: فریضه زکات در معادن و رکاز (گنج) به دلایلی از قرآن و سنت ثابت است. ۱- قرآن کریم: یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخَذَ رَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه‌های که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین بر آورده‌ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که (از آن) انفاق نمایید، در حالی که آن را (اگر به خودتان ممدادند) جز با چشمپوشی (و بمیلی) نسبت به آن، نمگرفتید، و بدانید که الله، بنیاز ستوده (صفات) است).

{ الْعَجْمَاءُ جُبَارٌ وَالْبُرُّ جُبَارٌ وَالْمَعْدِنُ جُبَارٌ وَفِي الرِّكَازِ الْخُمْسُ^{۸۴} } {رواه البخاری}. (چیزی که توسط حیوان، چاه و معدن حفر شده تلف شود و مالکش تقصیری در آن نداشته باشد، هدر است (توان ندارد)، و در رکاز (گنج) خمس (۲۴%) است). شیخ البانی میگوید: (لم أجده في الصحيح و لا في الضعيف) معنی جمله (والمعدن جبار^{۸۵}) عده ای از علما آنرا به ظاهر معنی تفسیر نموده گفته اند: در معادن زکات نیست و کسان دیگر در مورد میگویند: معنی حدیث این است، که اگر شخصی مردی را به عنوان کارگر در حفاری و استخراج معدن استعمال نماید و در هنگام حفاری شخص کارگر بمیرد،

^{۸۳} مراجعه شود به الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲، ص: ۷۷۲_۷۷۴.

^{۸۴} الجامع الصحیح المختصر، ج: ۲، ص: ۵۴۵.

^{۸۵} صحیح وضعیف سنن النسائي، ج: ۶، ص: ۱۴۱.

کارفرما ضامن آن نبوده دیتی بر وی لازم نیست^{۸۶} فقهای مذاهب رحمهم الله در معنی و احکام معادن و رکاز (گنج) نظریات مختلف دارند: امام ابو حنیفه (رح) میان معدن و رکاز کدام فرقی قایل نبوده و هر دو را در یک حکم قرار داده میگوید: (معدن و رکاز) گنج هر دو به یک معنی است، که عبارت از مال دفن شده در زمین می باشد، مگر معدن همان ثروتی است که الله تعالی آن را از ابتدای خلقت زمین در آن خلق نموده و رکاز (گنج) مالی است که مردم در زمان جاهلیت (قبل از اسلام) در زمین دفن نموده اند^{۸۷}. اما در مورد حکم زکات در انواع مختلف معادن علمای مذهب حنفی میگویند: وجوب زکات در معادن متعلق است به اشیای که در مقابل آتش نرم و نوب شود مانند طلا، نقره، آهن و سایر انواع فلزات، ولی آنها بر دو نوع اجناس معدنی زکات را فرض نمی دانند، یکی اشیای مایع مانند پترول، قیر و غیره، و دیگری چیزهای جامد که توسط آتش نرم و نوب نمی شود مانند یاقوت مرجان، زمرد و غیره. فقهای احناف در وجوب زکات معادن نصاب را شرط ندانسته در مالهای کم و بیشی از آنها خمس (۲۴٪) را واجب میدانند.

امام احمد (رحمه الله) معدن را چنین تعریف میکند: معدن عبارت است از هر آن چیزیکه از زمین خارج می شود، که الله متعال آن را طور طبیعی در زمین آفریده است و دارای ارزش و قیمت باشد، مانند طلا، نقره، آهن، مس، سرب، یاقوت، زمرد، فیروزه، بلور، عقیق، سرمه، هرتال، گوگرد نفت و غیره، و در وجوب زکات در آنها نصاب را شرط میدانند. البته نصاب معادن به اساس نصاب طلا و یا نقره تعیین می شود، از امام مالک و امام شافعی (رحمه الله) نقل میکنند که زکات در اموال معادن به منزله زکات در زراعت است و حولان حول در آن معتبر نیست و نصاب در آن شرط است^{۸۸}. رکاز (گنج) که در آن زکات واجب است: علمای مذهب حنفی، حنابله، اسحاق، ابن المنذر، و به یک روایت مالک و شافعی، عموماً اطلاق زکات به همه اشیای که به عنوان مال در میان مردم شناخته شود، تعلق می گیرد، مانند طلا، نقره، آهن و غیره البته زکات آن ۴٪ میباشند نه به اساس ۲،۵۲ و به اتفاق علماء مشروط به حولان حول نمی باشد^{۸۹}. اما اشیای قیمتی که از در یا کشیده میشود مانند مروارید، مرجان، و غیره در نزد جمهور فقها زکات در آنها لازم نیست مگر در یک قول از امام احمد نقل شده که میگوید: (اگر مقدار این اموال به نصاب شرعی برسد زکات در آنها فرض میشود، ابو یوسف و احمد در

^{۸۶} ابن بطال أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك، شرح صحيح البخاری، تحقیق: ابو تمیم یاسر بن ابراهیم، مکتبه الرشد السعودیة الرياض، ج: دوم، ۱۴۲۳هـ ۲۰۰۳م، ج: ۸، ص: ۵۵۹.

^{۸۷} فتح القدیر. ج: ۱، ص: ۵۳۷

^{۸۸} المغنی. ج: ۳، ص: ۱۷

^{۸۹} المغنی. ج: ۳، ص: ۱۷

مورد زکات لؤلؤ و عنبر موافق است^{۹۰}. تا جای که در مورد معادن، رکاز و اشیای قیمتی که از دریا کشیده میشود بحث شده است، دانسته میشود که میان فقهای مذاهب اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد، اما دکتور یوسف قرضاوی قول راجح را در مورد چنین بیان میدارد: (در همه موارد گذشته قول راجح مذهب حنابله است، که زکات را در همه ثروت های یافت شده از بر(خشکه) و بحر و رکاز فرض میدانند، خواه این ثروت ها با آتش نرم شود یا نشود، سایل(جاری) باشد و یا جامد کدام فرقی ندارد، چون در معنی آنها کدام تغییری نمی آید همه این ثروات اشیای با ارزش و دارای قیمت اند، حتی در عصر حاضر این ثروت ها را طلا سیاه می نامند. اگر امامان ما رحمهم الله در عصر کنونی زیست مینمودند. ارزش و قیمت نفت و معادن فعلی را مشاهده میکردند بخوبی پی می بردند که این اشیا گرانها مایه غنا و ثروتمندی ملت ها و جوامع امروزی گردیده، حتماً موقف دیگری میداشتند غیر از موقف اجتهادی آن زمان^{۹۱}. ابن قدامه (رض) به تأیید مذهب حنابله چنین استدلال میکند:

الف: مفهوم قول الله تعالی: **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ**^{۹۲} (ای کسانی که ایمان آوردهاید، از چیزهای پاکیزهای که به دست آوردهاید، و از آنچه برای شما از زمین برآوردهایم، انفاق کنید).

ب: و نیز این مالها را معدن گفته میشود و زکات بر آنها تعلق میگیرد چنانچه در طلا و نقره زکات تعلق گرفته است.

ج: در این ثروتها زکات از این لحاظ فرض است که در حقیقت امر این اشیا را میتوان مال نامید، چنانچه اگر چیزی از آنها به غنیمت گرفته شود خمس در آن واجب میگردد، بهمین منوال اگر از معدن بیرون آورده شود مانند طلا در آنها زکات نیز لازم میگردد^{۹۳}

مطلب سوم - زکات ثروت های تجارتي:

در مباحث گذشته ملاحظه نمودیم که شریعت اسلامی سالانه (۲،۵۲) زکات را بر مالکین نصاب طلا و نقره با شرایط خاصی فرض گردانیده است تا از مجرای آن نفس ها و مالهای شان را تزکیه و پاک نماید. قشر تجار و پیشه وران آزاد بیشتر از همه نیاز بتطهیر و تزکیه دارند، زیرا آنها در اغلب اوقات

^{۹۰} همان، ج: ۱، ص: ۳۳۱

^{۹۱} فقه الزکات، ج: ۱، ص ۴۱

^{۹۲} البقره/۲۶۷

^{۹۳} ابن قدامه، المغنی، ج: ۲، ص: ۲۳۹

در معرض شبهات قرار میگیرند و تعامل در بازارها غالباً خالی از تخلفات شرعی نمی باشد، گرچند تعدادی پیدا خواهد شد که به اصول و ضوابط دینی پابند می باشند، اما بیشتری از افراد باطبیاع انسانی شان نا آگاهانه و غیر ارادی مرتکب بعضی از تخلفات شرعی می شوند، یگانه راه تزکیه از این تخطی های غیر عمدی همانا زکات است چنانچه رسول الله میفرماید { يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ الْبَيْعَ يَحْضُرُهُ اللُّغُؤُ وَالْحَلْفُ فَتَوْبُوهُ بِالصَّدَقَةِ }.^{۹۴} (ای قشر تاجران، در خرید و فروش غالباً کلمات ناسزا و قسم ناحق عارض میگردد پس لازم است آن را بصدقه مختلط نمائید.) جای تعجب نیست که دین اسلام زکات را بر اموال التجارت در کنار زکات اموال دیگر، طلا و نقره فرض نماید، تا اهداف مقدس زکات در جامعه برآورده گردد، بناءً تعدادی از علمای ظاهری چون: ابن حزم و برخی از علمای متأخرین اهل سنت و جوب زکات در اموال التجارت را با دلائلی از قرآن کریم و سنت نبوی و اجماع صحابه (رضی الله عنهم) و تابعین و قیاس بطور ذیل ثابت نموده اند:

اما دلیل شان از قرآن کریم، قال تعالی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخَذَ رَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ.^{۹۵} (ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید). مفسرین مطلب آیت را در مورد اموال التجارت تفسیر نموده اند.^{۹۶} نیز حدیثی که ابو داود از سمره بن جندب روایت نموده که گفت: {رسول الله ما را به پرداختن زکات اموالی امر میکرد که بخاطر خرید و فروش گرفته میشد.^{۹۷}

دلایل زیادی از احادیث نبوی و اقوال صحابه (رضی الله عنهم) در مورد فرضیت زکات در اموال تجارت آورده اند. و همچنان جمهور فقها استدلال نموده اند، که اگر زکات در اموال التجارت فرض نباشد به همه ثروتمندان راه گریز از زکات باز گردیده پولهایشان را صرف تجارت نموده فقرا و مساکین را از حقوق شان محروم میسازند. خلاصه اینکه اگر بنظر وسیع تر در حکمت و اهداف زکات توجه شود بخوبی در خواهم یافت، که فرضیت زکات در اموال التجارت، از موارد مهم زکات است، زیرا که الله تعالی زکات را بر اموال ثروتمندان بخاطر مواسات فقرا فرض گردانیده و بزرگترین ثروت ملتها در هر عصر و زمان، اموالی است که در اختیار تاجران قرار دارد.

^{۹۴} أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني، سنن ابو داود، ج:

^{۹۵} البقره/۲۶۷. ۹۴

^{۹۶} ، تحقيق: سامي بن محمد سلامة، دار طيبة ۶۹۷، ص: ۱ أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي. تفسير ابن كثير. ج: - ۹۵ للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م

^{۹۷} ۹۶- سنن الترمذی، ج: ۳، ص: ۱۰۴.

کیفیت زکات در اموال تجارت: جمهور فقها میگویند: کسیکه از مال تجارت به قدر نصاب مالک شود و ثابت باشد که آن را به نیت تجارت خریده است و حوالان حول هم شده باشد، ربع عشر (۲،۵٪) بالای زکات فرض می‌گردد.^{۹۸}

آیا در وسایلی که تاجر از آن در تجارتش کار می‌گیرد، زکات واجب است؟: اصولاً در مسئله زکات اموال (التجارت، رأس المال) سرمایه است که در جریان خرید و فروش متداول تاجران قرار دارد و زکات نیز در همین نوع مالها واجب می‌گردد، اما در منازل مسکونی، دکاکین و وسایلی که بخاطر کار گرفتن امور تجارت شخص خریداری شده باشد و در معرض خرید و فروش قرار نگیرد شامل زکات مفروضه نمی‌گردد، اما اگر این وسایل همراه با اموال تجارتي خرید و فروش شود در زمره مالهای زکات داخل می‌گردد.^{۹۹}

چنانچه که گفته شد، مقدار زکات مفروضه در اموال التجارت، ربع عشر (۲،۵٪) است. زکات اموال تجارتي چگونه ادا شود؟ از جنس مال تجارتي و يا از قيمت آن؟ صحيح آن است که زکات اموال تجارتي از قيمت آن داده شود. نه از عين و جنس مال، و دليل آن حديث ذيل است: عن أبي عمرو بن حماس عن أبيه قال: {أمرني عمر، فقال: أَدْ زَكَاةَ مَالِكَ . فقلتُ : مَا لِي إِلاَّ جَعَابٌ و أُدْمٌ . فقال قومها ثمَّ أَدْ زَكَاةَهَا} .^{۱۰۰} از ابی عمرو بن حماس روایت است که او از پدرش روایت کرده که گفت: (مرا عمر هدایت داده گفت: زکات مالت را بپرداز، من گفتم: من بجز از تیردانها و مقداری از پوست چیزی دیگری ندارم، او برایم گفت: آنها را قیمت گذاری نموده زکاتش را بپرداز).

شیخ البانی میگوید: سند حدیث هذا ضعيف است، چون أبو عمرو بن حماس مجهول گفته شده، طوری که ذهبی در المیزان گفته است.^{۱۰۱}

^{۹۸} بدائع الصنائع. ج: ۲، ص: ۱۱-۱۲

^{۹۹} فتح القدير: ج: ۱، ص: ۵۲۷

^{۱۰۰} علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، بكرى حيانى - صفوة السقا، مؤسسة الرسالة بعة: الطبعة الخامسة، ۱۴۰۱هـ/۱۹۸۱م، ج: ۶، ص: ۵۳۴.

^{۱۰۱} إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل ج: ۳، ص: ۳۱۱

مطلب چهارم : زکات محصولات زراعتی و میوه جات:

دلایل وجوب زکات محصولات زراعتی:

الله تعالی میفرماید: ۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۱۰۲ ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم ، انفاق کنید. درآیه دیگر می فرماید: وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُدْتَلِفًا أُكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُّوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۱۰۳ (و اوست کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست و خرماين و کشتزار با میوه های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حق {بینوایان از} آن را روز بهره برداری از آن بدهید و {لی} زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد). پیغمبر میفرماید: {فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْأَنْهَارُ وَالْعَيْوُنُ أَوْ كَانَ بَعْلًا الْعُشْرُ وَفِيمَا سَقَى بِالسَّوَانِي أَوْ النَّضْحُ نَصْفُ الْعُشْرِ} ۱۰۴ (هر زراعتی که با استفاده از آب باران و نهر ها و آب چشمه ها آبیاری شود و یا للمه یی باشد، زکات آن به حساب عشر (۱۰٪) است، اما اگر زراعتی که توسط شتر آبیاری شده و یا آنرا بادست آب پاشی کنند، زکات آن نصف عشر (۱۰٪) لازم میگردد).

شیخ البانی میگوید این حدیث صحیح است، حدیث شماره (۴۲۷۰) در صحیح الجامع دیده شود. ۱۰۵ وجوب زکات محصولات زراعتی و میوه جات علاوه بر آیات قرآن کریم و احادیث نبوی به اجماع امت نیز ثابت شده است.

شرطهای زکات در محصولات زراعتی و میوه جات از نظر فقهاء: فقهای اسلام علاوه بر شرطهای عمومی زکات که در اول این فصل ذکر شد شرطهای مخصوصی را در مورد وجوب زکات محصولات زراعتی و میوه جات اضافه نموده اند البته این شرطها از یک مذهب تا مذهب دیگر فرق میکند.

الف: مذهب حنفی ها: آنها سه شرط را علاوه میکنند.

۱- باید زمین عشری باشد و در زمین خراجی زکات فرض نمی گردد.

۱۰۲ البقره/۲۶۷

۱۰۳ ۱۰۲- الانعام/۱۴۱.

۱۰۴ نیل الاوطار، ج: ۴، ص: ۱۴۹.

۱۰۵- صحیح وضعیف الجامع الصغیر وزیادته، ج: ۱، ص: ۷۷۲

۲- موجودیت محصولاتی که از زمین میروید و اگر زمین حاصل خیز نباشد زکات بر مالکش فرض نمی شود، چون زکات بر محصول زمین است.

۳- چیزی که از زمین میروید باید دانسته شود که به مقصد زراعت و نموی زمین کشت شده است یا خیر، بناءً نزد آنها زکات بر هیزم درخت میوه، نی و غیره واجب نمی باشد، چون هیچگاه زمین با زرع و کشت چنین اشیا نمو نمی کند بلکه زمین را آلوده میسازد، اما اگر زمینی در کشت اشیا مذکور تخصیص داده شود، زکات لازم میگردد، چون عدم وجوب زکات در خود روی آنها است. امام ابوحنیفه (رحمه الله) نصاب را در زکات زراعت شرط نمیداند بلکه در همه اشیا کم و بیشی که از زمین میروید عشر و یا نصف عشر را در آنها لازم میداند اما صاحبین میگویند: زکات در چیزی واجب است که صفت بقاء و نگهداری را داشته و به نصاب رسیده باشد، از نظر ایشان در سبزیجات و میوه های که خشک نمی شود زکات واجب نیست.^{۱۰۶}

ب: مذهب امام مالک (رحمه الله): علاوه بر شرط های عمومی زکات دو شرط دیگر را اضافه میکنند.

۱- محصولات زراعت و میوه جات باید از جنس حبوبات باشد مانند خرما، کشمش زیتون و غیره. بنا براین آنها زکات را در سیب، انار، و سبزیجات فرض نمی دانند و زکات را در چیزهای از محصولات زراعتی فرض میدانند که خصوصیت خشک شدن و ذخیره شدن را داشته باشد چون: گندم، جو، جواری، برینج و غیره.

۲- باید محصولات زراعتی به نصاب رسیده باشد، طوریکه گفته شد نصاب آن پنج اوسق است، که مساوی با ۶۵۳ کیلو میشود و یک وسیق ۶۰ صاع و یک صاع چهار مد (دو کف دست یکجا شده شکل کاسه را تشکیل دهد) از مد پیغمبر^{۱۰۷}

ج- مذهب امام شافعی (رحمه الله): در دو شرط با مالکی ها موافق بوده یک شرط دیگر را به آن اضافه میکنند: و آن اینکه باید زمین مزروع مملوک شخص معین باشد بنا براین آنها در محصولات زمین موقوف به مساجد و در محصولات خرما صحرای زکات را واجب نمی دانند، چون این نوع زمین ها مالک مشخص ندارند.^{۱۰۸}

^{۱۰۶} فتح اقدیر، ج: ۲، ص: ۲-۵، البدایع، ج: ۲، ص: ۵۷-۶۲

^{۱۰۷} أحمد بن محمد بن أحمد العدوی، أبو البرکات الدردیر. الشرح الصغیر علی اقرب المسالک. ج: ۱، ص: ۶۰۸

^{۱۰۸} - مغنی المحتاج، ج: ۱، ص: ۳۸۱

۱- اشیای کیلی(پیمانہ) باشد، صفات ذخیره، بقا و خشک شدن را داشته باشد و از جمله حبوبات و میوه جاتی باشد که غالباً مردم آن را جهت استفاده، کشت نمایند، بناءً از نظر حنبلی ها، در میوه جاتی که قابلیت ادخار و بقا را نداشته باشد، زکات لازم نمی شود مانند: شفتالو سیب و غیره، چنانچه در سبزیجات مانند بادرنگ، بادنجان و غیره زکات را واجب نمی دانند.

۲- رسیدن به نصاب، باید محصول زراعت بعد از تصفیه مصارف به پنج وسق برسد، در غیر آن زکات لازم نیست.

۳- ملکیت محصولات زراعتی از شخص آزاد و مسلمان در وقت وجوب زکات باشد، البته وقت وجوب زکات زمان پخته شدن و سخت شدن میوه است.^{۱۰۹} قول راجح: دیدگاه امام ابوحنیفه(رحمه الله) با وسعت نظری که در رابطه به وجوب زکات در محصولات زراعتی و میوه جات دارد، قول راجح بنظر می رسد، چون عموم نصوص قرآن و سنت، مصالح شریعت اسلامی و حکمت های تشریح زکات آن را تأیید مینماید، از حکمت بعید خواهد بود که بر زارعین گندم وجو زکات فرض باشد، اما مالکین باغهای سیب، انگور و مالت و غیره معاف شوند و این

نوعی از محروم ساختن فقرا از بخش عمده حقوق شان و کاستن موارد بیت المال زکات بحساب می رود. بدین ملحوظ نظر امام ابوحنیفه (رحمه الله) که در مورد میگوید: هرآن چیزی را که الله تعالی از زمین میرویند و مقصد از زرع آن نمو و ترقی زمین باشد و عادتاً از آن منفعت برده شود زکات در آن فرض است، قول راجح است و این گزینه سبب تقویه بیت المال زکات و رفع مستوای معیشت فقرا می گردد.

دوکتور یوسف قرضاوی نیز مذهب امام ابوحنیفه(رحمه الله) را در این رابطه ترجیح داده است. ابن العربی فقیه مالکی در احکام القرآن مذهب ابی حنیفه(رحمه الله) را تأیید میکند و در شرح ترمذی می نویسد: قوی ترین مذهب در این مسئله از روی دلیل و مصالح مساکین و ادای شکر نعمت، مذهب ابو حنیفه است.^{۱۱۰}

زکات زمین های خراجی: معمولاً زمین ها بر دو نوع است زمین عشری و زمین خراجی.

۱- زمین های عشری زمین های است که اهالی آن به اختیار خویش اسلام آورده باشند، یا زمین های که مسلمانها بقوت و جنگ آن را فتح نموده میان فاتحین تقسیم شده باشد و نیز زمین های

^{۱۰۹} کشف اقناع، ج: ۲، ص: ۲۴۲، ۲۳۹
^{۱۱۰} فقه الزکات، ج: ۱، ص: ۳۶۰، ۳۵۵

بایر و لا مزروعی که مسلمانها آن را به اذن امام احیا و صالح الزراعه ساخته باشند.^{۱۱۱}

۲- زمین های خراجی: زمین های است که در نتیجه جنگ های مسلحانه فتح شده سپس امام این زمین ها را در اختیار اهالی منطقه گذاشته و در مقابل بر افرادی که مسلمان نشده اند جزیه و بر زمین های شان خواه مسلمان شده باشند یا نشده باشند، خراج وضع می نمود. نمونه این زمین ها زمین های سواد عراق، شام و مصر است.^{۱۱۲}

در رابطه به وجوب زکات در زمینهای خراجی، از دانشمندان فقه اسلامی دو قول روایت شده است:

۱- مذهب حنفی: عشر و خراج هر دو در یک زمین جمع نمی شود، در زمین خراجی تنها خراج واجب است نه عشر.^{۱۱۳}

۲- جمهور (مالک، شافعی، وحنبلی): در زمین خراجی عشر و خراج هر دو واجب است، استدلال مذاهب در مورد طولانی بوده، تفصیلات موضوع در کتب فقهی مراجعه شود.^{۱۱۴}

محققین معاصر، چون: وهبة الزحیلی، یوسف القرضاوی و سید سابق در نوشته های خویش مذهب جمهور را ترجیح داده اند.^{۱۱۵}

زمین های افغانستان عشری است یا خراجی؟: تحقیق در مورد اینکه زمین های کشور ما (افغانستان امروزی) عشری است یا خراجی، بر می گردد به بررسی در مورد شیوه فتح این سرزمین در هنگام دخول دین اسلام، زیرا شریعت اسلامی تعیین عشر را بر زمین های عشری، و تعیین خراج را بر زمین های خراجی، از لحاظ شیوه فتح سرزمین انتخاب می کند. از اینکه پیگیری و تحقیق شیوه دخول مردم این سرزمین به اسلام و یا فتح آن چگونه بوده، یک بحث تاریخی و خیلی طولانی است، اما بطور خلاصه میتوان گفت که افغانستان (خراسان آن روزگار) یک بار به یکسره گی فتح نشده و بطور کامل در گرو اسلام به یکبارگی نیامده است، برخی مناطق کشور به جنگ و زور و برخی دیگری بدون جنگ و زور مسلمان شده و سرزمین شان فتح گردیده است. لذا امام ابو یوسف (رحمه الله) نیز در مورد خراجی بودن و یا عشری بودن زمین های خراسان آن وقت (افغانستان امروزی) یکسره حکم قطعی ننموده میفرماید: { وَأَمَّا أَرْضُ الْبَصْرَةِ وَخُرَّاسَانَ فَإِنَّهُمَا عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ السَّوَادِ مَا افْتَتِحَ مِنْ ذَلِكَ عُنْوَةً؛ فَهُوَ أَرْضٌ خَرَجٌ وَمَا صَلُوحٌ عَلَيْهِ أَهْلُهُ فَعَلَى مَا صَوْلِحُوا

^{۱۱۱} أبو عُبَيْد، القاسم بن سلام بن عبد الله الهروي البغدادي. الأموال. ص ۶۸-۶۹، دار الفكر، بيروت

^{۱۱۲} الأموال. ص: ۱۰۰-۱۰۱

^{۱۱۳} فتح القدير ج: ۴، ص: ۳۶۵

^{۱۱۴} المغنى ج: ۲، ص: ۷۲، الشرح الصغير ج: ۱، ص: ۶۰۹، المهذب ج: ۱، ص: ۱۵۷.

^{۱۱۵} فقه الزکات ج: ۱، ص: ۴۱۱-۴۱۷، فقه الاسلامی و ادلته ج: ۲، ص: ۸۲۳-۸۲۵، فقه السنه ج: ۱، ص: ۳۱۲-۳۱۵.

عَلَيْهِ وَلَا يُزَادُ عَلَيْهِمْ وَمَا أَسْلَمَ عَلَيْهِ أَهْلُهُ فَهُوَ وَعَشْرٌ، وَلَسْتُ أَفْرُقُ بَيْنَ السَّوَادِ وَبَيْنَ هَذِهِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرَهَا؛ وَلَكِنْ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا سُنَّةٌ وَأَمْضَى ذَلِكَ مَنْ كَانَ مِنَ الْخُلَفَاءِ فَرَأَيْتُ أَنْ تُقَرَّهَا عَلَى حَالِهَا؛ وَذَلِكَ الْأَمْرُ وَعَلَيْهِ الْعَمَلُ^{۱۱۶} (اما زمین های بصره و خراسان نزد من به منزله زمین سواد عراق است، قسمت های که به زور فتح گردیده، بر آن خراج جاری می گردد، و زمین های که در مورد آن مصالحه شده است، طبق شرایط صلح در آن عمل می شود، زیاده بر آن تحمیل نمی گردد، و بر سرزمین های که اهالی آن اسلام آورده اند، عشر تطبیق می گردد. من بین حکم این اراضی و اراضی سواد عراق فرقی نمی بینم و تعامل خلفا بر همین امر جاری بوده و من آن را تأیید نموده و به حالش میگذارم؛ فیصله همین است و عمل بر آن جریان دارد.)

پس در مجموع میتوان گفت که قسمتی از زمین های افغانستان خراجی و قسمت دیگری عشری است.

مبحث سوم عشر :

مطلب اول تعریف عشر : عشر به معنی یک دهم نام یک عبارت و وظیفه مخصوص بندگان است که از ما حاصل زراعت و از تمامی چیزهایی که از زمین رنیده و بدست میاید پرداخت میشود اگر زراعت به صورت دهم بوده فقط با آب باران و یا با آب سیل بدون نصب موتور و پمپ به خودی خود آبیاری شود، یک دهم (عشر) واجب شده و اگر با آب چاه و بوسیله نصب موتور پمپ آبیاری شود، در اینصورت نصف عشر (یک سیستم) واجب میگردد.

عشریکه در حاصلات داده می شود آن دوصورت دارد در یک صورت حصه دهم تمام حاصلات را دادن ضرور میباشد و در صورت دوم حصه بیستم تمام حاصلات (نیم عشر) دادن ضروری می باشد.^{۱۱۷}

اگر این پیدا و ار یا حاصلات بدون آبیاری باشد با آب باران و یا بدون آب بدست آمده باشد مثلاً شالی باجری، جواری باریک و یا فصل های خزانی دیگر و یا حاصلات لب دریا یا ساحلی باشد و یا میوه های داغ و غیره مثلاً ام، امرود، کوپره و غیره باشد پس در تمام این حصه دهم عشر می باشد و ادا کردن آن فرض می باشد در ده من یک در ده کیلو یک کیلو در ده دانه میوه یکدانه میوه می باشد و یا باغیکه به هر قیمت فروخته شود حصه دهم قیمت آن .

مطلب دوم اهمیت و فلسفه عشر : هر قدریکه حاصلاتی که بدست آید پس بر تمام حاصلات عشر یا نیم عشر واجب آید مزد قلبه گاوها آبیاری مزدور، تخم و غیره را ازان جدا نباید ساخت مثلاً اگر در یک کردی ده من حاصلات بدهد پس این طور نباید کرد که پنج می آنرا برای مصرف یک قلبه و مزدور و مصرف تخم آن بکشد و پنج من آنرا عشر بدهد بلکه عشر تمام ده من را باید بدهد.

در کدام حاصلاتی که عشر دادن واجب می باشد قبل از استعمال آن باید عشر آن کشیده شود اگر بدون عشر آنرا استعمال می کند برای آنها جایز می باشد البته اگر اراده دادن آنرا داشته باشد پس استعمال کردنش ناجایز نمی باشد اگر حکومت اسلامی باشد پس از او جرمانه یعنی به اندازه عشر پول گرفته شود.

^{۱۱۶} کتاب الخراج. ص: ۷۲

^{۱۱۷} واعظ هروی ، عطا الله بن حسام، مختار نامه ، ص: ۳۱۵۴

از آن جهت از اهمیت فروان برخوردار است .

فلسفه عشر . اگر کسی زمین اش را قبل از دور کردن ویا باغش را قبل از میوه چینی بفروشد پس در این دو صورت دارد ۱- آنکه اگر از فصلش یا حاصلاتش را قبل از پخته شدن فروخته باشد پس عشر آن بالای خریدار می باشد ۲- این است که اگر گشت ویا میوه اش پخته شده بود و تیار بود آگ در آن وقت بفروشد پس عشر آن بالای فروشنده می باشد.

حاصلات هر قسمیکه باشد بهمان ترتیب دادن عشر آن نیز لازم است نه آنکه در یک کرد که حاصلات خوب باشد ویا در کدام درخت ایکه میوه بهتر داشته باشد و آنرا برای استعمال خانه خود بگذارد و جنس خراب را در عشر وقف کند به اندازه توان و قدرت چیزی خوب باید در عشر داده شود و این طور نمی باشد پس خوب خراب را یکجا باید بدهد در آیت قرآن کریم « وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَيْثُ مِنْهُ تُنْفِقُونَ » به این طرف اشاره شده است.

مطلب سوم دیگاه های فقهی در مورد عشر: برای عشر نصابی تعیین نیست بلکه چیزی که حاصل شود و هر اندازه که باشد از آن باید عشر کشیده شود در آن سپری شدن سال نیز شرط نیست بلکه به مجردیکه جنس حاصل شود پس قبل از استعمال آن عشرش باید کشیده شود. اگر در یک کرد دوباره حاصلات می شود پس دوباره باید عشر آن کشیده شود اگر اضافه از آن باشد باید اضافه کشیده شود یا ادا شود.

در این هم شرط نیست که اشیاء تا یک سال باقی بماند مثلا سبزیجات و غیره این مسلک امام ابو حنیفه می باشد در باره سبزیجات یک حدیث است که در این عشر نیست به این لحاظ دو شاگرد مشهور امام ابو حنیفه امام ابو یوسف و امام محمد رای دارند که سبزیجات باید زکات گرفته نشود و رای امامان دیگر نیز همین است لیکن فقهای عام رای امام صاحب را به این خاطر ترجیح می دهند که در حدیث موجود است که هر چیزی که از زمین حاصل میشود در آن صدقه می باشد.

« فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَالْعَيُونَ فَكَانَ عَشْرًا يَا وَفِيمَا سَقَى بِالنَّفْحِ نِصْفَ الْعَشْرِ »^{۱۱۸} و غیره چون این یک حکم عام میباشد زیرا امام صاحب می فرماید که به این ترجیح لازم است زیرا راقم این صورت را اختیار نمود اما براین پافشاری و نکننده آنرا ملامت ساختن درست نیست به این سبب این فعل نیز برخلاف سنت نمی باشد البته در باره سبزیجات کدام حدیثی که « لیس فی خضر اوات صدقه » یا بامفهوم آن احادیث دیگر اند آنرا تمام محدثین ضعیف گشتانده اند و از حدیث ضعیف تخصیص کردن یک حدیث عام درست نیست.

^{۱۱۸} بخاری ، ابو داود و برمدی

مسلک امام ابو حنیفه است که هر اندازه که از زمین حاصل شود در آن عشر می باشد در مسلک اما هر دو شاگرد امام صاحب امام ابویوسف و امام محمد و امام شافعی و امام احمد و غیره احتیاط زیاد است به این فقها این را اختیار نموده اند وزن پنج سقه به سیر، یعنی برابر یا هشتاد ۸۰ توله سیر ۳۵ بیست و پنج من و پاو کم نیست و چهارم سیر ساخته می شود مسلک امام ابوحنیفه مطابق حدیث نیز می باشد و در این پهلوی تقوی نیز می باشد و برای فقرا فایده نیز می باشد اما اگر کسی بر مسلک دیگر عمل می کند پس آن نیز خلاف سنت نمی باشد.

مطابق مسلک صاحبان و اما شافعی صرف در آن چیزها عشر می باشد که تا یکسال باقی بماند و مانده بتواند و از پنج سقه زیاد باشد.

در این شرط بالغ و عاقل نیز نیست اگر کسی طفل و یا دیوانه باشد و در کرد و باغ آن چیزی حاصل می شود از آن نیز زکات گرفته می شود.

مالک بودن زمین نیز شرط نیست اگر کسی زمین کسی را به اجاره می گیرد آنرا کشت می کند و یا باغ یک قسم میوه را الی وقت میوه آن گرفته باشد پس در صورت او باید عشر آنرا ادا نماید مثلا اگر یک مسلمان باغ دارد باید عشر آنرا بدهد و ضروری می باشد.^{۱۹۲}

مطلب چهارم انواع عشر : عشر در عموم بر دو نوع است یکی از ده من یک و دوم از بیست هم من یک. اگر این پیداوار یا حاصلات بدون آبیاری باشد با آب باران و یا بدون آب بدست آمده باشد مثلا شالی باجری، جواری باریک و یا فصل های جزانی دیگر و یا حاصلات لب دریا یا ساحلی باشد و یا میوه های باغ و غیره مثلا ام، امرود، کوبره و غیره باشد پس در تمام این حصه دهم یا عشر میباشد و ادا کردن آن فرض است یعنی در ده من یک من در ده کیلو یک کیلو در ده دانه یک دانه میوه یک دانه میوه میباشد.

دوم از بیست حصه یک حصه : اگر این حاصلات ذریعه آبیاری باشد مثلا از حوض و یا چاه و یا تیویل و یا از نهر ها به قیمت آب خریداری شود و به آن زمین و یا باغ آبیاری می شود پس در تمام این صورت ها حصه بیستم یا نیم عشر باید ادا شود و فرض می باشد یعنی در بیست من یک من در بیست کیلو یک کیلو مثلا جای که فصل یا حاصلات تا بستانی مانند جو گندم و غیره ذریعه آبیاری بدست آمده و یا کدام سبزیجات و میوه جاتیکه بذریعه آبیاری بدست می آید یا می روید پس در تمام اینها حصه بیستم می باشد اما اگر برای آبیاری از یک حصه دریا یا آب چشمه بذریعه جویبار ها الی کردها رسانده می شود و بر آن زحمت و پول مصرف نشده باشد یا نمی شود پس در آن باید دهم حصه را باید بدهد نه بیستم حصه جاتیکه این هر دو

^{۱۹۲} بخاری، ص ۳۱

صورت یکجا شوند یعنی یک فصل یا حاصلات طوری باشد که آبیاری آن نیز شده باشد و آب با آن نیز
برایش فایده رسانده باشد پس آن سه صورت را دارا می باشد.^{۱۴۳}

مطلب پنجم نقش عشر در بیت المال : از آنجاییکه عشر در کشور های اسلامی از اهمیت فروان برخوردار
است دریافت عشر و زکات از دهاقین در کشور باعث تقویت اقتصاد یک کشور می گردد و باعث افزایش
بیت المال می گردد باعث کاهش فقر کاهش فساد اخلاقی ، فساد اداری و اجتماعی می گردد در زمانی عمر
بن عبدالعزیز زکات و عشر را جمع آوری می کردند حتی بیت المال به حدی زیاد شده بود که تمام
مصارف ازدواج جوانان آن زمان از بیت المال گردید و غریب در آن زمان پیدا نمی شد که صدقه را
بگیرد.

مبحث چهارم خراج :

مطلب اول تعریف خراج «خراج» در اصطلاح فقهی عبارت است از مال الاجاره ای که حاکم اسلامی از
طریق اجاره دادن اراضی مفتوح حصول میکند. سر زمین خیبر از این قبیل است که پیامبر اکرم (صلی
الله علیه وسلم) بعد از فتح و رفتن آن از دست یهودیان ساکن در سال ۷ هجری بنا بر پیشنهاد یهودیان آن
سرزمین را در اختیار یهودیان قرار داد و در عوض، آن ها می باید نیمی از در آمد حاصل از زمین ها
و باغ های آن سالانه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) بپردازند.^{۱۴۴}

«عبدالله رواحه» که بعد ها در جنگ موته به شهادت رسید، هر سال از طرف پیامبر اکرم (صلی الله علیه
وسلم) برای ارزیابی محصول خیبر و تنصیف آن، به آن جاسفر میکرد و او پس از تخمین محصول، سهمیه
ی مسلمانان را جدا و به مدینه انتقال میداد.

مطلب دوم هدف خراج : در مقابل زمین مفتوح، زمین های طوع یا فیء است زمین های است که بدون
آن که جنگی در گرفته باشد ساکنان کافر آن زمین ها، را رها کرده و یا به میل خود در اختیار مسلمانان
قرار داده باشند. این سرزمین ها جزر «انفال» و در اختیار امام مسلمین است. زمین های قبیله ای یهودی
بنی نضیر که بدون جنگ با مسلمین و از ترس آنان به دست مسلمانان افتاده از این قبیل است که طبق آیه
قرآن کریم تعلق به شخص پیامبر است و او هر گونه صلاح بداند، در مصالح اسلام صرف کند

^{۱۴۳} ۱۹۴ تیم فترس ، تجکی/ (۱۴۰۴). معجم مقلتیس اللغه ، جلد اول . تهران : ناشر: انتشارات دفتر: تبلیغاتی اسلامی حوزه عملیه قم ص ۴۲۴

الله متعال در آیه مبارکه چنین میفرماید: «وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۱۲۰}

و آنچه را خدا از آنان [یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید،) نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز توانا است!

« مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ »^{۱۲۲}

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خود داری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

مطلب سوم انواع خراج :

گرد آوری اموال بیت المال:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) با تدابیر خاص و مدیریت شایسته ای خود، از راه های مختلف به جمع آوری استصال اموال بیت المال از منابع آن اقدام میکرد که از جمله ی این راه ها، تشویش مردم به رعایت حقوق بیت المال و ادای حقوق آن و نصب شود از لایق و کار آمده بوده است و علاوه بر آن عاملان فراوانی از انصار و مهاجران برای جمع آوری زکات، خمس، خراج و جزیه ای بلاد مختلف گسیل می داشت؛ مثل علی (رضی الله عنه) که به سوی نجران، علاء بن حضرمی به بحرین، زیادبن لیبد به حضر موت، ابن ابی امیه به صنعا، مالک بن نویره به بنی حنظله، باران به یمن، عدی بن حاتم به طی و بنی اسد، خالد بن سعید به صنعا، مهاجرین امیه به کنده، ابوموسی اشعری به زبید و عدن و ساحل و.... گسیل داشت.^{۱۲۳}

که به آن ها مستوفی نیز می گفتند.

^{۱۲۱} سوره الحشر آیه ۶

^{۱۲۲} سوره الحشر آیه ۷

^{۱۲۳} ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴). لسان العرب، جلد چهاردهم. لبنان: الانتشارات دارالفکر- دارالصادر. ص ۳۴۰

آن حضرت علاوه بر ارسال کار گزاران برای جمع آوری اموال مردم را نیز تشویق می کرد تا به آن ها همکاری داشته باشند. و در بسیاری از موارد خود مردم را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) تحویل می دادند.

بله گاهی صلاح مسلمانان در آن بود که بعد از خروج از میدان جنگ و در محل دیگر، غنیمت ها را تقسیم کنند. نونه اش جنگ بدر است که آن حضرت با نخستین اختلاف یاران خود در نحوه ای تقسیم غنیمت ها روبه رو گردید، چرا که هر کسی خود را سزاوار تر از دیگری می دانست، کسانی گه از جان رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) حفاظت کرده بودند عمل خود را مهم تر از عمل دیگری می دانستند. و کسانی که در میدان جنگ بودند خود را بر دیگران در استحقاق غنیمت ها مقدم می پنداشتند. در این وقت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) برای رفع اختلاف و عدم دو دستی تمام غنیمت ها را به عبدالله بن کعب سپرد و عده ای را امور نگهداری و حمل و نقل آن اموال نمود تا اینکه در نزدیکی مدینه آنها را به طور مساوی بین رزمندگان تقسیم کرد.

آخرین پولی که به دست آن حضرت رسید ۸۰۰۰۰۰ درهم بود که از بحرین برای ایشان آوردند و آن حضرت از جای برخاست تا این که همه آن اموال را بین مسلمانان تقسیم کرد.^{۱۱۴}

مساوات در تقسیم:

آن حضرت در تقسیم غنیمت ها و سایر اموال بیت المال قانون عدل و انصاف را رعایت می کرد و به همه مردم به طور یکسان سهم میداد ؛ امتیازات شخصی، قبیله ای سنی، سبقت در قبول اسلام، شرکت در جنگ بدر، سفید و سیاه، آزاد و برده و امثال آنها را در کسب و سهم از اموال بیت المال، دخالت نمی داد.^{۱۱۴}

بدین وسیله دیدگاه طبقاتی و مناسبات ستم گرانه ی برخاسته از آن را باطل اعلام کرد و انسان ها را کنار هم و در صف مهتد قرار داد

سعد بن ابی وقاص در تقسیم غنایم به رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) اعتراض کرد و گفت: آیا مرا که از اشراف بنی زهره ام، با این آب کشها و باغبان های یثرب، یکسان می بینی؟ آن حضرت از شنیدن این سخن سخت آزرده گردید و فرمود: هدف من از این جنگ حمایت از بیچاره گان در برابر زورمندان است. من برای این برانگیخته شدم که تمام تبعیضات و امتیازات موهوم را ریشه کن سازم و تساوی در برابر حقوق را، در میان مردم جای گزین آن نمایم.^{۱۱۴}

^{۱۱۴} ابن تیمیه ، احمد بن عبدالحلیم ، احمد. (۱۴۲۵). السیاسه المالیه فی اسلام. بیروت: انتشارات: انتشارات فی مکتبه السلامی. ص ۶۵۸

^{۱۱۵} الزاهد، احمد. (۱۴۰۵). التاریخ الاسلامی. بیرون: ناشر مکتبه احفانیه. ص ۲۳۴

^{۱۱۶} ابن تیمیه ، احمد بن عبدالحلیم ، احمد. (۱۴۲۵). السیاسه المالیه فی اسلام. بیروت: انتشارات: انتشارات فی مکتبه السلامی. ص ۶۵۸

مطلب چهارم نقش خراج در بیت المال :

ابلاغ:

آن حضرت برای آن که مردم حقوق بیت المال را رعایت کنند آنان را با وظایف خود در خصوص بیت المال آشنا میکرد. گاه اصل حکم شرعی را ابلاغ میکرد و گاه تفصیل و جزئیات حکم شرعی را بیان میکرد.^{۱۰۲}

و در بعضی اوقات با نامه نگاری به تعلیم احکام و وظائف مردم نسبت به بیت المال می پرداخت، مثل ارسال نامه به سوی سعد هذیم - والی - جزام که در آن احکام زکات تشریح شده و مردم دستور داده شده است که زکات و خمس را به فرستاده آن حضرت تحویل دهند.^{۱۰۳}

تبشیر و انذار:

یکی دیگر از شیوه های آن حضرت در حفاظت از حریم بیت المال و احقاق حقوق آن، بشارت به ثواب و ذکر آثار خوب ادای حقوق بیت المال مثل خمس، زکات و امثال آن است و گاه انذار مسلمانان از تمرد و سرپیچی از انجام وظایف خود نسبت به حقوق بیت المال و ذکر آثار سوء عدم ادای حقوق آن است. رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بعد از فتح خیبر و بعد از جمع آوری غنیمت ها در نقطه ای خاصی، به یکی از رزمندگان دستور داد که بگو: بر هر مسلمانی که غنیمت به دست آورده و اگر چه نخ و سوزنی باشد باید آن را تحویل دهد زیرا خیانت، مایه ننگ در دنیاست و در روز قیامت آتش بر جانش میشود. روز حرکت از سرزمین خیبر ناگهان بر غلامی که مامور بستن کجاوه های رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بود تیری اصابت کرد و همان دم جان سپرد.^{۱۰۴}

ماموران به جستجو پرداختند، تحقیقات آن به جایی نرسید، همگی گفتند: بهشت بر تو گوارا باش. ولی رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: من با شما در این جریان هم عقیده نیستم، زیرا عبایی که بر تن اوست از غنیمت ها بوده و او آن را به خیانت برده و روز قیامت به صورت آتش او را احاطه خواهد کرد. در این لحظه یک نفر از سربازان رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) گفت: من دو بند کفش از غنیمت ها بدون اجازه برداشته ام. حضرت فرمود: آن را بر گردان و گرنه روز قیامت به صورت آتش در پای تو قرار میگیرد.

^{۱۰۲} جرجی، زیدان. (۱۳۶۹). تاریخ تمدن الاسلام، جلد اول، چاپ ششم، تهران: ناشر: انتشارات الاسلامی. ص ۳۸۴

^{۱۰۳} همان اثر. ص ۶۵۹

^{۱۰۴} قریشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲). فاموس القرآن. تهران جلد اول. چاپ ششم. ناشر " انتشارات دارالکتب الاسلامیه. ص ۱۷۲

فصل سوم

موارد بیت المال از غیر زکات

موارد بیت المال یک بحث خیلی واسیع میباشد زکات آن از جمله بحث خیلی پیچیده بوده، در بالا ذکر نمودیم، اینجا غیر از زکات موارد که مربوط بیت المال میشود به طور فشرده بحث خواهیم کرد. یکی از موارد دیگر بیت المال صدقات است که افراد ثروتمند مسلمان علاوه بر زکات و صدقات فرضی و لازمی که بر آنها واجب است بطور اختیاری بخاطر بدست آوردن رضای پروردگار و مصالح عامه می پردازند. یکی دیگر موارد بیت المال خمس است منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام غواصی غنیمت جنگی وزمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد، از مواردی است که خمس به آن تعلق میگیرد. یکی دیگر از موارد بیت المال عشر است یک دهم (عشر) واجب شده و اگر با آب چاه وبوسیله نصب موتور پمپ آبیاری شود، در اینصورت نصف عشر (یک سیستم) واجب میگردد. عشریکه در حاصلات داده می شود آن دوصورت دارد در یک صورت حصه دهم تمام حاصلات را دادن ضرور میباشد و در صورت دوم حصه بیستم تمام حاصلات (نیم عشر) دادن ضروری می باشد. یکی دیگر آن خراج است که «خراج» در اصطلاح فقهی عبارت است از مال الاجاره ای که حاکم اسلامی از طریق اجاره دادن اراضی مفتوح حصول میکند.

مبحث اول صدقه:

مطلب اول تعریف صدقه: مفهوم صدقه فطر: فطر در لغت بمعنی کشودن روزه و معنای صدقه فطر صدقه روزه کشودن میباشد.^{۱۳۰}

و در اصطلاح: عبارت از یک مقدار مالیست که شخص مسلمان در پایان روزه ماه رمضان هر سال می پردازد^{۱۳۱}.

صدقه فطر در سال دوم هجری هنگامیکه روزه بر مسلمانان فرض شد قبل از فرضیت زکات واجب گردیده است. هدف از صدقه فطر پاک گردانیدن روزه دار از اعمال بیهوده و حرفهای ناسزای است که

^{۱۳۰} محمد یوسف اصلاحت فقه آسان ج: ۲ ص: ۶۹

^{۱۳۱} در مان فق از نگاه قرآن، ص: ۵۰۰

در حین روزه مرتکب آن شده، و از جانب دیگر کمک به ناداران و رهائی آنان از ذلت و خواری و سوال کردن در روز عید است و از سوئی دیگر صدقه فطر یکی از منابع اکمال کننده بیت المال به شمار می‌رود زیرا که مسلمانان زمانیکه صدقات فطر شان را ادا میکنند بطور مستقیم و یا غیر مستقیم همه این صدقات مربوط به بیت المال می‌شود، صدقاتی را که فقرا دریافت میکنند و توسط آن ضروریات شان را رفع مینمایند در حقیقت حصه از مسؤلیت بیت المال ادا گردیده است. صدقه فطر بنام زکات فطر نیز یاد می‌شود، مانند آنکه زکات از فطرت یعنی خلقت باشد، پس وجوب آن به فطر تزکیه نفس و پاکی عمل آن است^{۱۳۲}.

مطلب دوم : دلیل وجوب صدقه فطر : دلیل وجوب آن حدیث است که کتب سته از عبدالله بن عمر (رض) روایت نموده آن رسول الله (ص) فرض زکات افطر من رمضان صاعاً من عراوصاعاً من شعیر علی کل خیر او عبد ذکر او انثی من المسلمین^{۱۳۳}.

(پیغمبر (ص) زکات فطر رمضان را یک صاع از خرما با یک صاع از جر بر هر شخص آزاد و غلام، زن و مرد مسلمان فرض گردانیده است).

اکثریت علمای سلف و خلف معنای فرض را لازم و واجب بودن معنا کرده اند لذا زکات فطر فرض و واجب است زیرا آن داخل این فرموده خداوند جل جلاله است (و آتو الزکاة)^{۱۳۴} و اینکه پیغمبر (ص) آن را بنام زکات یاد نموده است لذا در فرموده سابق الذکر خداوند جل جلاله داخل است و نیز پیغمبر (ص) لفظ (فرض) را استعمال کرد، غالباً استعمال این کلمه در شرع بمعنای واجب و لازم می‌آید و دلیل دیگر این است که پیوست بودن آن به حرف (علی) است که افاده وجوب را می‌کند در حدیث آمده است: علی کل حر أو عبد. برزمه هر فرد آزاد و غلام. و هم چنان در روایات صحیح راجع به آن به لفظ: (أمر رسول الله (ص) آمده که ظاهر امر نیز افاده وجوب را مینماید.^{۱۳۵} بنا بر دلایل فوق بر هر شخص مسلمان لازم است که صدقه فطر را از خود و از هر آن کسیکه نفقه اش به او واجب است بپردازد. حصه هر شخص را نیم صاع از گندم یا آرد آن. یا یک صاع از جو و یا آرد آن و یا یک صاع خرما و کشمش و یا قمیت آن بنا بر مصلحت فقیر بیرون آورد قیمت یک چیز حکم همان چیز را میگیرد. و شاید که قیمت برای فقیر مفید تر و برای غنی آسان تر می باشد افضلیت در آن چیزی است که واجب منفعت بیشتری برای فقیر گردد.^{۱۳۶}

^{۱۳۲} مرجع سابق، ص: ۵۰۰

^{۱۳۳} اشوکان-ذیل الاوطار- نقل از النفقات العامة فی الاسلام، ص: ۶۵.

^{۱۳۴} سورة البقرة آية ۱۱۰

^{۱۳۵} شرح نووی به صحیح مسلم نقل از در مان فقر از نگاه قرآن، ص: ۵۰۱

^{۱۳۶} بروایت ابو داود و حاکم و ابن ماجه و دار قطنی و بیهقی و مرقات و نصب الرایة نقل از درمان فق از نگاه قرآن، ص: ۵۰۲

از نظر جمهور پرداختن قیمت در بدل یکی از اجناس فوق جواز ندارد ولی قول را جمع مذهب احناف است که پرداختن قیمت را جواز می‌دهند. جمع آوری صدقه فطر در زمان پیغمبر(ص) و خلفای راشدین به جدیت انجام یافته حتی در زمان عمر بن عبدالعزیز(رح) صدقه فطر به تنهایی خود توانسته که فقرای مسلمانان را غنی سازد.^{۱۳۷} واقعاً اگر صدقه فطر در یک کشور اسلامی بطور منظم از جانب حکومت جمع آوری شود و از سوئی بیت المال عادلانه به مستحقین رسانیده شود حوائج بسیاری از افرادی ناتوان جامعه را بر آورده می‌سازد و بیت المال مسلمانان تقویه می‌گردد.

مطلب سوم - حکمت مشروعیت صدقه فطر: حکمت در وجوب صدقه فطر در روایتی که حضرت ابن عباس(رض) روایت نموده است واضح می‌گردد. ابن عباس گفت که (پیغمبر(ص)) زکات فطر را بخاطر پاک شدن روزه دار از سخنان بیهوده و ناسزا و طعام دادن به مسکینان فرض گردانیده کسیکه آن را قبل از نماز عید ادا کند بحیث صدقه فطر قبول میشود و کسیکه بعد از نماز آن را ادا کند مانند صدقات دیگر است.^{۱۳۸} از حدیث فوق دو حکمت بزرگ در صدقه فطر استفاده میشود. اول: آن است که به روزه دار مربوط میشود زیرا که روزه دار در جریان روزه سخنان بیهوده و اعمال ناشائسته را انجام داده باشد و صدقه فطر در پایان ماه رمضان بخاطر فرض گردید که آن بمتابه غسلیست که مسلمان خود را به آن از برخی اعمال ممنوعه که در اثنای روزه مرتکب شده است پاک میگرداند. و تغییرات خود را حفظ میکند زیرا اعمال نیک و خجسته بدی ها را از بین میبرد.

دوم: چیزیکه به جامعه مربوط میشود که سبب شادمانی و خوشی ناداران و مستمندان می‌گردد، عید روز مسرت و شادمانی است که باید همه افراد جامعه را فرا گیرد، فقیران و محتاجان جامعه هر گز خرسند نخواهند بود که ثروت مندان طعام های لذیذ بخورند و لباسها مزین و مرفه بپوشند اما آنها در حالت گرسنگی و برهنگی از عید استقبال کنند. پس حکمت پروردگار بآن بود که درین روز چیزی برای فقیران تعیین کنند که آنان را از خواری و ذلت گدائی دور سازد و این احساس را بر آنها ایجاد کند که جامعه راجع به آنها غفلت ننموده و در اوقات خوشی و سرور ایشان را فراموش نمیکند بهمین خاطر است که در حدیث آمده است:(درین روز آنها را از نیاز مندی نجات دهید و احتیاجات شان را پوره سازید.^{۱۳۹} شاه ولی الله محدث دهلوی (زاده ۱۱۱۴ قمری/ ۱۷۰۳ میلادی - درگذشته ۱۱۷۶ قمری/ ۱۷۶۲

^{۱۳۷} الفقه الاسلامی و ادله، ج: ۲، ۹۰۰.

^{۱۳۸} بروایت ابو داود و حاکم و ابن ماجه و دار قطنی و بیهقی و مرقات و نصب الرایة نقل از درمان فق از نگاه قرآن، ص: ۵۰۲.
^{۱۳۹} روایت دار قطنی و ابن عدنی و حاکم در علوم الحدیث از ابن عمر(رض) نقل از الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲ ص: ۹۰۲.

میلادی) یکی از مسلمانان شبه قاره هند بود. وی نوشته‌هایی درباره فقه و علم حدیث به زبان‌های فارسی و عربی دارد) شاه ولی الله در مورد حکمت و جوب صدقه فطر میگوید (روز عید روز خوشی بوده و اظهار شأن و شوکت اسلام توسط کثرت و اجتماع عظیم مسلمانان صدقه میگیرد و بواسطه صدقه فطر این هدف تکمیل میگردد، علاوه بر آن صدقه فطر سبب تکمیل روزه نیز میباشد.^{۱۴۰} وکیع بن جراح (بن ملیح بن عدی رؤاسی (۱۲۹-۱۹۶ق)، از حفاظ برجسته و اهل فضل و کتابت و وکیع ابن الجراح میگوید: (زکات فطر در ماه رمضان مانند بعداً سهو برای نماز است نواقص روزه را جبران میکند چنانچه سجده سهو نواقص نماز را جیره میکند.^{۱۴۱}

مطلب چهارم - حکم و شرائط وجوب صدقه فطر: صدقه فطر بر هر شخص مسلمان واجب است در ادا کردن آن در بین شخص آزاد و غلام، مرد و زن خورد و بزرگ و حتی غنی و فقیر ره رأی جمهور علماء فرقی وجود ندارد. (مذهب سه گانه) شافعی، حنبلی و مالکی (در وجوب آن تنها اسلام را شرط میدانند^{۱۴۲} از وهم چنان شرط است که مقدار واجب شده بیش از قوت شخص و نفقه خواران وی در روز و شب عید و بیش از احتیاجات مسکن و لوازم خانه وی و نیازهای اصلی شخص باشد که درین صورت نظر مذاهب سه گانه صدقه فطر بر غنی و فقیر واجب میگردد.^{۱۴۳} نظر امام ابوحنیفه (رح) و یارانش با نظر امامات سه گانه فرق میکند. ابوحنیفه (رح) و یارانش میگویند: صدقه فطر بر کسی واجب میگردد که مالک نصاب زکات باشد. البته بعد از تکمیل بودن ضروریات و حوائج اصلی اش و آنها برای وجوب صدقه فطر سه شرط را لازم میدانند. مسلمان بودن، آزاد بودن و مالک بودن نصاب علاوه بر حوائج اصلی.^{۱۴۴} استدلال مذاهب در مورد در کتب فقه به تفصیل آمده است و در اینجا فقط به ذکر نظریات شان اکتفا میکنم. امام شوکانی (رح) نظر جمهور (شافعی، مالک و احمد بن حنبل) را تأیید نموده میگوید! دلایل و مخصوص درین مورد عام ذکر گردیده، میان ثروت مند و فقیر در پرداخت آن فرق نکرده اند و در تعیین اندازه آن جمال اجتهاد نیست خصوصاً در علتی که بخاطر آن صدقه فطر مشروع گردیده در غنی و فقیر هر دو موجود میباشد که آن عبارت است از پاک ساختن آنها از سخنان ناسزا و اعمال ناشایسته نیکه در طول ماه رمضان مرتکب شده اند. هم چنان شرط موجودیت قوت شب و روز.

^{۱۴۰} حجة الله البالغة - نقل از فقه آسان، ج: ۲، ص: ۷۰

^{۱۴۱} وهبة الزحیلی - الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲، ص: ۹۰۲

^{۱۴۲} در مان فقر از نگاه قرآن، ص: ۵۰۳

^{۱۴۳} مرجع سابق، ص: ۵۰۳

^{۱۴۴} وهبة الزحیلی الفقه الاسلامی و ادلة، ج: ۲، ص: ۹۰۳ و فقه آسان، ج: ۲، ص: ۷۱

زیرا هدف از مشروعیت آن غنی ساختن فقیران درین روز ایت. اگر داشتن قوت شب و روز شرط نباشد آن شخص از زمره کسانی خواهد بود که ما به غنی ساختن او درین روز امر شده ایم نه اینکه شخص نادر در همچو شرایطیکه بخود و غیری ندارد بدیگری صدقه بدهد.^{۱۴۵} دکتور سید جان بیان نظر جمهور را تأیید نموده میگوید: به نظر من شارع حکیم صدقه فطر را بر غنی و فقیر بنا بر اهداف اخلاقی و تربیوی واجب گردانیده است که عبارت از تمرین و عادت دادن مسلمانها در صدقه دادن در شرائط دشوار و حالت عادی و طبیعی است و از صفات متقیان در قرآن است که میفرماید: «ینفقون فی السراء والضراء» آنانیکه در حالت آسایش و سحتی خرچ میکنند. لذا بسبب صدقه فطر، مسلمانها و لو که فقیر هم باشند به دادن صدقه عادت میکنند دست بالا و کمک کننده میداشته باشند بذل و بخشش را ولو که در هر سال یکمرتبه و یک روز است انجام میدهند. دکتور بیان میگوید: مذهب جمهور را در صدقه فطر که ملکیت نصاب را شرط نگردانیده اند ترجیح میدهم زیرا که آنها صدقه مذکور را بر فقیر در صورت لازم میگردانند که بیش از قوت خود و افراد خانواده اش را در شب و روز عید داشته باشد و نیاز هایش از ناحیه مسکن، لوازم خانه و احتیاجات اصلی اش مرفوع باشد.^{۱۴۶} کسانی که صدقه فطر بالایشان واجب گردد و شرائط آن کامل شود لازم است تا از طرف خود و اولاد های نابالغ، دیوانه، معتوه و فقیر خود، و نیز از طرف غلامها و خدمت گاران و لو که کافر باشند صدقه فطر را ادا نماید اما دادن صدقه مذکور از طرف زن (همسر) پدر و مادر، و پسران کلان سال و برادران خرد سال و خویشاوندان و لو که آنها تحت سرپرستی او قرار داشته باشند واجب نمیشود ولی اگر از جانب آنها بدون اذن شان ادا نماید استحساناً جائز است.^{۱۴۷} درین نقطه آن چیزیکه گفته شد فقط نظر فقهای احناف بود و در مورد تاحدی اختلافات در میان احناف و جمهور موجود است.

مطلب پنجم - وقت وجوب صدقه فطر: وقت وجوب صدقه فطر از دیدگاه احناف هنگام طلوع فجر روز عید میباشد و از نظر جمهور علماء وقت وجوب آن از غروب آفتاب آخرین روز رمضان یعنی شب اول عید فطر آغاز میگردد تا قبل از نماز عید فطر دوام میکند.^{۱۴۸} ولی همه فقها به این اتفاق دارند که اگر صدقه فطر چند روز قبل در جریان ماه رمضان داده شود جایز بوده واجب ادا میگردد. و حکمت وجوب صدقه فطر نیز ایجاب میکند که چند روز قبل از

^{۱۴۵} نیل الاوطار بدون نقل از درمان فقر از نگاه قرآن، ص: ۵۰۴

^{۱۴۶} دکتور سید جان بیان - در مان فق از نگاه قرآن، ص: ۵۰۴

^{۱۴۷} وهیة الزحلی - الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲، ص: ۹۰۳

^{۱۴۸} مرجع سابق، ج: ۲، ص: ۹۰۸

عید به فقراً و محتاجان پرداخته شود تا آنها به فراهم نمودن اشیای مورد ضرورت و مواد خوراکه، لباس و غیره خرد و عیال شان آماده گی بگیرند و با اطمینان خاطر و خورسندی کامل نبوی عید گاه روان شوند.

چنانچه روش اصحاب پیامبر(ص) در ادای صدقه فطر به همین دلالت میکند و حضرت عبدالله بن عمر(رض) میفرماید(کانوا یعطونها قبل الفطر بیوم او یومین).^{۱۴۹}

(اصحاب پیامبر صدقه فطر را یک و یا دو روز قبل از عید میدادند) مذهب مالکی و حنابله به همین حدیث عمل میکنند و مذهب شوافع پرداختن صدقه فطر راحتی در اول رمضان جائز میداند. دادن صدقه فطر قبل از رفتن به عید گاه مستحب است اما اگر شخص بنا بر معذرتی و یا به علت تنبلی قبل از نماز عید ادا نکند فوراً باید بعد از عید آن را بپردازد.^{۱۵۰}

و- از چه چیز صدقه فطر داده شود و مقدار آن کدام است؟

به نظر فقهای احناف صدقه فطر از چهار چیز پرداخته میشود:

گندم، جو، خرما، و کشمش، به مقدار نصف صاع از گندم، و یا یک صاع از جو، و یا یک صاع از خرما، و یا یک صاع از کشمش داده میشود

یک صاع به وزن فعلی (۳۸۰۰) گرم یعنی سه کیلو و هشتصد گرم میباشد.^{۱۵۱}

مطلب ششم انواع صدقات: صدقات در عموم هفت قسم است، قرض دادن به نیازمند، نشر علم به دیگران، صدقه در قالب کلام نیکو، ترک بدی و شرارت، آب دادن به تشنه، کمک به ضعیفان و مهربانی به خانواده. ۱- قرض دادن به نیاز مندان خداوند به قرآن کریم فرموده است:

(مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً)^{۱۵۲}؛ ترجمه کیست که به خداوند قرض الحسنه دهد تا خدا آن را برایش (در وقت پرداخت) چندین برابر فرونتر کند که خداوند « جل الله جلاله » است که روزی را تنگ می کند و می گستر د.

^{۱۴۹} به روایت بخاری - نقل از الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲، ص: ۷۱- ۷۲

^{۱۵۰} مرجع سابق، ج: ۲، ص: ۹۰۷ و فقه آسان، ج: ۲، ص: ۷۱- ۷۲

^{۱۵۱} مرجع سابق، ج: ۲، ص: ۹۰۸- ۹۰۶

^{۱۵۲} سوره بقره آیه ۲۴۵

۲- نشر علم به دیگران پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) می ف ماید ترجمه از انواع صدقات را فراگیری دانش و علم و آموزش به مردم بیان می کند هر علمی را که دارید به دیگران نیز بیاموزید که این نوعی صدقه است اینطور نیست که اگر چیزی را به کسی یاد بدهی وقت تلف می شود انسان باید در یاد دادن، کریم و سخاوتمند باشد و علمی را در نزد ذخیره نکند.

۳- صدقه در قالب کلام نیکو: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در فرازی از توصیه طولانی ای که به جناب ابوذر دارند می فرماید (الكلمة الطيبة صدقة) برای سخن گفتن در یک دیگر از کلمات نیکو، پاکیزه، زیبا و محبت آمیز استفاده کنید که صدقه محسوب می شود.

۴- رسول الله (صلی الله علیه وسلم) انجام ندادن هر نوع بدی و شرارت نکردن در حق دیگر را نیز صدقه شمرده است.

۵- بهترین صدقه را آب دادن و خنک کردن جگر سوزان تشنه می داند کسی که به انسان یا حیوان لب تشنه جگر سوخته ای، آب بنوشاند خداوند در روز قیامت که سایه ای جز سایه ای خدا نیست او را سایه اندازد.

۶- کمک و یاری رساندن تو به ضعیف و ناتوان از بهترین صدقات است.

۱- نقل از رسو الله خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمود که از مردی پرسید آیا روزه گرفته ای عرض کرد نه فرمود مریضی را عیادت کرده ای عرض کرد نه پیامبر فرمود جنازه ای را تشیع کرده ای عرض کرد نه فرمود مسکینی را عذا دادی عرض کرد نه فرمود به خانه ای خویش برو و خانواده خود را مورد توجه و مهربانی قرار ده که ثواب صدقه خواهد داشت^{۱۰۳}.

مطلب هفتم - نقش صدقات در بیت المال و صدقات اختیاری: یکی از موارد دیگر بیت المال صدقات است که افراد ثروتمند مسلمان علاوه بر زکات و صدقات فرضی و لازمی که بر آنها واجب است بطور اختیاری بخاطر بدست آوردن رضای پروردگار و مصالح عامه می پردازند. اگر به سیرت و زندگی پیامبر اسلامی (ص) و اصحاب گرامی اش دقت کنیم بخوبی در خواهیم یافت که بزرگترین منبع اكمال کننده بیت المال بعنوان رفع کننده ضروریات و حوائج فقرا و مساکین همانا صدقات اختیاری بوده زیرا که هرگاه ضروریات عامه رعیت از جانب ثروتمندان بطور مستقیم

^{۱۰۳} الفقه الاسلامی و ادلته، ج: ۲، ص: ۳۰۰

و یا غیر مستقیم رفع گردد بار دوش بیت المال کم شده و مسئولیت اش تا حدودی ادا میگردد.

۸۱

مبحث دوم خمس:

مطلب اول تعریف خمس:

«خمس» عبارت است از یک پنجم در آمد سالانه و بعضی اموال دیگر که به حاکم اسلامی تحویل داده میشود. ضمن در مال غنایم که بدست می آید الله متعال در آیه مبارکه میفرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ النِّقَىٰ الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۱۵۴} بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذیالقربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بیایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آوردهاید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست.

مطلب دوم اهمیت و دیدگاه فقهی راجع به خمس: بله در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) طبق تصریح مورخان و مفسران و فقهاء، خمس اختصاص به غنیمت های جنگی داشته است و در غیر آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از مردم خمس نکرفته است. گرچه بعضی از عالمان گفته اند که خمس در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) اختصاصی به غنایم جنگی نداشته بلکه از مطلق در آمده بوده است، و مستند خود را نامه های آن حضرت به قبایل و عاملان خود در نقاط مختلف محدوده حکومت اسلام قرار داده اند و گفته اند بدون آن که جنگی میان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) و قبیله ای باشد. و یا قبیله ای به اذن آن حضرت جهادی کرده باشد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از آن مطالبه خمس کرده است. که یک نمونه اش عبارت است از: نماینده گان اعزامی قبیله «عبد قیس» به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) عرض کردند: میان ما و شما، مشرکان قبیله «مضر» قرار دارند و ما جز ماه های حرام وقت دیگری نمیتوانیم به خدمت تو بر رسیم؛ به ما دستوری بده که اگر به آن عمل کردیم، داخل بهشت شویم و دیگران را نیز به آن دعوت کنیم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در پاسخ آنها فرمود: شما را به چهار چیز امر و به چهار چیز نهی می کنم؛ شما را امر میکنم به این که به خدا ایمان بیاورید. و سپس در مقام توضیح به آن ها فرمود: شهادت به وحدانیت خدا و این که محمد فرستاده اوست، اقامه نماز، دادن زکات

^{۱۵۴} سوره انفال آیه ۴۱

و دیگر اینکه یک پنجم آنچه به دست شما میرسد بپردازید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از فرزندان عبد قیس نمی خواست خمس غنایم جنگی را بپردازد؛ زیرا آن ها جهاد نکرده بودند تا غنیمت های جنگی به دست آورند، حتی از ترس مشرکان قبیله مضر قادر نبودند جز ماه های حرام از منطقه ی خارج شوند. بنابراین منظور از غنیمت در این گونه از روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) همان مطلق در آمده است.^{۱۰۰} به هر حال خمس در زمان آن حضرت، اختصاص به غنیمت ها داشته است و یا به مطلق در آمد تعلق می گرفته، از منابع مهم مالی بیت المال محسوب میشده است. چه این که در طول ده سال حکومت آن حضرت، ده ها جنگ با مشرکان و اهل کتاب اتفاق افتاد که در بیشتر آن ها غنیمت های فراوانی به دست آمد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) خمس آن غنیمت ها را به نفع حکومت اسلامی از جنگجویان اخذ می کرد.

مطلب سوم از چی چیز ها خمس گرفته میشود:

اهل تسنن خمس را تنها مربوط به چیزی می دانند که از جنگ بدست آید و لذا خمس در معدن را منوط به معدنی می کند که در زمین گرفته شده از کفار بدست آید مانند گنج و لذا در وجوب خمس در لؤلؤ و عنبر اشکال می کنند چون آن دو هیچ ربطی به جنگ ندارد اما ما در صحیح بخاری می بینیم که در لولو و عنبر خمس است و این نمی تواند باشد .

وهذا لان المعنى الذى لاجله وجب الخمس فى الكنز موجود فى المعدن فان الذهب والفضة تحدث فى المعدن من عروق كانت موجودة حين كانت هذه الارض فى يد اهل الحرب ثم وقعت فى يد المسلمين بايجاف الخيل فتعلق حق مصارف الخمس بتلك العروق فيثبت فيما يحدث منها فكان هذا والكنز سواء من هذا الوجه.^{۱۰۶} این (وجوب خمس در معدن) از آن جهت است که علتی که سبب وجوب خمس در گنج شد سبب وجود آن در معدن هم می شود از رگه هایی که در زمین به هنگام تسلط کفار حربی بر آن موجود بوده است سپس با جنگ به دست مسلمانان افتاده است پس حق خمس به آن رگه ها تعلق گرفته است پس هر چه که از آن رگه ها هم بدست آید همان حکم را دارد پس گنج معدن از این جهت یکی هستند. ۴ این کلام وی صریح است در اینکه اگر معدن در زمین مسلمانان باشد و با جنگ از کفار بدست نیاید خمس ندارد

^{۱۰۰} هملن اتر ، ص ۳۲۴

^{۱۰۶} صحیح البخاری، ص ۳۱۴

مبحث سوم غنیمت

در مجموع مالهاییکه مسلمانان از کفار و مشرکین صربی بدست می آورند بدو بخش تقسیم میگردد. یکی مالهای غنیمت و دیگری مالهای فی میباشد هر یکی آنها در تعریف و حکم با دیگری فرق دارد ما درین مبحث هر کدام را بطور مشخص بیان میکنیم.

مطلب اول تعریف غنیمت:

الف: غنیمت در لغت: الغنیمة مصدر، چیزیکه در جنگ بدست آمده باشد، در آمد و دخل بطور غموم. و آنچه کسب شود، دستاورد، جمع آن غنائم.

(غنیمة باردة) غنیمت و دستاورد بی رنج و سختی. (۲۵۷)

الغنیمة فی اللغة: الفوذ با شنی بلا مشقة (۲۵۸)

یعنی غالب شدن بر چیزی بدون مشقت و سختی.

ب: غنیمت در اصطلاح: عبارت از آن اموالی است که از اهل الحرب بطریق قهر و غلبه گرفته شود. (۲۵۹)

مطلب دوم - اقسام غنیمت و حکمت آن:

غنیمت بر چهار نوع تقسیم میگردد: اسیران جنگی از مرد ها، نسبی(اطفال و زنان اسیر شده آنها) زمین های بدست آمده از حربی ها، و مالهای مختلف و منقوله.

اول- اسیران جنگی: کسانی اند در جنگ عملاً در مقابل مسلمانان استادگی نموده بدست مسلمانان اسیر شوند. در مورد احکام آن میان علماء اختلافات وجود دارد. امام شافعی(رح) میگوید: امام یا نائب امام در امور جهاد، در مورد اسیران که در کفر شان اظهار نمایند در یکی از چهار چیز مخیر است.

۱- قتل آنها

۲- یا به غلامی گرفتن شان

۳- و یا آزاد نمودن شان در مقابل مال و یا در عوض اسیران مسلمانان.

۴- و یا منت گذاشتن بر آزاد نمودن شان بدون و زراً.

و اگر اسیر مسلمان شود قتل آن ساقط میگردد و در یکی از سه مورد دیگر امام مخیر است. (۲۶۳)

^{۱۵۷} کتاب الخراج ، ص: ۲۵۷-۲۵۶

^{۱۵۸} دوکتور خلیل جد فرهنگ لاروی عربی-فارسی، ج: ۲، ص: ۱۵۴

^{۱۵۹} الفقه الاسلامی، ج: ۶، ص: ۴۵۵

^{۱۶۰} مرجع سابق، ج: ۶، ص: ۴۵۶

امام مالک(رح) میگوید: امام در مورد اسیران در یکی از سه چیز اختیار دارد.

۱- کشتن آنها ۲- و یا به غلامی گرفتن شان ۳- و یا آزاد نمودن شان در مقابل اسیران مسلمانها نه در مقابل مال. و از نظر امام مالک آزاد نمودن شان به من(آزاد نمودن بلاعوض) نیز جواز ندارد.^(۱۶۳)

امام ابوحنیفه(رح) میگوید: امام در مورد اسیران در یکی از دو چیز اختیار دارد.

۱- کشتن آنها ۲- و یا به غلامی گرفتن شان و دو مورد دیگر را جواز نمیدهد.^(۱۶۸)
دلایل شان بحث طولانی است که ذکر آن را مجال نداریم.

دوم - سبی(اسیران را از اطفال و زنان) قتل آنها جائز نبوده زیرا که پیغمبر(ص) از قتل اطفال و زنان منع نموده است بلکه آنها در قید غلامی گرفته میشود و در میان اطفال و مادران شان مغارت جائز نمیشود.

اطفال و زنان اسیر شده را در برابر مال رها نمودن جائز است زیرا که گرفتن مال در برابر رهائی آنها مانند فروش آنها است و مال بدست آمده از این طریق جای گزین مال غنیمت است که از دشمن بدست میآورند.^(۱۶۴)

سوم- زمینهای بدست آمده از کفار، و آن بر سه نوع تقسیم می شود.

الف- آن زمین هائیکه مسلمانان از دشمن بزور و غلبه بدست آورده باشند که ساکنین و مالکین آنها یا کشته شده باشند و یا اسیر شده و یا فرار نموده باشند احکام آن را در مبحث خراج بیان میکنیم.

ب- زمین هائیکه مسلمانان در نتیجه صلح بدست بیاورند و آن را در اختیار اهالی آن قرار داده خراج را بر آنها وضع نماید.

ج- زمین هائیکه در نتیجه صلح با اهالی آن با تبصیر از سرزمین شان بدست آمده باشد، چنین زمین ها وقف میباشد و این زمین ها به مسلمانان و یا مهاجرین به مزارعت داده میشود که از آنها هم خراج و هم عشر گرفته میشود.^(۱۶۵)

چهارم- قسم چهارم از مالهای غنیمت مالهای منقول است.

پیغمبر(ص) چنین مالها را در میان مجاهدین تقسیم مینمود و آیه کریمه در مورد آن چنین میفرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...».^(۱۶۶)

^{۱۶۱} الاحکام السلطانه، ص ۱۶۸

^{۱۶۲} مرجع سابق، ص: ۱۶۷

^{۱۶۳} مرجع سابق، ص: ۱۶۷

^{۱۶۴} مرجع سابق، ص: ۱۶۷

^{۱۶۵} الاحکام السلطانه، ص ۱۷۴-۱۷۵

^{۱۶۶} سوره الانفال آیه: ۴۱

یعنی: بدانید که آنچه غنیمت یا فتنه از کافران از هر جنس پس پنجم حصه اش خدا راست و پیامبر را و خویشاوندان را و یتیمان و درویشان و مسافران را اگر ایمان آورده نید برخدا و روز آخرت...

بنا بر این اموال غنیمت به پنج سهم تقسیم میگردد یک خمس آن به آنانیکه در آیه کریمه ذکر شده تقسیم میگردد و چهار حصه متباقی آن در میان مجاهدین تقسیم میگردد چنانچه ابن عباس(رض) میگوید: هرگاه پیامبر(ص) گروهی از مجاهدین را(سریعه) میفرستاد اگر آنها غنیمتی بدست میآوردند آن را بر پنج حصه تقسیم میکرد و حصه پنجم آن را به پنج دیگر تقسیم مینمود طبق آیه کریمه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ...» الآية - سهم الله و سهم رسولش را یک سهم قرار میداد و یک سهم به ذوی القربی و هر دوی این سهم هارا به مصارف اسپها و اسلحه تخصیص میداد و سهم یتام و مساکین و این سبیل را به جای دیگری مصرف نمی کرد و چهار سهم متباقی را در میان مقاتلین(مجاهدین) تقسیم مینمود که برای اسپ دو سهم و برای رابکش یک سهم و برای پیاده یک سهم.^(۲۸۲)

طوریکه در آیه کریمه و سنت نبوی(ص) مشاهده میشود خمس غنیمت یعنی ۲۰٪ آن به پنج حصه تقسیم گردیده به جهات ذیل تخصص داده شده است.

۱- پیغمبر(ص) ۲- ذوی القربی(خویشاوندان پیغمبر) ۳- یتیمان ۴- مساکین ۵- ابن سبیل

ولی شکل تقسیم خمس غنیمت بعد از رحلت پیغمبر(ص) تغییر نمود. اصحاب کرام(ص) در عهد خلفای راشدین دوسهم اولی را یعنی سهم رسول و سهم ذوی القربی را تخصیص بر مصارف اسپها و سلاحهای جهاد دادند و سه سهم دیگر را به همان حالت گذاشتند.^(۲۸۳)

نظریات علماء در خمس غنیمت

علمای اسلام در مورد کیفیت توزیع خمس غنیمت آراء مختلف دارند امام ابوحنیفه(رح) و صاحبین و امام مالک(رح) و عدّه دیگر میگویند خمس غنیمت بعد از وفات پیغمبر(ص) فقط بر سه

^{۲۸۲} رواه البیهقی و الطبرانی نقل از فقه الاسلامی و ادلته، ج: ۶، ص: ۴۵۹

^{۲۸۳} الفتحات العامه، ص: ۷۸

صنف متباقی ذکر شده در آیت تقسیم می‌گردد، زیرا که شریکها مستحق تر و اولی تر اند نسبت به دیگران. (۲۸۹)

ماوردی در کتاب خود الأحكام السلطانیة می‌گوید: خمس غنیمت به سه نوع تقسیم می‌گردد.

یک قسمت آن که سهم پیغمبر (ص) است به بیت المال تعلق می‌گیرد تا جهت مصالح عامه مصرف شود زیرا که مصرف آن موقوف به رأی و اجتهاد امام و خلیفه است و قسمت دومی آن سهم ذوی القربی است به بیت المال تعلق نمی‌گیرد بلکه مستحق آن مالکین از جماعت شان است از رأی و اجتهاد امام خارج است و بیت المال در آن حق ندارد و قسمت سوی آن که حصه اضافه سه گانه اخیر میباشد بیت المال فقط وظیفه حفاظت و حرارت آن را دارد اگر در جامعه وجود داشتند بر ایشان توزیع مینمایند و اگر نبودند بر ایشان حفظ مینماید. (۲۹۰)

عده از فقها به این نظر اند که همه خمس محفوظ بر رأی امام است او اختیار بنا بر رأی و اجتهادش در راه خداوند جل جلاله مصرف نماید. (۲۹۱)

ابو عبید یکی از علماء دیگر می‌گوید: علمای اسلام جواز داده اند بر اینکه اگر مصلحت در جای باشد که به خیر و صلاح اسلام و اهلس تمام شود خمس غنیمت را در آنجا غیر از جهات و احناف ذکر شده مصرف نماید.

زیرا که ضروریات عام مهم تر و ضروری تر است از احناف مذکور و این همان واقعیتی است که بر آن عمل پیامبر (ص) گواهی میدهد و از سنت او فهمیده میشود. (۲۹۲)

مطلب سوم نقش غنیمت در رشد بیت المال: خلاصه اینکه خمس غنیمت یکی از موارد عامه و بیت المال بوده خلیفه و ولی الله مسلماتها میتواند در آن تصرف نموده آن را به مصالح عامه مسلماتها مصرف نماید چنانچه امام و خلیفه مسلماتها در مال فی حق مصرف را دارد. علامه ابن تمیمه (رح) این نظریه را تأیید نموده می‌گوید: این همان قول مالک و اکثر علمای سلف و صحیح ترین اقوال آنها میباشد. (۲۹۳)

^{۱۶۹} الأحكام السلطانیة، ج: ۲۶۶

^{۱۷۰} مرجع سابق، ص: ۷۸

^{۱۷۱} النفقات العامه، ص: ۷۸

^{۱۷۲} الاموال، ص: ۴۴۸-۴۵۸ نقل از النفقات العامه، ص: ۷۸

^{۱۷۳} ابن کثیر تفسیر القران العظيم، ج: ۲، ص: ۳۸۹

مبحث چهارم فی

۱- معنای لغوی فیء

يَفْعُلُ، در لغت به معنای رجوع و بازگشت می‌باشد و در سوره حجرات حَتَّى تَفِيءَ اِلَى اَمْرِ اللّٰهِ^{۱۷۴} به همین معنی یَفِيءُ از باب فَعَلَ است فیئى مصدر از مادّه فاء، یعنی به امر خدا بازگردد و گردن نهد. نیز به معنای غنیمت و خراج استعمال شده است.

۲- فیء در اصطلاح فقها

در اصطلاح فقها مال از کافران است که بدون کارزار و جنگ و خونریزی عاید مسلمانان شده است، مثل جزیه، و خراج و مانند آنها.^{۱۷۵}

۳- حکم فیء در قرآن

آیاتی که جریان "فیء" و حکم آن در قرآن بیان شده است آیهء ششم و هفتم سورهء "حشر" است آیه/ ششم مربوط به حکم "فیء" و معنای فیء بوده و در آیهء /هفتم تقسیم غنیمت "فیء" و کیفیت آن بیان شده است. آیه ۶) (و ما افاء الله على رسوله منهم فما اوجفتم عليه من خيل و لا ركاب ولكن الله يسلط رسله على من يشاء و الله

على كلّ شيء قدير) و آنچه خدا از اموالشان (یعنی اموال یهودان بنی النضیر) بر پیامبر خود ارزانی داشت پس شما مسلمانان بر "راه تحصیل آن نه هیچ اسبی تاختمید و نه هیچ شتری ولكن خدا پیامبران خود را به هر که می‌خواهد) با القاء "ترس در دلها (مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیز، توانا است^{۱۷۶}

۴- دیدگاه علامه ابو یوسف درباره فیء چنین گفته است: طبق آیه هفت سوره حشر (۵۸) وَ ما افاء الله على رسوله آنچه خدا به عنوان فیء به علامه در تذکرة الفقها مختصات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و کسی است که بعد از او از ائمه (علیهم السلام) می‌باشد و برای رسولش داد فیئى از دیگران حقّی نیست. و باید با اجازه این بزرگواران مصرف شود^{۱۷۷}.

۱۷۴ سوره حجرات آیه ۹

۱۷۵ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص ۲۰۰

۱۷۶ حجاوی، موسی بن احمد، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۵۳

۱۷۷ بو یوسف- الخراج- صفحه ۱۱۲- صفحه ۲۳- فتوح ۱

مبحث پنجم عشر مالیات گمرکی:

مطلب اول مالیات: قبلاً در قسمت فلسفه و حکمت‌های زکات بیان شد که الله متعال برخی اموال را که با خصوصیات مختلفی که در کتابهای فقه آمده برای اداره امور جامعه قرار داده است، امام و پیشوای مسلمانان که مسئول اداره امور جامعه است و حق زعامت را دارد باید کشور اسلامی را با استفاده از این اموال که در اختیار اوست اداره کند اگر این اموال برای اداره جامعه اسلامی کفایت نکند و ولی الامر مصلحت میبند که ثروت مندان علاوه بر زکات مبالغ دیگری بپردازند تا او بتواند کشور را بخوبی اداره کند چه اینکه کشور در موقعیت عادی باشد و یا در حالت جنگ. درین صورت به اساس ولایت و صلاحیت خود میتواند به هر اندازه که مصلحت می داند مردم را به پرداخت مالیات وادارد. بنا براین مشروعیت مالیات حکومتی بر اساس حق ولایتی است که از طرف خداوند جل جلالهبر ولی الامر نسبت به جامعه و کشور قرار داده است، البته دلایل تشریح مالیات را که چگونه به اختیار ولی الامر گذاشته شده در مبحث مستقل به روشنائی آیات قرآنکریم و احادیث نبوی و اقوال علما بررسی میکنیم.

ب- هدف از تشریح مالیات: مهم تر از همه این است که بدانیم چرا شریعت اسلامی بسیاری از فرائض مالی را بر مسلمانان لازم گردانیده و حتی بعضی از آنها را رکن ارکان اسلام قرار داده است و بر حاکم اسلامی حق داده است تا در مقابل مانعین آن جهاد و مبارزه مسلحانه نماید چنانچه حضرت ابوبکر(رضی الله تعالی عنه) عملاً در برابر مانعین زکات قتال نمود. حقیقت آنست که چنین فرائض به خاطر تحقق یافتن اهداف مشخصی تشریح شده است، از جمله این اهداف میتوان تضمین تکافل اجتماعی، دفاع از سرزمین های اسلامی و بر آوردن مصالح عامه را نام برد(و شرائع پروردگار سرتاسر بخاطر رفاه و آسایش عامه و جلب منافع و دفع مفساد، تشریح شده است.^{۱۷۸} در صورتی که هدف از تشریح فرائض مالی در اسلام چنین باشد، پس موقف آن در وقتیکه این مالیات معین اهداف تشریحی آن را بر آورده نتواند چگونه میباشد؟ آیا اسلام جوابگوی بمبستهای اقتصادی در جامعه نیست در حالیکه همه جوانب زندگی بشر را در نظر گرفته و امراض مختلف آن را به معالجه گرفته است. جای شک و تردیدی نیست که بینش اسلامی مبنی بر فهم درستی که از قرآن و سنت نبوی(صلی الله علیه وسلم) گرفته می شود استوار است، و این قرآن و سنت است که محدوده حقوق دولت را

^{۱۷۸} ابن القيم-مفتاح دارالسعادة، ص: ۳۵۰ نقل از کتاب النفقات العامه فی الاسلام، ص: ۱۰۷

بخاطر تحقق یافتن مصالح مجتمع تعین میکند، و برایش اجازه میدهد تا در صورت لزوم مالیات و ضرائب مالی را بر ثروت مندان وضع نماید.

ج- دلایل مشروعیت مالیات: بزرگترین دلیلیکه در مورد از قرآنکریم بدست داریم قول پروردگار است که میفرماید (لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۙ^{۱۷۹}

(نیکی(تنها) این نیست (که به هنگام نماز) صورت خود را به سوئی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی(و نیکوکار) کسانی اند که به خداوند جل جلاله روز آخرت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند و مال(خود را) با علاقه ایکه به آن دارند به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، و درماندگان راه، سائلان و بردگان انفاق میکنند، نماز را بر پا میدارند و زکات را می پردازند و به عهد خود وفا میکنند، هنگامیکه عهد بستند، در برابر محرومیتها و در میدان جنگ استقامت به خرج میدهند. اینها کسانی اند که راست میگویند و ایشان پرهیزگاران اند) آیه کریمه فوق مسلمانها را به پرداختن مال به اساس محبت و دوستی میان شان علاوه بر مال زکات تشویق میکنند و مقدار این انفاق در حدودی است که اهداف انفاق و حاجات مجتمع را بر آورده سازد چنین انفاق در حقیقت به اختیار افراد جامعه گذاشته شده است و در صورتیکه آنها به ادای این مسئولیت شان قیام نمودند، دولت اسلامی در مورد، دخالت نموده قانون پیش بینی شده مالیات را تنفیذ میکند.

سنت نبوی(صلی الله علیه وسلم) نیز به منظور تأکید مفهوم آیه فوق مبنی بر اینکه در مال حقوق است غیر از حقوق و وجبیه زکات، میفرماید: «إن فی المال حقاً سوی الزکاة» ثم تلا قوله تعالی: «لَیْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ...» یعنی: در مال حقی است غیر از زکات بعداً این آیت را تلاون فرمود و نیکی (تنها) این نیست که صورت خود را بسوئی مشرق و مغرب کنید). در رابطه به موضوع آیات و احادیث متعددی آمده است همه شاهد آن است که در مال و سرمایه ثروتمندان جامعه، خداوند جل جلاله حقوقی را غیر از واجبات مالی لازم گردانیده است و اصحاب پیامبر(صلی الله علیه وسلم) به خوبی از امر الله جل جلاله و

^{۱۷۹} سوره بقره آیه ۱۷۷

رسولش استقبال نموده مال و دارائیخویش را در سخت ترین شرائط زندگی شان در راه خداوندجل جلاله
به خدمت جامعه تقدیمیکردند، و غالباً درین راستا با همدیگر تسابق میکردند، علمای اسلام در عصر های
مختلف بنا بر فهم درست شان از قرآن و حدیث به این نظر متفق بودند که حاکم مسلمان و عادل حق دارد تا
در وقت ضرورت مالیات را نظر به تقاضای وقت بالایی ثروتمندان وضع نماید، چنانچه در مورد امام
شاطبی میگوید: اگر بیت المال مسلمانها از دارئی خالی شود و ضروریات لشکر اسلام لاینحل بماند امام و
پیشوای عادل حق دارد تا بر ثروتمندان مالیاتی بگذارد که بر مصالح و ضروریات دولت کفایت کند، و
در بیت المال دارائی بقدر ضرورت بماند.^{۱۸۰}

علاوه بر آن دلائلیکه از قرآن و حدیث، و اقوال علما در مورد تشریح مالیات آوردم عقل سلیم نیز
ضرورت و وضع آن را ایجاب میکند، زیرا حاکم اسلامی بنا بر مسئولیتی که در برابر جامعه و مصالح عام
دارد باید همه نیاز های آنان را جواب گو باشد و در صورتیکه موارد مالی دولت به نیاز مندیهای رعیتش
کفایت نکند دیگر راهی نمیداشته باشد تا بیت المال عامه را اکمال کند بجز اینکه مالیات را بر ثروت مندان
جامعه و منع نماید؛ و از سوئی دیگر دلائل دیگری وجود دارد که حاکم اسلامی میدانند بر اساس ان اقدام به
گرفتن مالیات نماید از آن جمله میتوان به عادلانه ترین توزیع در آمد در جامعه اشاره نمود، برای مثال:
دولت اسلامی میتواند از ثروتمندان جامعه مالیات بگیرد و آن را در اختیار فقراء و افراد بی بضاعت
جامعه قرار دهد، و آن ها را از تنگیهای فقر و بیچارگی نجات دهد و صدها نیاز مندیها و مشکلات جامعه
را رفع نماید، البته گرفتن چنین مالیات در وقتی است که موارد اصلی بیت المال کفایت کننده بر حوائج و
مصارف آن نباشد بنا بر این مالک در تشریح مالیات حکومتی، مصلحت و ضرورت جامعه در نظر است و
چنین مصلحت را ولی الامر تشخیص داده تقسیم می نماید.

د- مقدار مالیات: میتوان گفت. موضوع مالیات اعم از موارد، مقادیر و نرخ آن و هم چنین نحوه گرفتن آن
مستقیم یا غیر مستقیم نیز بستگی به همان مصالحی دارد که به دوش اولی الامر گذاشته شده و او در مورد
طبق شرائط زمان و موقعیت حکومت و مردم تصمیم اتخاذ مینماید آدم اسمیت یکی از اقتصاد دانان غرب
برای اخذ مالیات چهار اصل را پیشنهاد میکند.
۱- مقدار پولی که افراد به عنوان مالیات می پردازند باید برابر باشد در حقیقت مقصود وی این
است که مالیاتی که افراد می پردازند، باید متناسب در آمد آنها باشد.

^{۱۸۰} اشاطبی- اله عتصام، ج: ۲، ص: ۱۰۴ نقل از نفقات العامه فی الاسلام، ص: ۱۱۰

۲- مقدار مالیاتی که افراد می پردازند، باید مشخص باشد نه اینکه در یافت کننده مالیات به اختیار خود بتواند آن را تغییر دهد.

۳- باید دریافت و جمع آوری مالیات ساده و بسیط باشد.

۴- اقتصاد و مصارف در نظر گرفته شود.^{۱۸۱}

بنا بر اساس که اهداف سیاست نظام اقتصادی اسلام تحقق عدالت اجتماعی است، و بر اساس اینکه مالیات دولتی جایگاه مهمی را در تحکیم نظام اسلامی دارد و هدف از تشریح آن مصلحت جامعه در نظر بوده لازم است تا با استفاده از مقادیر مختلف به تناسب طبقات مختلف مردم درین راستا عمل گردد. مقدار مالیات به گونه وضع شود که نظام اجتماعی را مختل ننموده بی عدالتی را ایجاد نکند. رهنمود هائیکه از منابع مالیات های اسلامی بدست آمده نشان داده است که اسلام بر در آمد های که به منظور رفع نیاز های معقول و قابل قبول فرد و افراد تحت تکفش تحصیل میکند مالیات چندانی وضع نکرده است و عادتاً مالیات هارا متوجه دارائی ها و در آمدهائیکه در حال تبدیل به دارائی هستند مانند پس انداز های سالیانه نموده است. و درین میان ثروت ها و دارائی هائیکه در حال رشد و نمو بوده مورد توجه قرار دارد. بنا بر این در وضع و مقدار مالیات ها میتوان با مالک بر حجت گیری های مسائل فوق نخست بر مالیات بر ثروت و دارائی و در آمد های بزرگتر توجه نموده و سپس در مراحل بعدی توجه طبقات پائین شدو تا جمع آوری مالیات به گونه اجرا گردد که عدالت اجتماعی را آسیب نرسانیده مصالح مردم را تأمین نماید.

مطلب دوم انواع مالیات دولتی در افغانستان

مالیاتهای حکومتی در افغانستان بنا بر حکم قانون مالیاتی وازارت مالیه به دو بخش تقیم میشود. مالیات مستقیم و مالیات غیر مستقیم. مادرین مبحث هر دونوع آن را بررسی میکنیم.

فرع اول- مالیات مستقیم: در باب ۱۰۰۰ قانون مالیاتی افغانستان چنین میخوانیم:

مالیات مستقیم: عواید این منبع را مالیاتی تشکیل میدهد که بنا بر مفاد یا عوائد سالانه اشخاص حقیقی و حقوقی، سکتور خصوصی، مؤسسات و تصدیهای دولت مطابق حکم قانون مالیات بر عائدات تحصیل میگردد مانند مالیات بر عائدات تجار انفرادی، مالیات نفر های ثاب کار و فعالیت، مالیات قرار دادیان، مالیات وسایط نقلیه، مالیات معاشات و مالیات بر عایدات، جایدات های کرائی،

^{۱۸۱} دکتر مهدی تقوی. مبانی علم اقتصاد. ص: ۲۷۰

مالیه زمین مالیات بر عایدات شرکتها و کوپراتیوها، مؤسسات و تصدیها اعم از خصوصی و دولتی و سائر مالیات بر عایدات سالانه مؤدیان و غیره.^{۱۸۲}

مالیات مستقیم را که در باب ۱۰۰۰ اجمالاً ذکر شده است در ضمن هشت فصل بطور مفصل به قسم ماده وار ذکر نموده است.

و در فصل ۱۱۰۰ مالیات بر عایدات اشخاص حقیقی چنین آمده است.

درین فصل مالیات بر عایدات تجار انفرادی دارای جواز نامه، مالیات مقرهای ثابت کار و فعالیت قرار دادیان و سایط نقلیه، جواز سیر، عواید مالکین تعمیرات و جایدادهای کرائی، معاشات کارمندان سکتور خصوصی و دولتی، مالکین آسیابها سینماها، تیاتر، نمایشات و غیره انواع مالیات اشخاص انفرادی شامل میباشد فصل ۱۲۰۰ مالیات بر عایدات و مالیات انتفاعی شخصیت های حقوقی و سکتور خصوصی عواید این فصل را مالیات بر عایدات و مالیه انتفاعی شرکتها و مؤسسات سکتور خصوصی که طبق احکام قانون و تعلیمات نامه مالیات مکلف به پرداخت آن میباشد تشکیل میدهد.

فصل ۱۳۰۰- مالیات بر عایدات و مالیه انتفاعی کوپراتیف ها.

درین فصل عواید مالیات بر عایدات و مالیات انتفاعی کوپراتیفی های سکتور خصوصی گنجانیده میشود. فصل ۱۴۰۰- مالیات بر عایدات و مالیات انتفاعی شرکتهای مختلط.

درین فصل عواید مالیات بر عایدات و مالیه انتفاعی شرکتهای مختلط شامل ساخته میشود.

فصل ۱۵۰۰- مالیات بر عایدات و مالیه معادلات انتفاعی تصدیها دولت عواید مالیات بر عایدات و مایه معادلات انتفاعی کلیه تصدیهای دولتی در این فصل گنجانیده شده است.

فصل ۱۶۰۰- مالیات بانکها، مالیات بر عایدات و مالیه معاملات انتفاعی بانکها که طبق احکام قانون مالیات بر عایدات تحصیل میگردد، در عواید این فصل شامل ساخته میشود.

فصل ۱۷۰۰- مالیات کوپراتیف های دولتی: در این فصل مالیات بر عایدات و مالیه معاملات انتفاعی کوپراتیف های دولتی که طبق احکام قانون مالیات بر عایدات قابل تحصیل دانسته شده تصنیف میگردد.

^{۱۸۲} پاره از قانون مالیاتی- تفصیلات پیرامون تصنیف اقلام عواید

فصل ۱۸۰۰-باقیات مالیاتی: در این فصل باقیات مالیاتی سنوات ماضیه سکتور دولتی که در سال مالی روان تحصیل میگردد گنجانیده میشود.

فرع دوم- مالیات غیر مستقیم و محصولات: در ضمن باب ۲۰۰۰ قانون مالیاتی چنین آمده است:

باب - ۲۰۰۰- مالیات غیر مستقیم و محصولات:

عواید این منبع محصولات گمرکی واردات و صادرات اشخاص حقیقی و حقوقی سکتور خصوصی و مؤسسات و تصدیهای دولت مالیات مواد استهلاکی، محصولات معاملات تجارتي و تفاوت نرخ اسعار، محصول صکوک و عواید حق الإنحصار اموال و محصول تکس پاسپورت، مالیات ثابت واردات و صادرات و اشخاص غیر تاجر که باساس احکام قوانین مربوط اخذ میگردد تشکیل میدهد.

فصل - ۲۲۰۰ مالیات غیر مستقیم شرکتهای مختلط عواید محصول گمرکی اموال وارداتی و صادراتی و عواید مالیات استهلاکی شرکتهای مختلط شامل این فصل میگردد.

فصل ۱۳۰۰- مالیات غیر مستقیم و محصولات سکتور دولتی.

عواید این فصل را محصول گمرکی اموال وارداتی و صادراتی و مالیه اتسهلاکی که توسط تصدیها و شرکت های دولتی تادیه میشود تشکیل میدهد.

باب - ۳۰۰۰- عواید غیر خالص فروش اموال ملکیت و خدمت دولت.

عواید این باب مشتمل بر عواید حاصل از فروش ملکیت های غیر معقول دولت از قبیل زمین، تعمیر و غیره، عواید فروش منابع طبیعی مانند گاز طبیعی، جنگلات، معادن و غیره، فروش اموال دولت مانند اموال قابل لیلام و اموال ضبطی و غیره، عواید فروش حاصل از عرضه خدمات دولت مانند عرضه خدماتی مخابرات و طباعتی، صحی، زراعتی و غیره میباشد.

فصل ۳۱۰۰- عواید غیر خالص فروش زمین و ساختمان عواید از درک فروش زمین ملکیت دولت چه زراعتی و په غیر زراعتی، فروش تعمیرات و ساختمان های ملکیت دولت در این فصل شامل میگردد

فصل ۳۲۰۰- عواید غیر خالص منابع طبیعی . عواید فروش منابع طبیعی مانند گاز طبیعی، کاندنات، جنگلات(چوپ چار تراش، چوپ گردم و غیره) مواد معدی مانند گل سر شوئی، نمک،

سنگ گچ، سنگ چونه، گل سفید، گل رنگه، سپرات و احجار تزئیناتی مانند سنگ مرمر، رخام و غیره احجار قیمتی مانند لاجورد، زمرد، یاقوت، بروچ و غیره وهم چنان عواید فروش حق الامتیاز منابع مذکور به عواید این فصل شامل ساخته میشود

فصل ۳۳۰۰- عواید فروش غیره خالص حاصل از تولیدات منابع زراعتی و حیوانی: عواید غیر خالص از فروش حاصلات زراعتی از قبیل حبوبات، میوه جات شترین و ستروش و زیتون و محصولات آن، سبزیجات، تخم ها و ادویه جات زراعتی، علوضه، قیمت نهال ها و غیره محصولات زراعتی و قیمت فروش منابع حیوانی مانند قیمت حیوانات و لبنیات آن، مرغ، تخم مرغ، ماهی، گوشت و ادویه جات حیوانی در این فصل شامل میگردد.

فصل ۳۴۰۰- عواید غیر خالص منابع خدماتی: عوائد یکه از درک اجرا یا انجام خدمات متفوعه از قبیل خدمات مخابراتی، پست، تیلیفون، تیلگراف و تکس خدمات اطلاعاتی، طباعتی، تورزیم، صحن و ترانسپورتی بدست میاید در عواید این فصل شامل میگردد .

فصل ۳۵۰۰- عواید از درک فروش اموال لیلای و ضبطی: عوائد یکه از درک لیلای اموال و فروش اموال ضبطی حاصل میگردد درین فصل منعکس میگردد

فصل ۳۶۰۰- عواید فروش اوراق بهادار: قیمت فروش کلیه اوراق بهادار مانند عرائض و شائق محاکم، اسناد هویت مانند تذکره و پاسپورت، نسخه جات دکتوران طب و معاینه مانه ها، لابرتوار ها، تکت ها، شهادتنامه ها، اظهار نامه های مالیاتی، مؤدیان فورمهای ترک پیشه، آغاز فعالیت و تغیر فعالیت و کتابچه های مالیه صنعتی- دفاتر و فررمهای محصول دهی علم و خبر ها، فورم ترانزیتی اموال و غیره درین فصل شامل میگردد.

باب ۴۰۰۰ عواید فروش لایسنس، فیسها و جرایم.

عواید فروش لایسنس های حرفوی، لایسنس های و سایط نقلیه- محصول خدمات حقوقی ادارات دولت و جرایم مختلف عواید این باب را تشکیل میدهد.

فصل ۴۲۰۰ عواید خدمات حقوقی دواير دولت برای اشخاص حقیقی و حقوقی. عواید این فصل را فیس های انجام خدمات حقوقی ارگانهای علمی واحد از فیصله های قضائی محاکم دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی سکتور خصوصی تشکیل میدهد

فصل ۴۳۰۰- عواید از درک جرایم- عواید این فصل را جرایمی تشکیل میدهد .که بموجب احکام قوانین زیربط از اشخاص حقیقی و حقوقی سکتور خصوصی و تصدیها و شرکتهای مختلط دولتی مانند جرایم باقیاتی مالیاتی، گمکی، ترافیکی و غیره.

باب ۵۰۰۰- عواید بکار انداختن ملکیت و پول دولت ۹۸. عواید حق العبور ،توقف گاه ها، عواید تکت پولی قروض دولت، مفاد اشتراکات و مفاد به کار انداختن سرمایه و پول دولت ، عواید معاملات مشابه دین باب شامل ساخته میشود .

فصل -۵۱۰۰- عواید از درک مفاد سهم سرمایه گذاری های دولت سکتور خصوصی درین فصل عواید حاصل از درک مفاد سهم سرمایه گذاری های دولت در تشبثات سکتور خصوصی و هم چنان عواید تکت پولی قروض دولت در هم چو تشبثات شامل ساخته میشود

فصل ۵۲۰۰- عواید از درک سرمایه گذاری دولت در شرکتهای مختلط . عواید سرمایه گذاری های دولت در شرکت های مختلط اعم از مفاد سهم و تکت پولی بر قروض درین فصل گنجانیده میشود.

فصل ۵۳۰۰- عواید از درک سرمایه گذاری های دولت در بانکها عوایدیکه دولت بنا بر سرمایه گذاری هایش از درک مفاد سهم و تکت پولی بر قروض از بانکها حاصل میدارد.

فصل ۵۴۰۰- عواید کرایه جابداد های غیر منقول دولتی. عواید غیر خالص از کرایه اجاره زمین، باغ و عمرانات دولتی، فروش تکت داخل به کافی ها و رستورانهای دولتی، حق العبور شرکتهای درین فصل شامل ساخته میشود.

فصل ۵۵۰۰- عواید کرایه ملکیت های منقول- عواید غیر خالص کرایه و سالیط تخنیک، ترافیکی، ساختمانی و زراعتی درین فصل شامل میگردد.

فصل ۵۶۰۰- عواید تصریها دولت مفاد خالص تصدیها صنعتی مانند فابریکات تولیدی و استخراج تصدیها تجارتي مانند تصدیهای عمده فروشی و پرچون فروش اموال تجارتي، تصدیهای

ترانسپورتهای مانند کامازهای تصدیهای ساختمانی مانند دستگاه بنائی و غیره تصدیهای خدماتی مانند تصدی هتلها و ورکشاپها و غیره درین فصل شامل ساخته میشود.

فصل ۵۷۰۰- عواید د کوپراتیفهای دولتی- عواید حاصل از فعالیت کوپراتیفهای زراعتی استهلاکی، صنعتی و تولیدی در عواید این فصل شامل خاسته میشود.

باب ۶۰۰۰- عواید متفرقه غیر حقیقی و باقیات غیر مالیاتی.

عواید معاونتهای اشخاص حقیقی بدولت، کارهای داوطلبانه و حشر عمومی فروش اسناد قرضه به اشخاص حقیقی و حقوقی، سکتور خصوصی دولتی اعاده تادیات اضافه سنویه پیشکیها و قرضه کارمندان، تحصیل باقیات غیر مالیاتی را اشخاص حقیقی و حقوقی و مؤسسات دولتی عواید این باب را تشکیل میدهد

باب ۷۰۰۰- عواید این باب عبارت از تکسهای تحصیلات شهری فروشی اراضی و تعمیرات، فروش اوراق بهادار، عواید کرائیه، و اجاره ملکیتها عواید کمکها و اعانهجات و تحصیل باقیات

فصل ۷۱۰۰- عواید محصولات و تکسها- درین فصل عواید محصولات صفائی اماکن شهری تکس فیصدی از مالیهتجار و شرکتها شامل میگردد.

فصل ۷۳۰۰- عواید د فروش اموال منقول و غیر منقول مانند عواید فروش زمین، تعمیرات و وسایط داغم و غیره را شامل میشود

فصل ۷۴۰۰- عواید فروش جرائد و اوراق بهادار مانند جواز نامهها و لایسنسها، عرائض، نقشههای ساختمانی و غیره فورمهای قیمت دار متعلق بعواید این فصل است.

فصل ۷۵۰۰- عواید د تهجائیها، کرائیه و اجاره ملکیتهای غیر منقول و محصولات نمایشات، کنسرتها و تفریحگاهها، عواید تهجائی مندویها و توقفگاهها و کرایه ملکیتهای غیر منقول مانند دوکان، اپارتمانها، منازل و غیره در این فصل شامل میگردد.

فصل ۷۶۰۰- عواید د کمکها، اعانهها، عواید کمکها، اعانهها و امداد که از اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و مؤسسات اداری دولت و مؤسسات کشور های خارجی حاصل میگردد درین فصل گنجانیده میشود .

فصل ۷۷۰۰- عواید د باقیات و جرایم، عواید این فصل را تحصیل باقیات و ارداتی و باقیات مصارفاتی و جرایم حلاف رفتاریها و تخلف از مقررات بشهری تشکیل میدهد. باب ۸۰۰۰- عواید خزینه تقاعد کارمندان.

فصل ۸۱۰۰- سهمیه تقاعد کارمندان دواير و مؤسسات دولت، سهمیه تقاعد کارمندان دواير و مؤسسات دولت که از معاشات آنها وضع میشود و سهمیه که بجانب تصدیها و مؤسسات دولت بحساب خزینه تقاعد انتقال داده میشود. در عواید این فصل شامل ساخته میشود

باب ۹۰۰۰- عواید قروضی و امداد بلا عوض خارجی.

عواید قروضی و امداد بلاعوض کشورها بشکل نقدی و حسنی، عواید قروض و امداد پروژوی اعم از وجوه نقدی و مواد استهلاکی در عاید این باب شامل ساخته میشود.^{۱۸۳}

مطلب سوم عشر مالیات گمرکی: مسلمانان علاوه بر جزیه و مالیات زمین از کالا های هر کشتی که از سرحدات دریایی اسلام میگذشت بمقدار ده یک (نقد یا جنس) عوارض یا مسؤل میگرفتند مثلا کشتی های هندی که از کرامه های یمی میگذشت مشک و عنبر و کافور و صندل و دار چین و امثال آن می آورد بمقدار ده یک یمن از عین جنس عوارض میداد و در زمان الواثق بالله این عوارض بمبلغ و مقدار هنگفتی رسیده بوده. مسلمانان اندلس نیز از کشتی های فرنگیان و غیر آنان عوارض میگرفتند، اتفاقا عوارض مزبور در شهری بنام طریف واقع در انتهای کشور اندلس تأدیه می گشت و تا کنون نام آن شهر (بندر) طریفه است و بنا به عقیده محققین اروپا کلمه تاریف کنونی در زبان فرنگیان بمعنای تعرفه (نرخ عوارض گمرکی) استعمال می شود مخفف کلمه عوارض طریف (شهر طریف) می باشد و کلمه تعرفه معمول در زبان عربی همتحریف همان کلمه می باشد . و اما عوارض معدن چنین بوده است که از معدن های روی زمین مانند نمک، سرمه، قیر، نفت هیچ نوع مالیات و عوارض نمیگرفتند چون مطابق قوانین اسلامی محصول این نوع معادن مانند آب برای افراد مسلمان مباح می باشد و هرکس به آن دست یابد از آن استفاده می کند، اما معادن زیر زمینی مس، آهن، سرب، طلا، نقره که با سعی و عمل محصول آن بدست میاید از طرف دولت با اشخاص واگذار می شد که محصول آنرا استخراج کند و عوارض آنرا پنج یک به بیت المال بپردازد . عوارض ضرابخانه صد یک بوده وچنانکه سابقا اشاره شد مالیات ضرابخانه اندلس در زمان آل

^{۱۸۳} ان چزیکه در مبحث انواع مالیات دولتی ذکر شد خلاصه از تفصیلات پیرامون اقلام عواید و مالیات دولتی در افغانستان بود که از ریاست عواید و زارت مالیه گرفته شده است.

مروان تا سال دویست هزار دینار می رسید دیگر از مالیاتهای غیر مستقیم عوارض گمرکی بوده که در خشکی از تجار میگرفتند و آنرا بزبان عربی مکس یا مقیس میگفتند و پیش از اسلام نیز معمول بوده و از بازرگان قبطی و ایرانی در مدینه ده یک دریافت می باشد. عمر رضی الله تعالی عنه این مالیات را تصویب کرده به سه درجه تقسیم نمود ازین قرار مسلمانان دو نیم در صد اهل ذمه پنج در صد سایرین ده در صد اما این نوع مالیات چندان رواج نیافت زیرا مردمان پرهزگار آنرا مکروه میدانستند و در هر حال مالیات گمرک هنگامی در یافت می شد که مال التجاره از یک کشور اسلامی به یک کشور دیگر منتقل می شد، مثلا بازرگان شام در سراسر شام نمیداد ولی اگر به مصر یا عراق میرفت ناچار گمرک می پرداخت.^{۱۸۴}

^{۱۸۴} تاریخ تمدن اسلام ج ۱، ص، ۱۸۱-۱۸۳

فصل چهارم مالیات (بیت المال در شرایط امروزی)

مبحث اول

مطلب اول تعریف لغوی واصطلاحی بیت المال : به منظور درک بهتر سنجش مالیات در افغانستان باید در قدم اول مفهوم و ماهیت مالیه ، اهداف مالیات ، تاریخچه مالیاتی در جهان و افغانستان و بعضی از اصطلاحات مهم مالیاتی را بدانیم تا اینکه موضوع روشنتر شود. که اینک میپردازیم به ارائه آن:

۱- مفهوم و ماهیت مالیه : مالیه از واژه مال گرفته شده که از نظر فرهنگ شناسان به معنی اجر و پاداش ، زکات مال ، باج خرچ و بالاخره مالی که دولت ها بطور سالانه از شهروندان خود میگیرد . مالیه عبارت از یکنوع پرداخت های اجباری مردم به دولت است که بدون توقع کدام خدمت آنرا به دولت می پردازند . مالیه عبارت از یکنوع فدا کاری مردم به دولت است به منظور تحقق بخشیدن اهداف دولت . مالیه عبارت از دوزدی بدون گناه است^{۲۱۴} .

اما تعریف که از آن امروز استفاده زیاد تر صورت می گیرد عبارت از اینست که: مالیه عبارت از پرداخت قسمتی از درآمد اشخاص و شخصیت های حقوقی بر حسب توانائی و متناسب به اندازه درآمد آنان برای تامین مخارج عمومی به دولت است .

تعریف را که دیکشینری آکسفورد از مالیه میدهد چنین است :

مالیه عبارت از سهمیه های اجباری اند که بر اشخاص ، دارائی ، عواید ، اجناس و غیره بمنظور حمایت از دولت وضع میگردد .

وبالاخره مالیه از نظر اقتصاد دانان ، سهمی است که به موجب اصل تعادل ملی و بروفق مقررات ، هریک از ساکنان کشور موظف اند که از درآمد و ثروت خویش به منظور تامین هزینه های عمومی و حفظ منافع اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی به میزان توانائی شان به دولت اعطا میکند .

صاحب نظران اقتصادی معتقد اند که مالیات در راستای تامین مصارف دولت ها شرایط نا مطلوب اقتصادی جامعه را بهبود می بخشد ، بدین منظور سه نوع کارکرد برای اخذ مالیه را در نظر میگیرند^{۲۱۵} :

۱- مالیات بهای است که دولت دموکراتیک و خدمت گذار برای ارائه آن دسته خدمات عمومی که امکان ارائه آن توسط اشخاص و موسسات وجود ندارد دریافت میکند. به عنوان مثال چنین خدماتی میتواند آموزشی ، امنیت ، صحت ، دفاع و غیره باشد .

۲- مالیه یک وسیله ئی ایجاد ثبات اقتصادی است و دولت ها در شرایط ، توأم به ناچار میزان مالیات را افزایش داده که به موجب آن قدرت خرید مصرف کننده کاسته میشود.

۳- مالیه یک نوع وظیفه توزیع مجدد در آمد و ثروت را به وسیله دولت ها میسر میسازد و دولت با فراهم آوردن امکانات برای عموم مردم از محل مالیات ، دریافتی از ثروتمندان و انجام مصارف خانواده های بی بضاعت و بی سرپرست و افراد معلول چنین نقشی را ایفا میکند^{۱۸۰}.

اصطلاحات مهم مالیاتی

۱- اساسات توانمندی تادیبات: اساسات توانمندی پرداخت ، حمایت از این امر مینماید که وضع مالیه بریک مؤدی به اساس توانائی پرداخت وی صورت گیرد یعنی اشخاص که دارای عواید و یا سرمایه بیشتر اند در مقایسه با اشخاصیکه دارای عواید و یا سرمایه کمتراند مالیه بیشتری را تادیه نمایند. توانمندی تادیه در زمره سایر مسایل مورد بحث در ارتباط به نورم های مالیه مترقی جهت وضع مالیات و امتیازات مادی در رابطه به اطفال/عمر مورد استفاده قرار میگیرد.

۲- اساسات مفاد: حمایت از این امر مینماید که مالیات باید بر اساس مفاد که در نتیجه خدمات دولتی فراهم میگردد وضع گردد به عباره دیگر اشخاصیکه از خدمت اجناس عامه مفاد بیشتر حاصل میکنند باید مالیه بیشتر بپردازد.

۳- خصوصیت ارتجاعی : خصوصیت ارتجاعی نشان دهنده ارتباط بین مالیه و عایدات میباشد یعنی تغییر در فیصدی عواید مالیاتی که توأم با یک فیصدی تغییر در عایدات میباشد عواید مالیاتی بخاطر افزایش میابند که

عواید مالیاتی متعلق بر آنست که بازدهی مالیات تا کدام حد با سرعت رشد محصول ناخالص داخلی موازی پیشرفت و بایران سبقت میجوید (ارتجاعیت رشد کامل سیستم مالیات) به عباره دیگر رشد خود بخودی بوسیله (از دیاد در عواید مالیاتی صرف از باعث از دیاد در عواید ملی) با عواید ارتجاعی محاسبه میگردد.

۴- سال مالی : سال مالی عبارت از سال شمسی بوده که از اول حمل آغاز و در روز اخیر برج حوت همان سال خاتمه می یابد.

۵- عواید قابل مالیه : مبلغی است که از عواید شخص ، شرکت سهامی ، شرکت محدود المسولیت یا سایر شخصیت های حکمی بعد از مجرائی معافیت ها و وضع کسرات باقی میماند.

^{۱۸۰} عارف ، عبدلقیوم: نظریات مالی ، صفحه ۶- سال ۱۳۸۶

- ۶- معافیت : مجرائی از عواید مالیه ده است که مطابق احکام قانون مالیات بر عایدات به وی داده میشود .
- ۷- کسرات: مصارف تولید و مصارف بدست آوردن و محافظه عایدات است که وضع نمودن آن از عایدات طبق احکام قانون مالیات بر عایدات مجاز میباشد
- ۸- ضرر خالص عملیاتی: مبلغی است که بعد از مجرائی های مندرج این قانون از عایدات بیشتر باشد.
- ۹- مالیات چند مرحله بی: مالیه بر فروشات بالای تاجران در بیشترین سطح فعالیت اقتصادی و مراحل توزیع اجناس و خدمات قرار دارند وضع میگردد یعنی از مولدین گرفته تا بروجون فروشان بدون هیچگونه انحراف در مالیه ای که در مرحله ابتدائی تادیه شده است (مالیه چند مرحله نی متراکم دوران سرمایه) مگر اینکه اجناس مشخصاً از وضع مالیه معاف و یا مستثنی قرار داده شده باشد. مالیات چند مرحله بی بالای اکثر تاجران و بصورت تکراری بالای اجناس ای که باید بیشتر از یک مرحله توزیع را بگذرانند وضع میگردد. بنا بر آن به هر اندازه که مراحل توزیع بیشتر باشد به همان اندازه مالیات بیشتر وضع میگردد که در نتیجه آن قیمت نهائی که توسط مصرف کننده در برابر جنس تادیه میگردد افزایش میابد.
- ۱۰- تساوی عمودی و افقی : اصطلاح تساوی در ادبیات اقتصادی مورد توجه خاصی قرار دارد که به اشکال تساوی افقی و عمودی قضاوت میشود.
- تساوی افقی می طلبد که یک مودی که توانمندی بیشتر دارد نظر به مودی که توانمندی کمتر دارد باید مالیه نسبتاً بیشتری را بپردازد لذا معیار تساوی افقی به برخورد نابرابر مودیان در شرایط نابرابر راجع میشود.
- ۱۱- اثر مالیه : اثر یک مالیه از وقوع آن میتواند از هم تفریق شوند اثر مالیه به مثابه تاثیر آن بر شخص که باید مالیه را در محل اول تادیه نماید در نظر گرفته میشود با آنکه وی قادر است تا مسؤلیت آنرا بر شخص دیگری انتقال دهد. وقوع مالیه بر عهده شخص دومی خواهد بود.
- ۱۲- وقوع مالیه : مبلغ مالیه ایست که در نهایت یک شخص انفرادی ناگزیر است آنرا متحمل شود.
- ۱۳- مالیه مترقی : سیستم مالیه ایست که در آن نورم اوسط مالیه با افزایش عاید ازدیاد میابد. نورم مالیات بر عایدات اشخاص انفرادی معمولاً مترقی میباشد . زمانیکه عاید افزایش میابد قسمت افزایش یافته آن باید به شکل مالیه تادیه گردد.
- ۱۴- نورم نسبتی : وضع مالیه واحد هنگامی واقع میشود که یک نورم واحد مالیاتی بدون در نظر داشت مقدار عاید تطبیق گردد. به صورت عموم مالیه بانورم واحد منحصیث یک مالیه نزولی (غیر مترقی) محسوب میشود. در بسیاری ممالک شرکت های سهامی تابع مالیه نورم واحد میگرددند.

۲- اهداف مالیات

مالیات به اهداف مختلف قرار ذیل وضع می‌گردد:

۱- تولید عواید: وضع مالیات عمدتاً به منظور تولید عواید صورت گرفته است. در میان سایر مسایل برای پیشبرد امور دولت منابع مالی ضروری می‌باشد. وضع مالیه منبع عمده منابع مالی برای دولت می‌باشد بدین ملحوظ کلمه مالیه مانند کلمه دولت در بین عوام معمول است. علاوه از مقاصد عایداتی، همچنان وضع مالیات به منظور نائل آمدن به مقاصد اجتماعی - اقتصادی صورت می‌گیرد.

۲- اهداف اجتماعی: وضع مالیات غرض فائق آمدن به اهداف اجتماعی صورت می‌گیرد بگونه مثال وضع مالیات در اجتماع غرض کاهش عدم تساوی عایداتی صورت می‌گیرد. بدین ملحوظ است که مالیه به یک سطح معین عایداتی وضع نمی‌گردد وگروپ های عایداتی کوچک از مالیه کنار میماند و عواید بلندتر با نورم های بلند تر تابع مالیه قرار می‌گیرد. معافیت ها و نورم های متفاوت مالیاتی منحیث وسیله پیشرفت در سیستم مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گردد. بگونه مثال به منظور پیشرفت در سیستم مالیاتی، ضروریات لازمی باید از وضع مالیات بر مصارف معاف گردند این بخاطر است که ضروریات عمده یک بخش اعظم عواید گروپ های عایداتی کوچک را در مقایسه با گروپ های بزرگ عایداتی بخود جلب میکند. با معافیت ضروریات لازمی بخش اعظم از عواید گروپ های کوچک عایداتی از مالیات محفوظ میماند. به همین طور نورم های مختلفه مالیاتی به منظور پیشرفت در سیستم مالیات، مالیات مصارفی معرفی می‌گردد. به صورت عموم اجناس قیمتی غیر ضروری بخش اعظم عواید گروپ های بزرگ عایداتی را نسبت به گروپ های کوچک عایداتی به خود جلب مینماید. فلذا بلندترین نورم بالای اجناس قیمتی غیر ضروری و کمترین نورم بالای اجناس ضروری لازمی تاثیرات سنگین تر را بالای گروپ های عایداتی بزرگ نسبت به گروپ های عایداتی کوچک بجا می‌گذارد. حالانکه معرفی معافیت ها و نورم های متفاوت مالیاتی اداره مالیات را مغلق ساخته و باعث ازدیاد مصارف تنفیذی و اداری تحصیل عواید می‌گردد. همچنان این امر باعث ایجاد تحریف در سیستم اقتصاد می‌گردد زیرا مولدین (تولید کننده گان) و صارفین میتوانند صنایع شانرا از ساحت که تابع مالیه اند به ساحت که تابع مالیه نیستند و یا از صنایع ایکه مالیه بلند دارند به صنایع که مالیه کمتر دارند تبدیل نمایند تا از پرداخت مالیه محفوظ بمانند حتی به اندازه ایکه سایر ملاحظات اقتصادی نمیتوانند چنین جهت گیری های جدید را توجیه نمایند سعی به عمل آمده است تا تساوی مالیاتی به دوشکل عمودی و افقی بوجود آید در تساوی شکل عمودی لازم است که یک مودی بزرگ ایکه قادر به پرداخت مقدار بیشتر مالیه نظر به یک مودی کوچک که توانائی کمتر دارد مالیه بیشتر بپردازد. بنا بر آن

معیار مالیاتی در تساوی عمودی طور است که وضع مالیه نظر به ظرفیت عایداتی مودی صورت میگیرد. در تساوی شکل افقی تاکید در تامین تساوی مالیاتی بین مودیان طوری است که تمام مودیان که در سطح متساوی ظرفیت های عایداتی قرار دارند به عین مقدار مالیه را تادیه نمایند که با تامین تساوات مالیاتی، تمام مودیان قادر به تادیه عین مقدار مالیه خواهند بود. به همین طور وضع مالیات به منظور جلوگیری از مصرف اجناس که استفاده آن از نظر اجتماعی شایسته نمیباشد مانند مشروبات الکولی، تولیدات تنباکو و حتی اجناس قیمتی غیر ضروری صورت میگیرد، به عین شکل وضع مالیه بالای اجناس قیمتی غیر ضروری به منظور کاهش در استفاده از آن نیز صورت میگیرد.

۳,۲- اهداف اقتصادی: به منظور کسب اهداف اقتصادی نیز وضع مالیات صورت میگیرد. بگونه مثال وضع محصول تورییدی به منظور حفظ و رشد صنایع داخلی، ارتقای سطح تولیدات داخلی و در برابر رقابت با سایر کشورها صورت میگیرد. بدین ملحوظ مواد خام تورییدی و ماشین آلات از محصول معاف و یا به مقدار کم وضع میگردد و وضع مالیه بر اجناس قابل استفاده بلند تر میباشد وضع مالیات به منظور رشد صادرات بالای اجناس صادراتی صورت نمیگیرد.

مطلب دوم تاریخچه مالیات در جهان و افغانستان: مالیات تاریخ کهن دارد با وجود آمدن زنده گی قبیلوی به منظور رفع مشکلات اقتصادی و نیازمندی های اربابان، روسا و موسفیدان تادیاتی صورت میگرفت. ادوار مالیه وجود داشته است. تاریخ مالیه با وجود آمدن حکومت مدنیت مالیه نیز موجود بوده است. باستان انواع مختلف مالیه وجود داشت از مصر باستان گرفته تا یونان قدیم و روم باستانی در تمام در مصر تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد میرسد. میگویند که در مصر حتی از روغنی که یک فامیل به خاطر خوراک خود استفاده میکرد مالیه اخذ میکردید. در مصر خارجیان و غلامان نیز مکلف به تادیه مالیه بودند در روم بر علاوه مالیات، مالیات بر فروش و مالیات بر صادرات و واردات نیز رواج داشت. در قرن سوم قبل از میلاد ۱۵٪ مالیه بر میراث به تمام اتباع رومی تحمیل شده بود. در زمان قدیم مالیه معمولاً از طبقه پائین، غلامان و مستعمرین اخذ میکردید که بنام باج یا جزیه یاد میگردد. این نوع مالیات (باج و جزیه) به چند شعبه تقسیم شده بود که عبارت اند از:

- پرداخت وجهی از دارائی غیر منقول (زمین) که بنام عشر و خراج حصول میگردد.
- پرداخت وجهی از دارائی منقول (سرمایه) که بنام خمس یا ذکات مسمی گردیده بود حصول میگردد.

• برصادرات و واردات که بنام باج و جهی تطبیق و حصول میگردید. که این همه در بیت المال جمع آوری میگردید و به منظور بهبود وضع عامه به مصرف میرسید که توسط این همه (زکات، عشر، باج، خراج، جزیه و خیراتها) بودجه دولت تمویل میگردید

که اینها در ذات خود یک نوع مالیه بود ولی این مالیه به امورات عام المنفعه به مصرف میرسید و هر مسلمان که نصاب را پوره کرده بود مکلف به پرداخت عشر و زکات میبود ولی خراج و جزیه یکنوع دیگر از مالیه بود که از غیر مسلمین در بدل خدمات اجتماعی، امنیت و مصونیت گرفته میشد. فلذا گفته میتوانیم که مالیات جز لاینفک حکومت است که به صورت مختلف توسط حکومت جمع آوری شده و در هر حکومت موجود بوده است و به مرور زمان تغییر پذیرفته بوده و یا تحولات و اصلاحات در آن اشکال مختلف را به خود گرفته است.

ب- تاریخچه مالیات در افغانستان: در افغانستان هم مالیه از قدیم الایام مروج بوده که توسط وقت از مردم جمع آوری میگردید و اتباع کشور بنابر عقاید دینی، مذهبی و ملی شان این وجیهه اجتماعی جنسی یا نقدی به هر نامی که بود میپرداختند. از ایجاد اداره مالیه در افغانستان تقریباً ۲۶ سال میگذرد. اولین اداره مالیه در سال ۱۱۲۵ هـ ش در وقت سلطنت احمدشاه بابا که در آن وقت وزارت مالیه بنام دیوان همایون اعلی یا مستوفی یاد میشد. در تشکیل دولت ایجاد گردیده بود. به تاریخ ۲۱ حوت سال ۱۳۲۲ هـ ش جدول مترقی به ۲۵٪ مالیه ثابت تعدیل شد. الی سال ۱۳۳۲ مالیات در مرکز وزارت مالیه اخذ میگردید و بعداً مالیات از مالیه دهنده گان توسط مستوفیت های ولایات حصول می گردید. در سال ۱۳۳۵ هـ ش مالیات بر عایدات به اساس جدول مترقی دیگری که حد اقل فیصدی آن ۵٪ و حد اعظمی آن ۱۱٪ را احتوا میکرد نافذ شد و این روش تا آخر سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۴ هـ ش قانونی بنام مالیات بر عایدات تشکیل شد و با انفاذ قانون جدید مالیه بر عایدات که از آغاز سال ۱۳۴۵ هـ ش نافذ شده جدولی مترقی دیگری که حد اقل فیصدی آن ۴٪ و حد اعظمی آن ۴۴٪ بود بوجود آمد. در سال ۱۳۴۱ هـ ش جدول دیگری که جدول های عواید و فورم های آن با جدول و فورم های جدول های قبلی متفاوت بود بوجود آمد. در سال ۱۳۵۱ هـ ش جدولی دیگری ۴ الی ۶۴٪ بود و در آغاز سال ۱۳۵۲ تطبیق گردید و در عین حال مالیات بر عایدات شرکت ها از ۲۴٪ به ۲۵٪ و مالیات انتفاعی شرکت های متذکره از ۲٪ به ۲۵٪ ارتقا داده شد ولی در ۱۳۱۳/۳/۳۴ به اساس تعدیلات قانون مالیات بر عایدات مالیه مفادی تمام شرکت های تولیدی، خدماتی، ساختمانی و تجارتي از ۲۴٪ به ۲٪ تعدیل و نافذ گردید. نظریه قانون مالیات بر عایدات که در سال ۱۳۱۴ هـ ش تصویب شد عموماً دونوع مالیات بر عایدات وجود دارد:

۱. مالیات بر عایدات انفرادی (اشخاص طبیعی)

۲. مالیات بر عایدات اشخاص حکمی یا شرکت ها و موسسات میباشد.

مطلب سوم نقش دولت در جمع آوری مالیات :

برای شناخت طبیعت و ماهیت مالیه عمومی بیش از هر چیز، شناخت دولت و نقش دولتها لازم و ضروری است. سوالی که در اینجا مطرح است، اینکه آیا اصلا نیازی به دولت هست یا نه؟ اگر مکانیزم مبادله از طریق بازار صورت می پذیرد، وظیفه دولت ها چیست؟ برخی از صاحب نظران مالیه عمومی را اعتقاد بر آن است که فراگیری دولت، وجود ایدیولوژیهای سیاسی و اجتماعی را منعکس می سازد که با فرضیات انتخاب مشتری و تصمیم گیری غیر متمرکز تفاوت دارند. همچنین مکانیزم بازار به تنهایی نمی تواند همه وظایف اقتصادی را در کشور به انجام برساند و بدون دولت ها، بازارها نمی توانند جایگاه اصلی و اساسی خود را به دلیل زیر به انجام برسانند:

۱- عدم وجود موانع برای ورود به بازار: ایجاد این وضعیت تنها با برقراری مقررات و قوانین توسط دولت ها امکان پذیر است.

۲- از بین بردن رقابت نا کارآمد توسط دولت ها امکان پذیر است.

۳- انجام تعهدات لازم و مبادلات مختلف در سطح بازار؛ بدون یک ساختار قانونی تنظیم شده توسط دولت ها امکان پذیر نیست.

۴- شکست بازار که ناشی از عوامل خارجی است؛ بدون دخالت دولت راه حلی نخواهد داشت.

۵- تنظیم قوانین و مقررات مختلف در ارتباط با تعدیل در توزیع درآمد و ثروت از طریق دولتها امکان پذیر است.

۶- اشتغال بالا، ثبات نسبی قیمت ها و رشد اقتصادی مطلوب از نظر اجتماعی توسط دولت ها امکان پذیر است.

۷- نظریات بخش خصوصی و عمومی در باره نرخ تنزیل مورد استفاده در ارزش گذاری مصرف آینده نسبت به زمان حال ممکن است متفاوت باشد و دخالت دولت در این امر ضروری است (ماسگریوها، ۱۹۱۹ صفحات ۶-۵).

این موضوعات، دلایلی برای دخالت دولت در اقتصاد بدست می دهد، به ویژه این عقیده که بازارها همیشه و در همه جا پاسخ مطلوب نمی دهند و دخالت دولتها در تعیین و تدوین قوانین و مقررات ضروری است.

دخالت دولت ها و مالیه عمومی:

کهن ترین مجادله در فلسفه سیاسی این است که دولتها چه وظایفی دارند و تا چه میزان بایستی در زمام امور جامعه دخالت نمایند؟ میزان دخالت دولت، بنیادی ترین جنبه تمایز ایدیولوژیکی است و در این راستا می توان پیوستاری را ترسیم نمود که در راست ترین نقطه آن، حداقل دخالت دولت پسندیده است و در چپ ترین نقطه، دخالت کامل دولت در اقتصاد توصیه می شود.^{۱۸۶}

مطالعات نشان می دهد که جوامع غربی سه مرحله اصلی دخالت دولت را تجربه کرده اند:

۱- جامعه اقتصاد آزاد در اواخر قرن هجدهم به عنوان آغاز دخالت دولت در اقتصاد.

۲- ظهور دولت رفاه در اواخر قرن نوزدهم به ویژه انگلستان که توانست با مسول قلمداد کردن دولت در زمینه بهترزیستی شهروندان، بسیاری از زیاده رویهای سرمایه داری را برطرف ساخت.

۳- تعقل گرایی اقتصادی از میانه دهه ۱۹۱۴ و کوچک کردن دولت ها با حداقل میزان دخالت دولت ها در امور اقتصادی.

مبحث دوم نقش مالیات در رشد اقتصادی امروزی:

مطلب اول : تأثیرات اقتصادی مالیات:

از نقطه نظر مالیه عمومی انقلاب کینز به این معنی است که مالیات عقاید تنها وسیله برای تأمین مصارفات دولت تصور کرد بلکه مالیات علاوه بر این ابزار اصلی دولت برای اطمینان از وجود تعادل عمومی و تعادل پولی در اقتصاد میباشد. یکی از مفهوم جدید مالیه این است که مقدار مالیات جمع آوری شده باید با توجه به شرایط اقتصادی تعیین شود. نه بر اساس نیازهای مالی دولت باشد. هدف اقتصادی سیاست مالی دولت در حکومت های جدید حفظ یک اقتصاد متعادل و در حال پیشرفت میباشد یعنی اینکه اشغال، ثبات اقتصادی مطلوب، ثبات قیمت ها نرخ مناسب تجمع سرمایه و سطح زندگی افراد مردم است. هدف مالیات این باشد که مخارج بخش خصوصی و دولتی از حد متعادل بالانزود. و یا اگر هدف

^{۱۸۶} پور مقیم، سید جواد، ۱۳۷۵. اقتصاد بخش عمومی، تهران ص ۱۹۵

مالیات جلوگیری از تورم باشد و یا مالیات ها دارای اثر مشابه نبوده امکان دارد با وضع مالیات مخارج خصوصی را زیاد و کم نماید.

مالیات ونوسانات اقتصادی:

اگر مالیات را وسیله برای اعمال کنترل اقتصادی، بخاطر تمایلات تورمی و ضد تورمی، توزیع مطلوب منابع بین مصرف و تجمع سرمایه فرض کنیم. به عقیده کالرود مؤثرترین سیستم مالیاتی مسمی است که در آن تنها دونوع مالیات منفی مالیات بر مصرف و مخارج شخصی و مالیات بر مصارفات سرمایه و ی وجود دارد. هدف از مالیات نوع اول محدود کردن تقاضا برای کالاهای مصرفی و هدف مالیات نوع دوم محدودیت متعادل کردن سرمایه گذاری های جاری میباشد. اگرچه در نظر اول مالیات مصارفات سرمایه و ی فاقد توجیه اقتصادی و اجتماعی بوده اما این مالیات همان اثر را خواهد داشت که مالیات برسود توزیع نانشده اقتصادی داده در این حالت برای جلوگیری از کاهش سرمایه گذاری در اغلب سیستم های مالیاتی، معافیت مالیاتی سرمایه گذاری وجود دارد. اگر نیاز به وجود یک عامل تنظیم کننده و قبول داشته باشیم وجود چنین مالیات قابل توجه خواهد بود. این نوع مالیات از نظر تنظیم کننده یک نوع ابزار کنترل مانند سیاست تغییرات نرخ بهره است. اما با مقایسه با سیاست تغییرات نرخ بهره دارای کارایی بیشتری میباشد. به عقیده کالدور از نقطه نظر اداره مؤثر و کنترل اقتصاد وجود هر نوع مالیات بجز مالیات بر مخارج و مصارفات غیر ضروری است. مالیات بر درآمد و مالیات برسود توزیع نشده پیچیده بوده و از نظر افراد کنترل بودن نا مؤثر هستند. این دو مالیات ابزار کوتاه المدت یا ضد نوسانی غیر مؤثری برای سیاست مالی می باشد زیرا رشد کوتاه المدت آن غیر قابل ملاحظه است و قابل پیشبینی نمی باشد.

تأثیرات مالیات بر خریداران و فروشندگان و مقدار فروش کالا :

هیچ تفاوت بین برقراری مالیات بر خریداران و یا فروشندگان یک کالا وجود ندارد. هنگامیکه مالیات بر خریداران وضع میشود منحنی تقاضا به اندازه مالیات بطرف پائین منتقل میشود. و هنگامیکه مالیات بر فروشندگان وضع میشود منحنی عرضه به اندازه مالیات به سمت بالا انتقال می آید. در هر حالت، هنگام برقراری مالیات قیمتی که خریدار میپردازد افزایش می آید و قیمت که فروشنده دریافت میکنند کاهش می آید بدون توجه به اینکه مالیات به چه کسی وضع شده است خریداران و فروشندگان با هم بار مالیاتی را تحمل میکنند. در شکل ذیل تا تغییرات مالیات بر یک کالا را نشان میدهد. در حالتی که مالیات بر خریدار وضع شود منحنی تقاضا و در حالت وضع مالیات بر فروشنده منحنی عرضه جابجا میشود. نتیجه نهایی این است که

مالیات شکافی بین قیمت که فروشندگان دریافت میکنند ایجاد مینماید و به علت وجود این شکاف، مقدار فروش کمتر از حالت قبل از وضع مالیات است. به عبارت دیگر، مالیات بر کالا، اندازه بازار را کوچک میکند. در شکل ذیل اثرات مالیات، و مالیات بر کالا شکافی بین قیمت که خریدار می پردازد. و قیمت که فروشندگان دریافت میکنند ایجاد می نماید. و مقدار فروش کالا کاهش می آید.^{۱۸۷}

اثرات اقتصادی مالیات در کشورهای در حال توسعه:-

به دلیل وضعیت اقتصادی متفاوت کشورهای در حال توسعه یافته و در حال توسعه، تحلیل های اقتصادی مناسب گروه اول نمیتواند در مورد گروه دوم صادق باشد. این دو گروه از کشورهای با مسایل اقتصادی متفاوت روبرو هستند. بنابراین سیاست های مالی متفاوت باید در اقتصاد هر یک بکار گرفته شود. ممکن است تغییرات اقتصادی خاص در هر یک تأثیرات متفاوت به بار آورد. دو مشکل عمده اقتصادی کشورهای در حال توسعه بودن استخدام نیروی کار و نرخ پائین تشکیل سرمایه میباشد بناً تأثیرات مالیات ها بر عرضه نیروی کار انسانی و پس انداز کشورهای در حال توسعه بررسی و مطابق آن سیاستهای مالی مناسب توسعه گردد.

الف- تأثیرات مالیات بر عرضه کار:-

وضع مالیات، درآمد کل و درآمد نهایی (هر دو) را تحت تأثیر قرار میدهد به این دلیل تأثیر خالص مالیات بر عرضه کار میتوند هم مثبت و هم منفی باشد. درحالی که مالیات درآمد نهایی را شدیدتر از درآمد تحت تأثیر قرار میدهد، رشد جایگزینی شدید تر از اثر درآمد خواهد بود. به همین علت است که مالیات تصاعدي زیادتر از مالیات مبنی عرضه کار را کاهش میدهد. مالیات بر درآمد پولی یا مخارج در بخش پول اقتصاد و یا فروش در بخش پول وضع میشوند چنین مالیات ارزش نهایی کار را در بخش معیشتی و غیر پولی نسبت به بخش پولی (که مالیات بر آن وضع شده) افزایش میدهد با وجود تأثیر درآمد ثابت در این حالت تمایل انتقال کار از بخش پول به بخش غیر پول بوجود می آید. انتقال کار، کوشش در بخش غیر پول تا وقتی است که مالیه دهنده علاقه مندی به خرید کالای وارداتی دارد. تا حدی عرضه کار در بخش پولی گردد. در این حالت تأثیر جایگزینی ضعیف بوده و تأثیر درآمد که انگیزه کار بیشتر را بوجود آورده در جهت عرضه بیشتر کار در بخش پولی عمل میکند. در کشورهای در حال توسعه قدرت و آمادگی تولید کننده برای انتقال تولید از بخش پولی به بخش غیر پول و برعکس متفاوت میباشد. در صورتیکه بازدهی خالص تولید در بخش

^{۱۸۷} منکو، گریگوری. مبانی اقتصادی. نویسنده منوچهر عسکری. انتشارات کوهسار. سال ۱۳۸۲. ص ۲۰۴-۲۰۵

پولي نسبت به بخش غير پولي کاهش يابد. آمادگي و قدرت توليدکننده در جهت فعاليت هاي توليدي با بازدهي بيشتري ميباشد. ماليات بشکل فيصدي از قيمت فروش کالا بازدهي خالص را کاهش ميدهد و توليد را کم خواهد کرد. در مراحل اوليه توسعه اقتصادي، حرکت فعاليت هاي اقتصادي از بخش پولي به بخش معيشتي به اقتصاد صدمه کمتر خواهد زد زيرا که بخش پولي هنوز بطور قابل رشد نکرده بسياري افراد فعاليت نميکنند در اين زمان است که مالياتي که به متغيرهاي بخش پولي وضع ميشود تمايل دارد به شدت عرضه کار را در اين بخش کاهش دهد. ورشد اين بخش را متوقف نمايد. اين تأثير در صورتیکه ماليات بر درآمد تصاعدي يا ماليات بر کالاي که داراي ارتجاعيت شديد درآمد تقاضا هستند يا ماليات بر فروش و توليد باشد شديد تر خواهد گرديد. متأسفانه عموماً ماليات که در کشورهاي در حال توسعه براي تأمين مصارفات عمومي و يا تجهيز پس انداز پيشنهاده ميگردند، چنين مالياتها هستند. بنابر اين در کشورهاي در حال توسعه ماليات بر متغيرهاي بخش پولي عرضه کار را در اين بخش کاهش خواهد داد. اين تخصيص مجدد تابع، اثر منفي بر درآمد حقيقي کل اقتصاد خواهد گذارد. و کاهش درآمد ملي و اتصال منابع از اقتصاد و مبادله بيوپول در بلندمدت، نرخ رشد اقتصادي را کاهش خواهد داد.

ب - تأثيرات مالياتها بر پس اندازها:

هرگونه مالياتي درآمد قابل خريد حقيقي ماليات دهنده و کاهش ميدهد تصور ميشود که کاهش درآمد حقيقي پس انداز را به ميزان بيشتري از مصارف کاهش خواهد داد. اين مسأله حتي در حالات که عرضه کار نيز افزايش يافته است صادق ميباشد. اما کاهش پس انداز هنگامیکه عرضه کار در بخش پول کاهش يافته است شديدتر خواهد بود. حتي اقتصاد توسعه يافته نيز ماليات باعث کاهش پس انداز بخش خصوصي گمركي يا معافيت پس انداز از ماليات تاحدي کاهش داد. در کشورهاي در حال توسعه اين تدابير بکار گرفته نميشود. در بلند مدت ماليات با کاهش جريان پس انداز جلوگیری از توسعه اقتصاد مبادله وي و بخش پولي، مانع رشد تقسيم کار ميگردد. و نرخ رشد اقتصادي را کاهش خواهد داد. ماليات که جمع آوري آن ساده است و درآمد بيشتري را در کوتاه مدت ايجاد نموده و پس انداز و سرمايه گذاري بخش خصوصي را تحت تأثير قرار ميدهد. و در بلند مدت مانع رشد اقتصادي شود، بعضي ميگويند ماليات يکنوع پس انداز اجباري است و باعث افزايش پس انداز کل در اقتصاد ميگردد. اين یک خود باوري است، ماليات تنها پس انداز بخش خصوصي

را به دولت انتقال میدهد. و یک انتقال ساده است. افزایش منابع نیست. در صورتیکه پس انداز اجباری ضروری باشد این پس انداز باید از طریق بازار بودجه دولت بوجود آید.^{۱۸۸}

مطلب دوم نقش مالیات در رشد اقتصاد: اهداف اقتصادی مالیه عمومی را می توان در قالب سه مولفه زیر بیان نمود.

۱- رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ

یکی از اهداف هر نظام حکومتی در زمینه اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی است. رشد یعنی افزایش در آمد ناخالص ملی یک کشور در طی یک سالی مالی نسبت به سال ما قبل. رشد یک کمی، اما توسعه یک بهبود کیفی است. برای هر توسعه ای، رشد لازم و ضروری است، ولی کافی نیست و کافی بودن را در سایر مولفه های حاکم بر اقتصاد جستجو نمود. به عبارت دیگر رشد اقتصادی بدون توسعه اقتصادی کاملاً میسر است، اما اقتصادی بدون وجود رشد اقتصادی کمی دشوار تر است. مصارف عمومی دولت عبارت اند از قیمت کالاها و خدمات است که در حدود فعالیت دولت پرداخت می شود. طبقه بندی این مصارف متفاوت بوده و همچنان طبقه بندی مصارف دولت در همه کشورها یکسان نیست، و در یک کشور نیز نظریه تحولات اقتصادی و اجتماعی آن تغییر می پذیرد و تقریباً به تعداد نویسندگان کتب مالیه عمومی، طبقه بندی وجود دارد. این نویسنده گان در مورد طبقه بندی ذیل اتفاق نظر دارند.

۱- مصارف عمومی اداری و اجرایی

۲- مصارف عمومی اقتصادی

مطلب اول مصارف عمومی اداری و اجرایی:

منظور آن دسته از مصارفی است که برای نگهداری از اموال منقول و غیر منقول و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای اجرای عملیات یا نظارت را فراهم می آورند و غالباً ۲۵-۱۵ فیصد کل بودجه جاری دستگاههای اجرایی را شامل می شود و در طرحهای عمرانی حسب مورد ۱۴-۵ فیصد از کل اعتبار طرح می باشد ۲۲۱. برای مثال میتوان مصارف هر اداره را به شکل زیر تقسیم کرد:

مخارج اداری.

^{۱۸۸} تفوا، مهدی و مهند، ابوطالب. سال ۱۳۸۳. مالیه عمومی. سازمان چاپ احمدی از انتشارات کتابخانه فروزدین

۲-توازن ترازپرداخت ها

هر کشوری که بخواهد در صحنه مبادلات اقتصادی، سیاسی خود را مطرح نماید، باید در ترازپرداخت های خود توازن ایجاد نماید. یعنی وقتی بخشی از تولیدات خود را از کشور صادر می نماید، نهایتاً معادل آن را از خارج تامین نماید. علمی که بتواند به توازن صادره ها و وارده ها کمک نماید، مالیه عمومی است.

۳-عدالت اقتصادی و اجتماعی

یکی از مهم ترین هدفهای هر نظام حکومتی در جهان، استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی است تا تمامی افراد کشور قادر باشند با توجه به توانایی ها و استعداد های که دارند از امکانات کشور برخوردار باشند. عملی که بتواند به استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه مدد رساند، مالیه عمومی است.

جهات مصرف مالیات

مبحث سوم

مصارف عمومی دولت عبارت از قیمت کالاها و خدمات است که در حدود فعالیت دولت پرداخت می شود.

طبقه بندی این مصارف متفاوت بوده و همچنان طبقه بندی مصارف دولت در همه کشورها یکسان نیست، و در یک کشور نیز نظر به تحولات اقتصادی و اجتماعی آن تغییر میپذیرد و تقیبا به تعداد نویسندگان کتب مالیه عمومی، طبقه بندی وجود دارد. این نویسندگان در مورد طبقه بندی ذیل اتفاق نظر دارند.

۱- مصارف عمومی اداری و اجرای.

۲- مصارف عمومی اقتصادی.

مطلب اول مصارف عمومی آداری و اجرایی:

منظور آن دسته از مصارفی است که برای نگهداری از اموال منقول و غیرمنقول و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای اجرای عملیات یا نظارت را فراهم می آورند و غالباً ۲۵-۱۵ فیصد از کل اعتبار طرح می باشد.^{۱۸۹}

برای مثال میتوان مصارف هر اداره را به شکل زیر تقسیم کرد:

- مخارج اداری.
- مخارج حفظ امنیت داخلی و عدالت.
- مخارج امنیت خارجی.
- مخارج ارتباط بین المللی.
- مخارج فرهنگی و آموزشی.
- مخارج عملیات اقتصادی.
- مخارج امور اجتماعی.

جزء اول انواع مصارف عمومی اداری و اجرایی:

۱- ماموریت، حمل و نقل و ارتباطات

ماموریت و نقل و انتقال افراد شامل مصارف نقل و انتقال کارکنان شاغل که به علت تغییر شرایط کار آنان در داخل یا خارج از کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم فعالیت می نمایند. مصرف سفر نیز جزئی از این بخش می باشد که چنانچه ماموری برای انجام ماموریت اداری شب را در محل ماموریت بگذارد، براساس مصوبات و دستورالعمل های سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور می بایستی فوق العاده روزانه پرداخت گردد. هم چنین کلیه مصارف پستی، تلگراف، و تلکس و فاکس، مصارف تلفنی دستگاهها و سایر مصارف مخابراتی که از طریق اجاره کانال های ماکروویو یا از طریق ماهواره عکسهای رادیویی مخابره می گردد. مشمول مصارف این بخش می باشد.

^{۱۸۹}رحمانی، عبدالطیف، حقوق مالی و بودیجه، انتشارات سعید، سالی ۱۳۹۶ ص ۲۷

۲- اجاره

اجاره عبارت است از بهره ای که از زمین یا ساختمان و تاسیسات و خلاصه از یک دارایی ثابت عاید ذینفع می شود. پرداخت حق استفاده از این دارایی های ثابت تحت عنوان اجاره تفسیر می شود. این بخش شامل اجاره ساختمان، ابنیه و اراضی به صورت ساختمان اداری، پارکینگ، انبار و، کرایه ماشین آلات و وسایل ثابت (ماشینهای محاسباتی، دستگاه زیراکس و ماشین آلات سنگین ثابت و متحرک) و کرایه سایر لوازم می باشد که تحت عنوان مصرف اجاره قلمداد می شود^{۱۶۰}.

۳- خدمات قراردادی عام

عبارت است از مجموع مصارف خدماتی دولتی که دستگاه اجرایی از بخش خصوصی یا دولتی دیگر تقاضا می نماید. این بخش شامل مصرف نگهداری ساختمان و تاسیسات آن، نگهداری وسایل نقلیه، نگهداری ماشین آلات، مصرف تعمیرات و تغییرات جزئی و نگهداری وسایل اداری، مصرف مطبوعات و انتشارات مصارف خدمات تبلیغاتی، مصرف پذیرایی (تشریفات)، مصارف مطالعاتی، تحقیقاتی و بررسی و سایر خدمات می باشد که تحت عنوان مصرف خدمات قراردادی قلمداد می شود.

۴- خدمات قراردادی خاص

این بخش شامل سوخت حرارتی و برودتی، سوخت وسایل نقلیه موتوری و سایر مواد مصرف شدنی آنها، سوخت ماشین آلات ثابت و سنگین، مصرف بهای برق مصرفی و آب آشامیدنی می باشد.

۱- مواد و لوازم مصرف شدنی

این بخش بیانگر مصارف کالاهای مصرفی بی دوام و یا کم دوام است و به سهولت استهلاک پذیر است. مصارف این بخش شامل کالاهای مصرفی برای نگهداری ساختمان و تاسیسات و وسایل نقلیه و ماشین آلات می باشد.

۶- مصارف بری

به موجب ماده ۵۱ قانون محاسبات عمومی، این مصارف به تشخیص وزیر یا مقامات مجاز از طرف آن و امضای ذیحساب به مصرف واقعی منظور می شود.

^{۱۶۰} همان اثر، ص ۲۷

جزء دوم انواع مصارف عمومي اقتصادي:

این نوع مصارف به سه گروه به شرح زیر تقسیم می شوند:

۱- مصارف جاری

۲- مصارف سرمایه ای

۳- مصارف انتقالی

مصارف جاری:

مصارف جاری دولت، در حقیقت مصارف هستند که در زمان حال، منافع را ایجاد نمایند و دارای منافع مستقیم در بلند مدت و آینده نیستند. صاحب نظران این نوع مصارف را مصارف مصرفی تلقی می نمایند. این مصارف باعث افزایش فوری در تقاضای کل بدون تغییر در طرف عرضه می باشد. این مصارف در بودجه دولتی ایران در فصل اول تحت عنوان مصارف پرسنلی مشخص شده است. مصارف پرسنلی در برابر انجام دادن خدمت یا به واسطه آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به صورت حقوق و دستمزد، مزایا و کمک ها منحصرأً به کارکنان شاغل که خدمت مستمر ارایه می نمایند، پرداخت می گردد. و غالباً بیش از ۱۵-۱۰ فیصد کل بودجه جاری دستگاه اجرایی را شامل می شود و در طرحهای عمرانی به علت عدم سازمان و تشکیلات مصوب، اعتباری برای این منظور مشخص نمی گردد. این مصارف عبارت اند از:

۱- حقوق و دستمزد

این مصارف در برابر خدمت مستمر به شاغلین پرداخت می شود و غالباً دریافت کننده گان آن عبارت اند از کارکنان رسمی دولت که مشمول قانون استخدام کشوری هستند. کارکنان غیر رسمی و موقت و غیر دایم که در مورد مشمولین قانون استخدام کشوری به صورت پیمانی و در سالهای اخیر به صورت خرید خدمت، قراردادی و روزمزد، بدون اینکه در قانون استخدام کشوری و آیین نامه های مربوط از آنها ذکر به عمل آمده باشد، پدید آمده اند. هم چنین کارکنان موقت دستگاههای مشمول قانون خاص کارگران تابع قوانین کار و تامین اجتماعی و سایر کارکنان که هیچ کدام از موارد فوق مطابقت ندارند.

۲- مزایا و كمك ها

هر شغلي به موجب قانون استخدام كشوري داراي مزايایي است، هم چنین قوانین استخدامي خاص دستگاههاي اجرائي نیز براي مشاغل خود مزايایي تعیین شده است و هر مزايایي در دستگاههاي مربوط به خود مصداق دارد که اهم آنها عبارت اند از:

- فوق العاده يا مزايایي شغل شاغلين

- پاداش

- فوق العاده اضافه کار و کشيك

- فوق العاده بدی آب و هوا، محرومیت از تسهیلات زنده گی و محل خدمت و اشتغال خارج از کشور

- سایر مزایا و فوق العاده ها^{۱۹۱}

جزء سوم مصارف سرمایه اي:

منظور ، مصارفي هستند که در آینده کسب در آمد مي کند و از تجمع مصرف کالاهای سرمایه اي ، واسطه اي و مصرفي ایجاد، یا امکانات ایجاد آن به صورت سرمایه گذاري ثابت فراهم مي آورد و در بودجه جاری معمولاً به صورت وسایل و تجهیزات اداری و در طرحهاي عمراني به صورت دارايي هاي ثابت ظاهر مي شوند و غالباً در بودجه جاری ۵-۳ فیصد از کل بودجه جاری و در طرحهاي عمراني بیش از ۹۵ فیصد از کل اعتبارات طرح را تشکیل مي دهد. این نوع مصارف در قالب فعالیت های اقتصادی کشورها، برای انجام وظایف بلند مدت و آینده نگري آنان صورت مي پذیرد. افزایش در مصارفي سرمایه اي موجب افزایش در تقاضاي کل و در تغییر عرضه کل در اقتصاد تاثیر خواهد داشت. این نوع مصارف در بودجه دولتي ایران در فصل سوم مصارف تحت عنوان مصارف سرمایه اي مشخص شده است. این مصارف عبارت اند از:

۱- مطالعه برای ساختمان و تاسیسات

^{۱۹۱} غوثي، محمد عارف. ۱۳۵۳. قاموس اقتصاد. انتشارات مطبعه دولتي. کابل. ص ۳۶

هر نوع مطالعه و تحقیق و طراحی قبل یا حین اجرا به منظور ایجاد و یا احداث ساختمان و تاسیسات بر اساس عقد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی جز این بند منظور می شود.

۲- خرید ساختمان، زمین و حقوق انتفاعی

اشاره به انتقال مالکیت یا حقوق انتفاعی می نماید. بدون اینکه در آن ایجاد ارزش افزوده ای بوجود آمده باشد.

۳- ساختمان

آن قسمت از مصارفی سرمایه ای که به صورت سرمایه های ثابت اقتصادی و اجتماعی که به صورت کالا و خدمات موجبات ارزش افزوده و تشکیل سرمایه را فراهم آورند، در صورتی که به طور اعم به صورت ساختمان باشد در این قسمت منظور می شود مصارف این بند شامل مصارف ثابت خرید خدمات و کالاها برای ایجاد و احداث ساختمان و تجهیزات جزئی، تعمیرات اساسی در ساختمان و تجهیزات و مصارف آماده سازی زمین می باشد.

۴- ماشین آلات و تجهیزات عمده مصارف مربوط به بهای کالا و خدمات مربوط به نصب و راه اندازی، حمل و مانند آن برای بار اول در این بند منظور می شود.

۱- سایر کالاهای مصرف شدنی

کلیه کالاهای سرمایه ای با دوام که در دفاتر اموال ثبت و به پلاک اموال مزین می گردند در این بند منظور می شوند^{۱۹۲}.

۶- قرض، مشارکت و کمک برای سرمایه گذاری بخش عمومی

بخش عمومی در برگیرنده بخش دولتی نیز می شود، آن قسمت از بخشهایی که عرفاً نیمه دولتی، وابسته به دولت و سایر عناوین مشابه را شامل می گردد، جز بخش عمومی محسوب می شوند. اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گرفتن و دادن قرض یا کمکهایی بلاعوض داخلی و خارجی از طرف دولت را با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز دانسته است.

^{۱۹۲} همان اثر، ص ۳۷

۷-قرض، مشارکت و کمک برای سرمایه گذاری بخش خصوصی

اصل ۱۴ قانون اساسی پرداخت آن را با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز دانسته است. در حقیقت آن قسمت از سرمایه گذاری که از محل بودجه عمومی دولت تامین می شود به منظور افزایش ظرفیت های اقتصادی و اجتماعی جامعه به بخش خصوصی صورت می پذیرد. لیکن در شرایط فعلی ایران مصداق ندارد و مکانیزم پرداخت آن از طریق تبصره های قانون بودجه هر سال اعمال می گردد.

جزء چهارم: مصارف انتقالی:

مصارف انتقالی در حقیقت مصارف هستند که به صورت یک طرفه از سوی دولت ها به اقشار آسیب پذیر و واحدهای مشخص شده در قانون پرداخت می گردد و در قبال پرداخت این مصارف کالا یا خدمات دریافت نمی شود. به عبارت دیگر انتقال درآمد یا قدرت خرید از یک واحد به واحد دیگر است. این مصارف در تولید ناخالص ملی، منظور نمی گردد، ولی در محاسبه درآمد قابل تصرف افراد به حساب می آیند. یکی از اثرات فوری این نوع مصارف در جامعه افزایش تقاضا و مصرف در سطح جامعه است. و به عنوان وظیفه توزیعی دولت ها محسوب می گردد. این نوع مصارف در بودجه دولتی ایران تحت عنوان پرداخت های انتقالی مشخص شده است. این مصارف عبارت اند از:

۱- کمک و اعانه بخش عمومی

پرداخت های که یک دستگاه دولتی به دستگاه دولتی دیگر یا یک دستگاه دیگر به یک شرکت دولتی یا موسسه انتفاعی وابسته به دولت در بخش عمومی پرداخت می نماید در این بند منظور می شود. این مصرف بنا به تشخیص بالا ترین مقام دستگاه اجرایی و تامین آن از طرف ذیحساب به مصرف قطعی منظور می گردد.

۲- کمک و اعانه بخش خصوصی

پرداخت های که یک دستگاه دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی در بخش خصوصی پرداخت می نماید. این مصرف بنا به تشخیص بالا ترین مقام دستگاه اجرایی و تامین آن از طرف ذیحساب طبق مقررات مصوب به مصرف قطعی منظور می گردد.

اشخاص حقیقی و حقوقی نباید هیچ گونه رابطه استخدامی دولتی با دستگاه کمک کننده داشته باشند.

۳- باز پرداخت وام و پرداخت بهره

قروض داخلی و خارجی از سیستم بانکی طبق قانون دریافت و به عنوان سایر منابع تامین اعتبار در بودجه عمومی دولت منظور و به مصرف اعتبارات جاری و عمرانی می رسد و به موجب قانون اصل و فرع آن پرداخت می شود.

۴- پرداخت انتقالی به کارکنان

پرداخت های انتقالی به منظور برقراری تعادل های اجتماعی در جامعه صورت می گیرد و بدون آنکه این پرداخت ها در برابر ارایه کالا ها یا خدمات باشد. به صورت یک جانبه طبق مقررات پرداخت می گردد. این پرداخت ها به کارکنان غیر شاغل، بازنشستگان، پاداش پایان خدمات و سایر کمک ها می باشد.

۵- دیون

قروض که بر ذمه دولت بر اثر تحویل کالا یا انجام خدمات یا عقد قرارداد یا رای مراجع قضایی صلاحیت دار اعتبار آن تامین نشده باشد دیون می گویند^{۱۹۳}.

مطلب دوم : طبقه بندی مصارف عمومی از نگاهی دیگر

این نوع طبقه بندی مصارف عمومی دولتها را در چهار دسته به شرح زیر تقسیم بندی می نماید:

۱- تقسیم بندی بر اساس وظایف دولت ها

اولین اقتصاددانی که بر مبنای وظایف دولت ها مصارف عمومی را تقسیم بندی نموده آدام سمیت است. وی این مصرف را در قالب چهار وظیفه مهم و اساسی دولت ها ذکر می نماید که عبارتند از:

- اجرای نظم و قانون

- عدالت

- ایجاد تسهیلات عمومی

- اعمال حاکمیت دولتها

۲- تقسیم بندی بر اساس سازمانهای مختلف

^{۱۹۳} قدیری اصلی، باقر. ۱۳۷۰. کلیات علم اقتصاد. انتشارات مرکز نشر سپهر تهران. ص ۱۱۶

از انجایی که دولت ها ، مسولیت اداره امور سازمانهای مختلف تحت پوشش خود را بر عهده دارند، مصارف عمومی این سازمانها را بایستی پردازند. از آن جمله سازمانهای مختلف که تحت عنوان وزارت خانه های مختلف در دولت مطرح می باشد.

۳-تقسیم بندی بر اساس اولیه و ثانویه بودن مصارف

به این نوع مصارف، مصارف های اجباری و اختیاری نیز می گویند. برای مثال مصارف های امور دفاعی ، امور قضایی، امور انتظامی و اجباری بوده و مصارف مربوط به امور اجتماعی ، امور اقتصادی، و امور عمومی تقریباً اختیاری هستند^{۱۹۴}.

۴-تقسیم بندی بر اساس مصارف های انتقالی و غیر انتقالی

مصارف انتقالی مصارف های هستند که در قبال آنها خرید کالاها و خدمات صورت می پذیرد. لیکن مصارف های غیر انتقالی مصارف های هستند که در قبال آنها خرید کالاها و خدمات صورت نمی پذیرد و بلاعوض می باشد. طبقه بندی مصارف عمومی از نظر تاثیر اقتصادی تاثیر اقتصادی مصارف عمومی با ذات و طبیعت مصارف مرتبط است و از این نظر به دو دسته تقسیم می شوند.

۱-مصارف های خرید عوامل تولید و کالاهای مصرفی

مصارف خرید عوامل تولید و کالاهای مصرفی، مصارف هستند که صرف خرید کالاها و خدماتی می شوند که بصورت مواد اولیه و عوامل تولید و یا به صورت کالاهای ساخته شده در بخش خصوصی بوده باشد.

۲-مصارف یا پرداخت های انتقالی

مصارف انتقالی مصارف هستند که مستقیماً در مقابل کالا و خدماتی پرداخت نمی شود. بلکه بصورت یک طرفه از سوی دولت ها به اقشار آسیب پذیر و واحدهای مشخص شده در قانون پرداخت می گردد. این نوع مصارف به سه دسته تقسیم می شوند:

^{۱۹۴} همان اثر ص ۱۱۷

جزء اول انواع مصارف یا پرداخت های انتقالی:

الف- مصارف انتقالی اجتماعی

مصارف انتقالی اجتماعی ناشی از عواملی چون انقلابات و کودتاها هستند که دولتهای نمی توانند عملاً در قبال آنها بی اعتنا باشند و ناچار به پرداخت این نوع مصارف هستند. از جمله این مصارف می توان به بیمه های بیکاری دولتها و کمک به اقشار آسیب پذیر جامعه اشاره نمود.

ب- مصارف انتقالی مالی:-

مصارفات انتقالی مالی از قروض عمومی دولت ناشی میشود. و عبارت از مصارف پرداخت اصل و ربح قرضه های دولتی است. به علت اینکه گروهی از مخارج دولت بسیار سنگین بوده و با استقراض تأمین میگردند اصل و ربح این قرضه های عمومی هر سال در بودجه منظور میشود از نظر مصارف عمومی استهلاک اصل و ربح دیون دولت، انتقال سهم از درآمد ملی به صاحبان اوراق قرضه های دولتی است و به علت اینکه در مقابل پرداخت اصل و ربح دیون دولت ارسال پرداخت، کالاها و یا خدمات دریافت نمیکند. بنابراین عمل پرداخت در مقابل خدمات مالی گذشته انجام میپذیرد. کارشناسان مالی عمومی و بودجه این نوع مصارف را مصارف انتقالی مالی نامیده اند. در اثر توسعه فعالیت های دولت ها و تأمین میزان قابل توجه از مصارف بوسیله استقراض، این نوع مصارف نسبت به مصارف عمومی دولت صد فیصد قابل توجه گردیده است.

ج - مصارف انتقالی اقتصادی:

آن بخش از مصارف عمومی میباشد که بوسیله دولت بطور تثبیت قیمتها و تعدیل نرخ دستمزد انجام میگیرند دولت با پرداخت قسمتی از مصارف تولید به عنوان کمک به تولید کنندگان، علاوه بر تشویق آنان به توسعه تولید باعث میگردد که کالا و خدمات به قیمت نازلتری بدست مصرف کننده گان برسد (درحقیقت این یک نوع مالیات بر مصرف منفی است که باعث کاهش قیمت و توسعه تولید میگردد) درکشورهای فرانسه و انگلستان بخصوص پی گیری از این سیاست کمک به تولید کنندگان، به منظور تثبیت قیمت ها و تعدیل دستمزد به طور دوام دار ادامه دارد. به همین دلیل است که در بازارهای انگلستان و فرانسه مصرف کننده گروهی از کالاهای ضروری (اغلب مواد غذایی اصلی مانند شیر، گوشت و تخم مرغ و میوه) را حتی به قیمت کمتر از قیمت تمام شد خریداری میکنند. این امر نه تنها باعث تثبیت قیمت های کالاهای ضروری و سایر قیمت ها میگردد. بلکه به علت رابطه معکوس بین قیمت ها و قدرت خرید دستمزد باعث جلوگیری

از کاهش قدرت خرید طبقات کم درآمد می‌شود. میزان کمک دولت به تولیدکننده گان معمولاً عبارت از اختلاف بین قیمت فروش کالا در بازار و قیمت تمام شد به علاوه سود عادلانه برای تولید کننده است. اگر P قیمت C مصرف و n سود عادلانه و S کمک دولت باشد. رابطه ذیل بدست می‌آید $S = (n+c) - p$. در صورتیکه کالای را که دولت در نظر دارد، قیمت آنرا تثبیت کند کالای وارداتی باشد کمک دولت با وارد کننده پرداخته می‌شود و در صورتیکه دولت قدرت رقابت کالای داخلی را در بازارهای بین المللی بالا ببرد در این صورت کمک دولت از طریق تشویق صادرات به صادرکنندگان پرداخته خواهد شد.^{۱۹۰}

۴- مصارفات سرمایه گذاری دولت:

مصارفات سرمایه گذاری دولت نتیجه تحول عقاید اقتصادی و مالیه عمومی است. همان طوریکه دیدیم کلاسیک ها مخالف و گونه مداخله دولت در امور اقتصادی بودند و عقیده آنان تعادل اقتصادی، یعنی تعادل بین عرضه و تقاضا و تقاضای کل جامعه، خود بخود اشغال کامل عوامل تولید را تضمین میکند به عقیده آنان در صورتیکه رابطه ذیل صادق باشد $Y = C + I$ (سرمایه گذاری های خصوصی = I) و عاید مجموعی $Y =$ (مصرف عمومی) C باشد. تعادل اقتصادی وجود دارد و اقتصاد از یک حالت اشغال کامل است. در این صورت نیازی به سرمایه گذاری دولتی نخواهد بود. اما در صورتیکه اقتصاد در حالت اشغال کامل یا انتقال ناقص باشد، کاهش درآمد ملی باعث افزایش بیکاری می‌گردد. اشغال کامل و به اشغال ناقص تبدیل میکند. و یا اینکه شدت بیکاری را افزایش می‌دهد. در چنین صورت سرمایه گذاری دولتی تنها عاملی است که باعث جلوگیری از سقوط اقتصاد به سکه رکود می‌گردد، و با جلوگیری از بروز بیکاری و شدت بیکاری، رفاه اقتصادی و اجتماعی جامعه را تأمین میکند.

جزء دوم : سرمایه گذاریهای دولتی به دو گروه تقسیم میشوند:

گروه اول: سرمایه گذاری های هستند که بستگی به احتیاجات دولت در حدود اقتصاد عمومی دارند. حجم این دسته از سرمایه گذاری ها به علت اینکه هر ساله بر حسب پی گیری سیاستهای اقتصادی اتخاذ و برنامه ریزی شده اند، تقریباً ثابت می باشند.

گروه دوم: سرمایه گذاری های هستند که تابع احوال و اوضاع اقتصادی کشور میباشند و هدف اصلی از انجام آنان تأمین اشغال کامل میباشد و به علت تغییر احوال و اوضاع اقتصادی و ماهیت تنظیم کردن آن تغییر میکند.

^{۱۹۰} کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۱. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران .. انتشارات دانشگاه تهران. ص ۸

هنگامیکه اقتصاد درحالت تعادل است اما اشغال ناقص است، حجم این سرمایه گذاری هاتوسعه می یابند تا تعادل درحالت اشغال کامل وتأمین کند. هنگامیکه تعادل وجود دارد. واقتصاد درحالت اشغال کامل میباشد حجم این سرمایه گذاری ها به صفر می رسد، وهنگامیکه اقتصاد درحالت تعادل میباشد واشغال اشباه شده است، این سرمایه گذاری کاهش می یابند.

انواع سرمایه گذاری های دولتی وساختمان اقتصادی:-

اگر به ماهیت سرمایه گذاری توجه کنیم، روشن میگرد که هرگروه سرمایه گذاری های دولتی نه تنها تنظیم کننده متغیرهای سیستم اقتصادی، از نظر بهره مندی از درآمد ملی در حد اشغال کامل باشند بلکه ماهیت ونوع آنها باعث تحول در ساختمان اقتصادی واجتماعی جامعه نیز میگرد. تأثیرات سرمایه گذاری دولتی روی سیستم اقتصادی نه تنها بستگی به میزان سرمایه گذاری دارد بلکه، بستگی به نوع سرمایه گذاری نیز دارد. بنابراین در تجزیه وتحلیل سرمایه گذاری دولتی نمیتوان بر آن انواع سرمایه گذاری دولتی را نادیده گرفت. نکته مورد توجه رابطه بین تجزیه وتحلیل های کوتاه مدت و بلند مدت است تجزیه وتحلیل انواع سرمایه گذاری وساختمان اقتصادی تنها به منظور هماهنگی بین هدف های دراز مدت و کوتاه المدت از سرمایه گذاری های دولتی است. سرمایه گذاری های دولتی علاوه بر اینکه هدفهای کوتاه المدت مانند اشغال کامل راتأمین میکند، باید هدف های بلند مدت ساختمان اقتصادی را نیز تأمین نماید. مثلاً اگر در جامعه بیکاری وجود دارد ودولت فکرمیکند سرمایه گذاری دولتی باید برای رسیدن به اشغال کامل انجام شود، واگر در دراز مدت هدف صنعتی کردن کشور باشد بجای اینکه سرمایه گذاری های بیشتر در بخش زراعت پذیرد باید در بخش صنعت انجام گیرد. در اینجا بین هدف های کوتاه مدت و دراز مدت با توجه به بررسی نوع سرمایه گذاری هماهنگی ایجاد گردیده است واین نظر سرمایه گذاری های دولتی را میتوان به سه گروه تقسیم نمود.

۱- سرمایه گذاری زیربنایی دولت:

یکی از سرمایه گذاری مهم ومورد نیاز کشور، سرمایه گذاری در بخش زیربنایی میباشد سرمایه گذاری زیربنایی تقویت وحمايت شبکه اقتصادی یا شبکه زیربنای اقتصادی کشور است مانند سرمایه گذاری در بخش راه سازی، وغیره میباشد. کار زیربنایی توسعه تولید را روان می سازد ودر آن شبکه عناصر تولید متحرک میگرد. با ایجاد صنایع وساختن راه های آهن، صنایع ذوب آهن حرکت های فراوان را در بخش تولید ایجاد مینماید. همچنان سرمایه گذاری در بخش بانکها، بازار سرمایه نیز سرمایه گذاری زیربنایی گفته میشود.

۲- سرمایه گذاری های اجتماعی دولت:-

برای توسعه تولید و پیشرفت اقتصادی، علاوه بر شبکه اقتصادی، یک جامعه نیاز به شبکه زیربنایی اجتماعی دارد. شبکه اجتماعی شبکه است که از نظر فرهنگ، بهداشت و سایر امور اجتماعی وسایل برای توسعه تولید و پیشرفت اقتصادی، علاوه بر شبکه اقتصادی، یک جامعه نیاز به شبکه زیربنایی اجتماعی دارد. شبکه اجتماعی شبکه است که از نظر فرهنگ، بهداشت و سایر امور اجتماعی وسایل هر شخص انفرادی ای که ملکیت یک عراده موتر را می فروشد و یا انتقال می نماید مکلف به تادیه مالیه ثابت متذکره می باشد.

مثال: فیروز یک عراده موتر را در اختیار دارد و موتر متذکره را دو سال قبل به قیمت ۱۳۰۰۰۰ افغانی خریده است. فیروز طوری موافقه می نماید که موتر خود را بالای نجیب به مبلغ ۱۵۰۰۰۰ افغانی به فروش برساند. حین فروش موتر، فیروز مکلف به تادیه ۲٪ مالیه ثابت مبلغ ۱۵۰۰۰۰ افغانی یعنی ۳۰۰۰ افغانی می باشد. تبصره: فروش موتر توسط یک شرکت سهامی و یا محدود المسؤلیت تابع مالیه مندرج این ماده نمی باشد. در عوض، مفاد و یا عواید بابت فروش موتر تابع مالیات بر عایدات مندرج مواد ۲۱ و ۲۲ میگردد.

فصل پنجم

نقش غیر مسلمانان در اقتصاد و بیت المال

مبحث اول - جزیه

مطلب اول: معنای لغوی جزیه: اگر چند در اصل و مشتق کلمه جزیه میان اهل لغت نظریات مختلف است ولی قول صحیح و اغلب بر این است که کلمه ضریر از جزأ مشتق بود چنانچه ماوردی در کتاب خود الأحكام السلطانية آورده است: جزیه مشتق از جزاء بوده و آن جزای است بر کفر شان تا آن را منقادانه بپیر دازند و یا آن جزای است در بدل امان دادن اهل اسلام بر آنها از جهت رفق و گذشت آنها.^{۱۹۶} و در معجم الوسیط آمده است: «الجزية خراج الرض و مایؤخذ من اهل الزمة» یعنی: جزیه شامل خراج زمین و آن چیزیکه از اهل ذمه گرفته میشود میباشد.^{۱۹۷}

عده مقتصد اند که کلمه جزیه معرب «گزیت» است و از زبان فارسی به عربی راه یافته است.^{۱۹۸}

ب - معنای اصطلاحی جزیه: جزیه مالی است که دولت اسلامی از کفار اهل ذمه میگیرد.^{۱۹۹} و یا اینکه جزیه یک نوع سهم گیری مالی است که اهل ذمه (آنانیکه در سر زمین اسلامی بسر می برند) به دولت اسلامی میپردازند و در حقیقت جزیه در مقابل آن چیزیکه مسلمانانها بعنوان زکات میپردازند و در برابر عفو دولت اسلامی از مشارکت آنها در جنگ علیه دشمن قرار داده شده است زیرا که دین اسلام بر مسلمانانها دو فریضه را لازم گردانیده است.

مطلب دوم حقیقت جزیه و انواع آن

۱- ادا فریضه زکات جهت تضمین مالی اجتماعی (ب) جهاد بخاطر دفاع از دولت و رعیت آن در حالیکه دین اسلام اقلیتهای مذهبی را به هیچ یکی ازین دو فریضه مکلف نگردانیده زیرا که هر دوی این تکلیف به عبادات تعلق میگیرد و معلوم است که غیر از مسلمانانها به عبارات مکلف نیستند. بناء جزیه در عوض این دو فریضه بزرگ اسلامی قرار داده شده است.^{۲۰۰} دین اسلام دعیت خود را از اهل ذمه تنها به پرداختن دو مکلفیت مالی مسئول قرار داده است یکی جزیه و دیگر آن خراج است و بقیه

^{۱۹۶} الأحكام السلطانه، ص: ۱۸۱

^{۱۹۷} العجم الوسیط، ص: ۱۲۲

^{۱۹۸} نظام مالیات اسلام، ص: ۸۶

^{۱۹۹} مرجع سابق، ص: ۸۷

^{۲۰۰} النفقات العامة، ص: ۶۶-۶۵

مسئولیت های اجتماعی بدوش خود مسلمانها قرار داده شده اهل ذمه فقط به پرداختن همین دو مکلفیت مالی و رعایت نمودن آداب معاشرت اجتماعی که اسلام آنها را به آن مقیت میسازد به امن و امان در میان مسلمانها زندگی نموده از همه حقوق که اسلام برایشان در نظر گرفته است بر خوردار میباشند. در حقیقت جزیه یک نوع مالیاتی است که بر مالهای اهل ذمه در مقابل زکات مفروضه بر مالهای مسلمانها لازم دیده شده است طبق این قاعده اسلامی «لهم مالنا و علیهم ماعلینها» یعنی: میرسد برای اهل ذمه از هر نوع حقوقیکه برای ماست و از هر نوع مکلفیت که متوجه ماست و بخاطر اینکه زکات صفت تعبری دارد اهل ذمه جهت اسلام نیاوردن شان به آن مکلف نگردیده در بدل آن جزیه بر آنها لازم شده است و بعبارت دیگر جزیه مکلفیت مالی است که اهل ذمه آن را در برابر آن چیزیکه دولت برای شان از خدمات و تضمین اجتماعی و حمایت آنها در نظر گرفته است میپردازند^{۲۰۱}. اهل تشیع جزیه را مالیات سرانه میدانند چنانچه در تفسیر نمودن چنین مینویسد. جزیه یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که به افراد تعلق و میگیرد نه بر اموال و اراضی و به تعبیر دیگر «مالیات سرانه سالانه» است^{۲۰۲}.

مطلب سوم فلسفه جزیه: تاریخچه و فلسفه تشریح جزیه: جزیه تنها از مبدعات اسلام نیست بلکه قبل از اسلام نیز در میان اقوام و ملل و قدرتهای دیگر مروج بوده است و معمولاً کشورها و اقوام قوی از سرزمین های تحت الحمایه خود مالیات می گرفتند. چنانچه یونان در قرن پنجم پیش از میلاد از ساکنان آسیای صغیر در مقابل دفاع و حمایت از آنان در هنگام هجوم فینیقی ها چنین مالیات میگرفتند و مردم هم بر ملت های تحت سلطه خود جزیه وضع کرده بود^{۲۰۳}.

بعضی معتقد اند نخستین کسیکه جزیه گرفت انوشیروان پادشاه ساسانی بود او کسی بود از همه اشخاص که بیش از بیست سال و کمتر از پنجاه سال عمر داشتند و از کار کنان حکومت نبودند از هر نفر به تفاوت ۱۲ یا ۱۱ یا ۶ یا ۴ درهم مالیات سرانه اخذ میکرد^{۲۰۴}. وظیفه اصلی این مالیات را چنین نوشته اند که دفاع از موجودیت، استقلال و امنیت یک کشور و وظیفه همه افراد آن کشور است بنا بر این هر گاه جمعی عملاً برای انجام این وظیفه قیام کنند و عده دیگر بخاطر اشتغال به کسب و کار نتوانند در صف

^{۲۰۱} مرجع سابق، ص: ۶۶

^{۲۰۲} تفسیر نمونه، ج: ۷، ص: ۳۵۵

^{۲۰۳} نظام مالیاتی اسلام، ص: ۸۷

^{۲۰۴} تفسیر نمونه، ج: ۷، ص: ۳۵۵

سربازان قرار گیرند و وظیفه گروه دوم این است که مصارف جنگ جویان حافظان امنیت را به صورت یک مالیات سرانه در سال پردازند^{۲۰۵}.

مطلب چهارم چگونگی جمه آوری جزیه:

از آنچه گفته شد روشن میشود که جذیه تنها یک نوع کمک است که از طرف اهل کتاب در برابر مسؤلین که مسلمانان و حکومت اسلامی به منظور تامین امنیت جان و مال آنها به عهده میگردند پرداخت میگردد. بنابراین جذیه به هیچ وجهی از نوع تسخیر و تحقیر اهل ذمه نمی آید و آن اینکه جزیه را حق تسخیر می شمارند اصلاً به روح و فلسفه آن توجه نداشته اند چنانچه گفته شده اهل ذمه در برابر پرداخت جزیه علاوه به استفاده از مصؤنیت و امنیت هیچ گونه تعهدی از نظر شرکت در میدان جنگ و کلبه امور دفاعی و امنیتی بر عهده ندارند روشن میشود که مسؤلیت آنها در برابر حکومت اسلامی به مراتب از مسلمانان کمتر است یعنی آنها در برابر پرداخت مبلغ ناچیزی در سال از تمام مزایای حکومت اسلامی استفاده میکنند و با مسلمانان برابر میشوند در حالیکه در متن حوادث و در برابر خطرات قرار ندارد. هذا این مطالب از دلایل عمده نام ها مسلمانان و اهل کتاب به خوبی درک میگردد. بطور نمونه عهدنام که میان حضرت خالد بن ولید (ض) و مسیحان صورت داشته شده است ذکر میکنیم: "هذا کتاب من خالد بن ولید اصلو با ابن منطونا وقومه ائی عاهدتکم علی الجزیه والمنعة، فلک الذمة والمفة وما معناکم فلنا ولجزیه والا فلا. کتب مسئلہ اثنتی عشرة فی صفر^{۲۰۶}." یعنی این نامه است از خالد بن ولید به صلوا با (بزرگ مسیحیان) ز عمینش من با با شما یمان می بندم بر جزیه و رفاع، در برابر آن شما در حمایت ما قرار دارید و مادامیکه ما از شما حمایت میکنیم حق گرفتن جذیه داریم و لا حق نخواهیم داشت. این عهد نامه در سال دوازده هم جهری در ماه صفر نوشته شد. جالب اینکه می خوانیم هرگاه در حمایت از آنها کوتاهی میشود جذیه را بر آنها باز میگرداند و یا اصلاً از آنها نمی گرفتند. توجه بر اینکه در عهد نامه مقدار و اندازه مشخص تذکر داده نشده بکله میزان آن به توانایی جذیه دهندگان و کول ساخته است چنانچه از تواریخ اسلامی به دست میآید اینست که غالباً مبلغ محدودکی در این زمینه قرار داده شده است و این مبلغ گاهی در حدود یک دینار در سال بیشتر نبوده و حتی گاهی در عهد نامه ها قید میشود که جذیه دهندگان به مقدار توانا یشان جذیه پردازد از اقلیتهای مذهبی کاملاً یک حکم عادلانه و منطقی است.

^{۲۰۵} تفسیر نمونه، ج، ۷، ص: ۳۵
^{۲۰۶} تفسیر المنار جز ۲۹۴ نقل از تفسیر نمونه ۳۵۷.

ج- دلیل فرضیت جزیه:

قال تعالى (قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ

الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ)^{۲۰۷}

یعنی: با کسان از اهل کتاب که- خدا و روز آخرت ایمان میاورند و آن چه که الله و رسولش حرام گردانیده حرام نمی پندارند و به دین حق نمی گرانید پیکار کنید تا زمانی که جزیه را بدست خود با خضوع و تسلیم بپردازند.

مطلب پنجم علت پرداخت جزیه و اسباب آن

همانطور یکه در تعریف گذشت جزیه را باید اهل ذمه بپردازند به نظر اهل ذملا کسانى هستند که اسلامى را نمى پذيرد و ما به یکجا از ادیان آسمانى که داری کتاب است همچو یهودیت و نصرانیت معتقدانه و یا مجهوسیها نیز در گرفتن جزیه مانند یهودیان و نصرانیها معامله میگردد در صورتیکه در اهل معتقدات شان با یهودیهها، نصرانیها موافق باشند جزیه گرفته میشود. اما امام ابوحنیفه(رح) گرفتن جزیه را از بت پرستان که عجم باشند جواز میدهد و گرفتن جزیه را از بت پرستان عرب جواز نمیدهد.^{۲۰۸}

نا گفته نماند که جزیه بغیر از مردان آزاد و عاقل بردیگران لازم میباشد. زنان. کودکان و افراد غیر عاقل از پرداخت جزیه معاف بوده و از آن جزیه پرداخت نمیگردد.^{۲۰۹}

و همه چنان جزیه از شخص مسکین که انفاق از سوتی دیگران ضرورت دارد و شخص کور، مریض و خانه نشین که پیشه و کار ندارد لازم نمیشد^{۲۱۰} و از امورات اهل ذمه چیزی را به عنوان نکات گرفته نمیشود چه شتر گاو و گوسفند و غیره باشد چه این اموال از مردهای آنها باشد. و یا از زنان آنها چنانچه عبدالله بن عباس میگوید: "در اوال اهل ذمه بجز از عضوی چیزی لازم نیست" امام ابویوسف(رح) میگوید: "در مالهای مردان و زنان اهل ذمه زکات لازم نیست مگر دین مال هایشان در دوران تجارت باشد

^{۲۰۷} سوره ۹: التوبة آیه ۲۹

^{۲۰۸} الأحكام السلطانية، ص: ۱۸۳ و نظام مالیاتی اسلام، ص: ۸۹

^{۲۰۹} الأحكام السلطانية، ص: ۱۸۳ و کتاب الخراج، ص: ۳۵۳

^{۲۱۰} کتاب الخراج، ص: ۲۵۳

و در آن صورت بر آنها نصف عشر لازم است^{۲۱۱}. آیا جزیه مالیات بر رؤس است یا مالیات بر زمین؟ و یا اینکه جزیه را میتوان همه بر رؤس و همه بر اراضی و وضع نمود: همه فقهای اهل سنت جزیه را مالیات بر رؤس می دانند و معتقد اند که بر اراضی نمیتوان جزیه بست چنانچه ماوردی مینویسد: جزیه مالیاتی است که بر رؤس وضع شده و با بقای کفر گرفته میشود و به اسلام آوردن ساقط میشود بخلاف خراج که به اراضی خراجیه تعلق میگیرد و در حالت کفر و اسلام گرفته میشود^{۲۱۲}.

به نظر میرسد آنچه در صدر اسلام شده است. جزیه بر رؤس بوده و در مورد زمین ها جزیه کدام ربطی ندارد و آن چیزیکه در مورد مالیات اراضی صدق میکند خراج است که اهل تشیع به آن معتقد اند.

مطلب ششم مقدار جزیه :

در مورد تعیین مقدار جزیه در میان فقها اختلافات وجود دارد.

مذهب احناف به این باور اند که در تعیین جزیه طبقات مختلف اهل ذمه را در نظر گرفته شود و آنها را به سه طبقه تقسیم نموده است:

۱- اغنیا مانند تاجران و غیره ۴۱ درهم پردازند^۲ - متوسطین ۲۴ درهم^۳ - فقرا ۱۲ درهم^{۲۱۳}

بنا بر این فقهای احناف مقدار جزیه را تعیین نموده اجتهاد والیان را در مورد تعیین مقدار جزیه منع نموده است. امام مالک(رح) در مورد جزیه هیچ مقداری را تعیین نکرده اند و اندازه اقل و اکثر آن را موکول به اجتهاد والیان نموده است^{۲۱۴}.

اما امام شافعی(رح) اقل جزیه را به یک دینار تعیین نموده میگوید: از یک دینار کم کردن جزیه جائز نمیباشد و حد اکثر آن را به اجتهاد والیان راجع میسازد تا او در میان آنها تعادل را طبق اختلاف طبقات زندگی شان در تعیین جزیه به وجود بیاورد^{۲۱۵}.

^{۲۱۱} مرجع سابق، ص: ۲۵۴

^{۲۱۲} حکام السلطانیة، ص: ۱۸۱

^{۲۱۳} الأحکام السلطانیة، ص: ۱۸۴، و کتاب الخراج، ص: ۲۵۵

^{۲۱۴} حکام السلطانیة، ص: ۱۸۴

^{۲۱۵} مرجع سابق، ص: ۱۸۴

نتیجه گیری:

از مجموع مباحث گذشته، تاریخ بیت المال و اقتصاد اسلامی میتوان چنین نتیجه گرفت.

۱- بیت المال اسلامی با داشتن مواد و منابع سرشار و غنی خود به بهترین وجه جواب گوی همه نیاز مندیهای جامعه بوده بشریت را بسوئی رفاه و ترقی بدون افراط و تفریط گرائی رهنمائی نموده مصالح فرد و جامعه را با ابعاد مختلف در نظر گرفته است. بیت المالیکه در ظل وسایه آن نه جامعه تقرر بوده و نه افراد، نه حاکم مستبدانه و مبدرانه در آن تصرف میکند و نه افراد در گرفتن حقوق شان مظلوم قرار میگیرند بلکه رعیت و حاکم، فقیر و ثروت مند همه با هم دست اخوت و همکاری داده جامعه مرفعه و دولت مستحکم را تشکیل میدهند که متضمن به مصالح همه آنها باشد.

۲- بیت المال و به عباره دیگر زیر بنای اقتصاد اسلامی همراه با اصول اخلاق اسلامی هدفش توزیع عادلانه ثروت و رفاه و آسایش مردم و هم سطح بودن زندگی زمام داران با افراد بوده چنانچه نمونه های آن را در زمان پیغمبر (ص) و خلفای راشدین (رض) دیدیم.

۳- در سایر زمانها تا آنجائیکه مسلمانان و زمامداران به دستورات اسلام عزیز عمل کردند و از اموال بیت المال حفاظت نمودند مردم و جامعه در وضع خوبی بودند و همواره در ترقی، پیشرفت و عزت زندگی نمودند.

۴- قوانین اقتصادی در زمان عمر بن عبدالعزیز (رض) و دوران خلفای عباسی تا حدودیکه عملی بود، مملکت عظیم و پهناور اسلامی که از چین تا اسپانیا گسترش یافته بود بخوبی اداره میکرد و هیچگاه احتیاج به کمکهای اجنبی و قوانین آنها نداشت بلکه دیگران به آنها محتاج بودند و از قوانین شان تقلید میکردند.

۵- در هر زمان مسلمانان و زمامداران، قوانین الهی را فراموش کردند به مادیات و تجملات، اصراف و تبذیر روی آوردند زندگی بر ایشان تنگ و تیره گردیده و بار ذلت بالایشان سایه افکنده است. چنانچه الله تعالی از عاقبت چنین زندگی شرم آور حبذ داده میفرماید (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَذَرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى)^{۲۱۶}

هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت و روز قیامت او را نا بینا محشور میکنم. بر عکس جامعه و مردمیکه در شأن راه وسیع شریعت اسلامی و دین بر گزیده

^{۲۱۶} سوره طه: ۱۲۴

خداوند جل جلاله رفتار نمایند و بر مقتضای ایمان و تقوی عمل کنند پروردگار آنها را عزت و ترقی می بخشد و برکات غیبی را بر آنها از آسمان و زمین سرازیر میکند چنانچه الله تعالی برای چنین بندگان مؤمن خود بشارت داده میفرماید (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)^{۲۱۷}

اگر مردمیکه در شهر ها و آبادیها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوای پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشائیم و لی (آنها حقایق را) تکذیب دادند ما هم آنان را به کیفر اعمال شان مجازات کردیم.

^{۲۱۷} الأعراف: ۹۶

پیشنهادات

از اینکه بیت المال ملکیت همه افراد است که در تحت پوشش اسلام در یک جامعه مرفه زندگی میکنند اسلام بخاطر حفظ مصالح اجتماعی آنان موارد و ضوابط قوی را برای تحکیم بخشیدن بیت المال وضع نموده که از طریق آن وضع زندگی افراد طبقه فقیر و مستضعف بالا برده شود و آن ها را از مصائب و مشکلات فقر و ناتوانی نجات داده توانمند و خود کفا سازد. بدین لحاظ و بروشنائی از اصول و قواعد عمومی شریعت اسلامی جهت بهبود زندگی طبقه فقیر و قشر مستضعف جامعه افغانستان که اکثریت خانواده ها را تشکیل میدهند و بخاطر تحکیم بخشیدن رابطه دولت حاکم درین کشور با این جهت بزرگ و بامید احیای بیت المال و موارد آن به زمامداران و حاکمان کشورمان پیشنهادات ذیل را ارایه بنمایم.

۱- جمع اوری زکات از همه انواع اموالیکه در آنها از جانب شریعت زکات تعیین گردیده توسط اداره قوی و امین که درین راستا مؤظف میگردند تا بطور عادلانه در میان مستحقین آن تقسیم گردد بنا بر اساس امر الله تعالی که میفرماید (خُدْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً) ^{۲۱۸} از مالهایشان صدقه (زکات) بگیر.

فرموده پیغمبر ص (لا تُوْخَذُ مِنْ اَغْنِيائِهِمْ فْتَرِدَ عَلَیْفَرَانِهِمْ) گرفته میشود زکات از ثروت مندان آنها و توضیح میگردد بر فقیران شان.

و سنت عملی خلفاء راشدین بر تطبیق امر الله و رسول در امور خلافت اسلامی بطور جدی نشان دهنده همین اصل است زیرا که زکات یکی از بزرگترین موارد بیت المال بوده و توجه حکام جمع اوری کامل آن سبب بلند بردن سطح زندگی عامه و رفاه جامعه میگردد.

۲- در اختیار گرفتن کامل دولت موارد دیگر بیت المال را مانند در آمد های گمرکی بندر های بزرگ کشور و مالیه های خرد و بزرگ دیگر و جلوگیری از حیف و میل شدن این موارد.

۳- مقابله با فرهنگ اسراف و تبذیر در میان مسئولین بلند پایه دولت و جلوگیری از مصارف گزافیکه در راه تجمل بکار برده میشود در حالیکه ملت ما تا هنوز در فقر، مصیبت و نارامی که ناشی از آن است به سر میبرند و قامت خود را راست ننموده اند مناسب نخواهد بود که حاکمان آنها بدون

^{۲۱۸} سورة التوبة: ۱۰۳

در نظر گرفتن مصالح آنها به اسراف و تبذیر اموال بیت المال که مربوط این ملت ایت به معارف بی مورد بکار میبرند و عدم توجه به این امر باعث ایجاد فاصله و دوری میان دولت و رعیت میگردد. ۴- اگر دولت با خود توانمندی و صلاحیت کامل را بر چندین بخاطر جلوگیری و درس عبرت برای رشوت ستانان، غصبان و خائنان ملی باید همه اموالیکه از راه نامشروع بدست آورده اند مصادره و ضبط نموده و آن را در مصالح عامه و طبقه مردم جامعه مصرف نماید.

۵- دولت مسئولیت دارد تا مؤظفین و کارمندان بلند رتبه خود را به جواب دادن بخواهد؟ و اگر جواب قناعت بخش از جانب شان ارایه نشود. و سوء استفاده از بیت المال در آنها دیده شود جزای مناسب برایشان داده شود چنانچه روش پیغمبر(ص) و خلفاء راشدین، عاملین و کارمندان، دوران خلافت به ما تعلیم میدهد، و رقعیت امر نیز همین است که اگر دولت چنین روید را با مؤظفین بلند پایه خود در نظر گیرد هیچ کارمندی به جزوی ترین اعمال فشار اداری دست نمی زند.

۶- بخاطر تحکیم عدالت اجتماعی بدولت پیشنهاد میشود تا قانون(یک بام و دو هوا) را از میان طبقات مختلف کارمندان خود بردارند، دیده میشود که برای یک وزیر دولت همه وسایل معیشت مرفه در نظر گرفته شده و برایش به عناوین مختلف پول، موتر و غیره را سرازیر میکند و معاش و زراء به مقایسه دولت های خارج به حساب دالر پرداخته میشود، در حالیکه دیده میشود برای کارمند و مامور طبقه پائین یک مقدار پول نا کافی بعنوان معاش خور غیر داده میشود که به هیچ وجه کفایت کننده ضروریات اولیه او وفاملش نمی باشد.

فهرست آیات

شماره	آیات	صفحه
۱	سوره هود آیه ۸۵ وَيَقَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ	۲۲
۲	التوبة آیه ۱۰۳ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ	۲۳
۳	التوبة آیه ۶۰ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبَهُمْ	۲۴
۴	الحشر آیه ۷ مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ	۲۵
۵	التوبة آیه ۱۰۳ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ	۲۹
۶	التوبة آیه ۱۱ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۚ وَنُفِصِلِ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	۲۹
۷	التوبة آیه ۵ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوا مِنْهُمْ وَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ وَمِمَّا رَفَعُوا إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمْ وَالَّذِينَ يَدَّبَعُونَهُمْ وَسَاءَ مَبْعَدُهُمْ	۲۹
۸	فصلت آیه ۶-۷ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاستَعِينُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاسْتَعِينُوا بِهِ وَأَسْتَعِينُوهُ وَوَيْلٌ لِّ	۲۹
۹	الحشر آیه ۹ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْرُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ	۳۱
۱۰	التوبة آیه ۱۰۳ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ	۳۲
۱۱	التوبة آیه ۱۰۳ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ	۳۳
۱۲	البقرة آیه ۲۶۳ قَوْلٍ مَعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ خَلِيمٌ	۳۳
۱۳	السبا آیه ۳۹ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۗ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۗ	۳۴
۱۴	البقرة آیه ۲۶۸ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ	۳۴
۱۵	الروم آیه ۳۹ وَمَا آتَيْنَاكَ مِنْ رَبِّكَ لِيُزِيلَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُّوا عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا آتَيْنَاكَ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ	۳۴
۱۶	التوبة آیه ۱۰۳ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ	۳۸
۱۷	التوبة آیه ۳۵ - ۳۶ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا	۳۹
۱۸	البقرة آیه ۲۶۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۗ وَلَا تَيَمَّمُوا	۴۴
۱۹	البقرة آیه ۲۶۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۗ وَلَا تَيَمَّمُوا	۴۵
۲۰	البقرة آیه ۲۶۷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۗ وَلَا تَيَمَّمُوا	۴۶
۲۱	الانعام آیه ۱۴۱ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثَرَهُمُ اللَّيْسُونَ	۴۷
۲۲	الحشر آیه ۶-۷ وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُنَّ مَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ	۶۹
۲۳	البقرة آیه ۱۱۰ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ۗ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ	۷۴
۲۴	البقرة آیه ۲۴۵ مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرُضُ اللَّهُ فَرَضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ	۷۹
۲۵	الانفال آیه ۱۸۷ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي ۗ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ۗ تَقَالَتْ	۸۱
۲۶	الانفال آیه ۴۱ وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ	۸۵
۲۷	الحجرات آیه ۱۸ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ	۸۹
۲۸	البقرة آیه ۱۷۷ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ	۱۹۷
۲۹	طه آیه ۱۲۳ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا ۗ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۗ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْي هُدًى فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا	۱۹۷
۳۰	الاعراف آیه ۹۶ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا	۱۹۸
۳۱	التوبة آیه ۱۰۳ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ	۱۹۹

فهرست احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم)

شماره	حدیث	صفحه
1	پیامبر(صلی الله علیه وسلم) بعد از عقد پیمان به انصار فرمودند:	15
2	خَمْسَ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ	30
3	مَنْ أَعْطَاهَا مُؤْتَجِرًا فَلَهُ أَجْرُهَا وَمَنْ مَتَعَهَا فَإِنَّا آجِدُوهَا وَشَطْرَ مَالِهِ؛	31
4	مَا مِنْ صَاحِبٍ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	39
5	الْعَجَمَاءُ حُبَارٌ وَالْبَلَدُ حُبَارٌ وَالْمَعْدِينُ حُبَارٌ وَفِي الرُّكَاةِ الْخَمْسِ	42
6	(وَالْمَعْدِينُ حُبَارٌ ^{۱۱}): عده ای از علما آنرا به ظاهر معنی تفسیر نموده گفته اند: در معادن	42
7	رسول الله ﷺ میفرماید: يَا مَعْشَرَ الشُّجَارِ إِنِّ الْبَيْعَ يَحْضُرُهُ النَّعْرُ وَالْخَلْفُ	45
8	نیز حدیثی که ابو داود از سمره بن جندب روایت نموده که گفت: رسول الله ما را به پرداختن زکات	45
9	وکتور یوسف قرضاوی نیز مذهب امام ابوحنیفه(رحمه الله) را در این رابطه ترجیح داده است	49
10	سلک امام ابوحنیفه است که هر اندازه که از زمین حاصل شود در آن عشر می باشد در	67
11	پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) از فرزندان عبد قیس نمی خواست خمس غنایم جنگی را	82
12	رسول خدا (صلی الله علیه واله) و کسی است که بعد از او از ائمه (علیهم السلام) می باشد و برای	90

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
۱	امام مالک	۱۱، ۴۸، ۸۶ ۱۹۶،
۲	امام ابو حنیفه	۱۱، ۷۷
۳	منزری	۳۰، ۴۲، ۴۹، ۴۸، ۵۰ ۲، ۵۳، ۵۶، ۸۴، ۸۶، ۱۹۵
۴	خزیمه	۳۲
۵	ترمزی	۳۶
۶	شیخ البانی	۴۲
۷	امام احمد	۴۳
۸	امام شافعی	۷۷، ۴۸، ۴۳ ۸۴، ۱۹۶،
۹	احمد ابن حنبل	۴۸، ۷۷
۱۰	ابو یوسف	۵۰، ۱۹۵
۱۱	ابو عبید	۸۷

مراجع و مصادر

- ١- القرآن الكريم
- ٢- ابن كثير عماد الدين، تفسير القرآن العظيم، دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع- طبع دوم ١٤١٨هـ ق- ١٩١٧م
- ٣- قدامة المعنى، دار عالم و لكتب، الرياض، طبع سوم ١٤١١هـ ق- م ١٩١١
- ٤- ابن كثير عمادالدين، البداية والنهاية، داراى حيان، القاهرة، طبع اول ١٤١٦هـ ق- م ١٩٩٦
- ٥- ابن همام محمد، فتح القدير، مكتبه حقانية، محل جنگى، پشاور پاكستان
- ٦- ابو محمد على ابن احمد بن سعيد بن خرم، المحلى بالآثار دارالكتب العلمية بيورت لبنان طبع ١٩١١هـ ق - م ١٤٤١
- ٧- ابو الحسن على ابن محمد بن حبيب الماوردى، الاحكام السلطانية مكتبة الفاروقية، محله جنگى پشاور پاكستان
- ٨- ابو زهرة محمد، تنظيم الاسلام للمجتمع، دار الفكر العربى القاهرة
- ٩- ابو الفتوح بسيونى، سعيد محمد، الحرية الاقتصادية فى الاسلام و اثرها فى التنمية، دار الوفا للطباعة و النشر و التوزيع، المنصورة مجمع اول ١٤٤١هـ ق، م ١٩١١
- ١٠- ابراهيم مصطفى، المعجم الوسيط، دار الدعوة التنبول تركيه طبع هشتم ١٤١٤ق، ه م ١٩١١
- ١١- البارونى عيسى ايوب، الرقاية المالية فى عهد الرسول و اخفاء الراشدين، جمعية الدعوة الاسلامية، طبابليس، اللبية طبع اول ١٣٩٥ق، ه ١٩١٦م
- ١٢- بيان دكتور سيد جان، درمان فقر از نگاه قرآن، مركز نشراتى ميوند پشاور پاكستان طبع ه ش ١٣١٤
- ١٣- تقوى دكتور مهدى، مبانى علم اقتصاد، مركز آموزشى و پژوهش صنائع ايران طبع هفتم ه ش ١٣١١
- ١٤- جر دكتور خليل، فرهنگ لاروس عربى به فارسى، مؤسسه انتشارات امير كبير تهران طبع ١٣١٤ يازدهم ه ش
- ١٥- رياست عوايد وزارت ماليه افغانستان
- الزحيلى دكتور وهبة، الفقه الاسلامى و ادلتة، دار الفكر دمشق طبع سوم ١٤-١٤هـ م ١٩١٩ق،
- ١٦- السيد سابق، فقه السنة، دارالكتب العربى، بيروت لبنان طبع هشتم ١٤٤١هـ م ١٩١١ق،

- ۱۷- الشوکانی محمد بن علی بن محمد، نیل الوطار، الصنار السنة الحمديّة لاهور پاکستان
- ۱۸- شیرازی آیة الله مکارم، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیة، تهران طبع چهاردهم ۱۳۱۴هـ
- ۱۸- شیرازی عبدالکریم بی ازار، رساله نوبین مسائل اقتصادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران
۱۳۱۲ طبع نهم هـ ش
- ۱۹- عثمانی شبیر احمد و دیوبندی محمودالحسن تفسیر کابلی، دار العروبة للدعوة الاسلامیة
المنصورة لاهور پاکستان طبع ۱۳۴۳ق، هـ م ۱۹۱۲
- ۲۰- القرضاوی دکتور یوسف، فقه الزکات، دار الکتب العربی بیروت طبع شانزدهم ۱۴۴۶هـ ق،
۱۹۱۶ م
- ۲۱- القرضاوی دکتور یوسف، مشکلة الفقر و کیف عالجهما الاسلام، مؤسسة الرسالة بیروت طبع
م ۱۹۹۱ نهم ق، ۱۴۱۲هـ
- ۲۲- القرضاوی دکتور یوسف عبارت در اسلام، چاپخانه آرمان نشر احسان تهران طبع دوم
هـ ش ۱۳۱۱
- ۲۳- لشگری علی رضا، نظام مالیاتی اسلام، انتشارات پایه گان، تهران طبع اول ۱۳۱۴هـ ش
- ۲۴- مبارک پوری صفی الرحمن سیرت النبی(ص) ترجمة فارسی الرحیق المختوم
- ۲۵- المزینی احمد عبدالعزیز، المرشد فی احکام الزکات، منشورات ذات السلاسل الكويت طبع
۱۹۱۴ اول ق، هـ م ۱۴۴۴
- ۲۶- ولی الدین محمد ابن عبدالله الخطیب، مشکات المصابیح، مكتبة الحقانية محله جنگی پشاور
پاکستان
- ۲۷- یوسف ابراهیم یوسف، انفاقات العامة فی الاسلام، دار الشقافة قطر الدوحة طبع دوم ۱۴۴۱هـ
۱۹۱۱ق، م
- ۲۸- یوسفی احمد علی، نظام مالی اسلام، مرکز نشر پژوهش گاه فرهنگ و اندیشه اسلام طبع
۱۳۱۹ اول هـ ش.

منابع حقوقی

- ۱- بصیر ، بصیرت : نقش عواید گمرک کندز در عواید داخلی کشور طی سال های ، ۱۳۱۶- ۱۳۱۲
 - سمینار، پوهنهی اقتصاد پوهنتون کابل ، سال ۱۳۱۱
 - ۲- عارف ، عبدالقیوم : مبانی نظریات مالی ، پوهنهی اقتصاد پوهنتون کابل . ۱۳۱۶ سال
 - ۳- کتکا ، روپ : کتاب آموزش مالیه ، جلد اول (دری) ، جمهوری اسلامی افغانستان – وزارت مالیه کابل اگست . ۲۰۰۵
 - ۴- منیر ، محمد ضمیر: نقش مالیات در عواید داخلی افغانستان طی سال های ، ۱۳۱۲-سمینار، ۱۳۱۱ پوهنهی اقتصاد پوهنتون کابل ، سال ۱۳۱۱
 - ۵- وزارت عدلیه ، جریده رسمی : قانون گمرکات – فصل چهارم – ماده بیست و سوم – ۱۳۱۴ سال
 - ۶- وزارت عدلیه ، جریده رسمی : قانون مالیات بر عایدات – ۱۳۱۴ سال
 - ۷- وزارت مالیه : اطلاعات مالی ، شماره نهم و دهم – اسد و سنبله . ۱۳۱۵
 - ۸- وزارت مالیه : اطلاعات مالی ، شماره ۲۳ و ۲۴ قوس وجدی . ۱۳۱۶
 - ۹- The investors Guide to Afghanistan – ministry of commerce – page ۶۱-۶۴
 - ۱۰- وزارت مالیه – مجله ثروت – شماره دوم – ۱۳۱۳ ثور
 - ۱۱- وزارت مالیه – مجله ثروت - شماره پنجم – حوت – ۱۳۱۴
- لست مصاحبه ها
- ۱۲- مصاحبه با محمد بشیر « سدید » آمر مجرای قانون وزارت مالیه – ۱۳۱۱ سال
 - ۱۳- مصاحبه با غلام دستگیر معاون آمریت عواید ولایت کابل – ۱۳۱۱ سال
 - ۱۴- مصاحبه با محمد شریف « سدید » مدیر قسم اداره مالیه دهنده گان متوسط وزارت مالیه – ۱۳۱۱ سال
- انترنت یا ویب سایت ها
- ۱۵- سیستم مالیاتی افغانستان ، ۱۳۱۱ www.mof.gov.af/tax.com سال
 - ۱۶- مفهوم و تعاریف مالیه ، ۱۳۱۱ www.google.com سال

Summary of the research:

From past discussions, the history of the Beit al-Mal and the Islamic economy can be concluded.

١- Beit al-Mal Islamic with its rich and fluxed materials and resources is best answerable for all the needs of society have led humanity to Prosperity and progress without extremism person has considered the interests of the individual and society with different dimensions Bayt al-Malika in its shadow. Society is approximation, and neither individuals, nor arbitrary rulers, take it, nor do individuals take it their rights are oppressed, but the vassals and rulers, the poor and the wealthy, all together in the hands of brotherhood. Data collaboration constitutes a profitable society and a strong government that guarantees the interests of all of them.

٢- Bayt al-Mal and other means underpinning the Economy of Islamic with the principles of the principles of the Islamic polite distribution of wealth, welfare and comfort of the people and the level of living with individuals as. We saw its examples at the time of the Prophet (s) and the Caliphs of Rashidun.

٣-At other times, as far as Muslims and rulers followed the orders of Dear Aslam and from the property of the Beit al-Mal protected the people and society were in good condition and were always in progress, progress and free lived.

٤-Economic laws during the time of 'Umar b. 'Abd al-Aziz and the Abbasi caliphs to some extent It was practical, the vast, vast Country of Islamic, spreading from China to Spain, well governed And he never needed the help of foreigners and their laws, but others needed them, and they didn't need them.

٥-At any time Muslims and rulers forgot the divine laws to materialize and fancy the nobles and the fever of life turned to them narrow and darkene



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master's program in jurisprudence and law



Islamic Emarate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Fundamentals of the treasury in Islamic jurisprudence And the Afghanistan Tax Law

A master's thesis

Student: Bi Bi Habiba (Sultany)

Supervisor: Dr.Wazir Mohammad (Sahaidi)

Year: ۲۰۲۲



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence and law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Fundamentals of the treasury in Islamic jurisprudence
And the Afghan Tax Law
A master's thesis

Student: Bi Bi Habiba (Sultany)

Supervisor: Dr.Wazir Mohammad (Sahaidi)

Year:2022

